

۲۸ صفحه

۸۵

بیکار

سال دوم - دوشنبه ۲۴ آذر ۱۳۵۹ بهای ۳۰۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

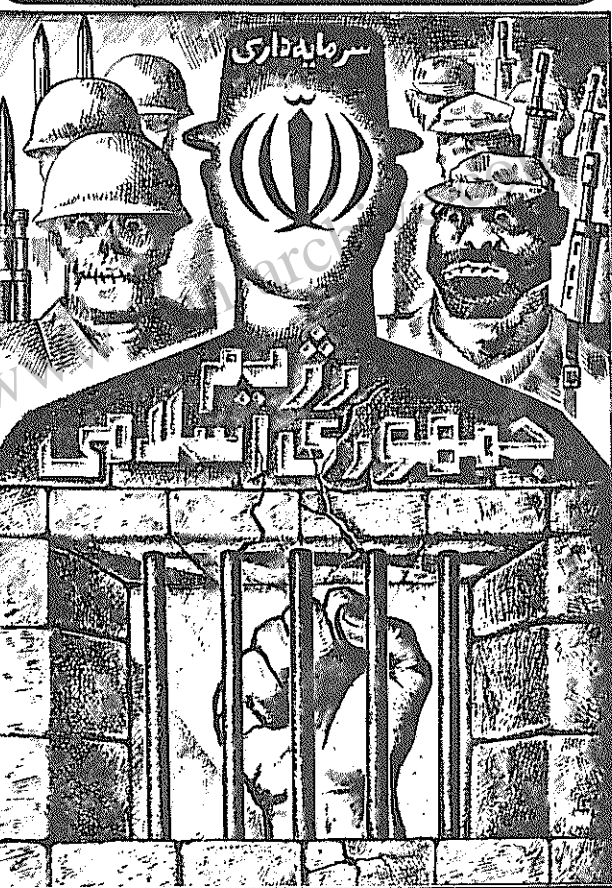
- هاشمی رفسنجانی و ۴۰۰ میلیون تومان خرید از خارج! ۲۱ صفحه
- تیرباران یک کمونیست دیگر در خوزستان ۸ صفحه
- رفیق حسنعلی شهبازی نفتگر انقلابی آزاد باید گردد ۲۷ صفحه
- پاسداران سرمایه، "نورآباد" ممسنی را بجاک و خون کشیدند! ۱۴ صفحه
- حزب دمکرات کردستان عراق و خیانت آن نسبت به خلق کرد ۵ صفحه
- مبارزات دانش آموزان در آستارا ۷ صفحه

سرمقاله

به استقبال جنبش اوچکپرنده نوده‌ها بشتابیم

۲۲ ماه از قیام شکوهمند خلقهای قهرمان ایران میگذرد. این قیام بدلیل خیانت و سازش خرده بورژوازی مرفه‌سنجی و بورژوازی لیبرال با امپریالیستها و نبود صف مستقل و رهبری پرولتاریا و کمونیستها برای قیام، نتوانست به حاکمیت پرولتاریا و زحمتکشان نوده‌های تحت ستم منجر گشته و به خواستهای اساسی نوده‌ها تحقق بخشد. اما این هیچگاه به معنی شکست قیام بقیه در صفحه ۲

انقلابیون در بند پرچم مبارزه را در زندانهای جمهوری اسلامی برافراشته نگاه داشته‌اند!



درو بردلاوری و مقاومت زندانیان سیاسی انقلابی

وضع زحمتکشان در جنگهای عادلانه و انقلابی

رهنمود به هواداران داخل و خارج از کشور در مورد مبارزه در جهت آزادی زندانیان سیاسی انقلابی

پیشمرگان انقلابی سازمان بیکار ۱۴ مزدور را بهلاکت رساندند

آقای باهنر، عامل فرخ روپارسا، وزیر جدید آموزش و پرورش جمهوری اسلامی

حقایق درون ارتش و ادعاهای رژیم

چرا بیکاری آتش زیر خاکستر است

گزارشی از اوضاع سیاسی عراق

محاكمه مارکسیسم در چین

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

سرمقاله

نشود، توده‌های زحمتکش ورنجدیده ما که در کام اول جنبش میلیونی خود در زیر نبردترین نوع دیکتاتورهای جهان و با تقدیم جنتا دهبیزار شهید و بیش از صد هزار زخمی و رندانی موسیق شدند، رژیم سلطنتی شاه خاشاک این نماینده مزدور و کارگزار امپریالیسم آمریکا را به زیاده دانی تاریخ بیا فکند، از آن به بعد نیستیز، علی‌رغم تمامی توهامات خود نسبت به هیات حاکمه جدید و علی‌رغم یک دوره افت جنبش توده‌ای، از مبارزه بیخاطر خواهانهای سیاسی و اقتصادی خود و لویسا برد محدود با زنا بیستاده اند.

رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت بورژوازی و ارتجاعی خود، نه تنها نتوانسته (و نخواهد توانست) بر بحران‌های که از اشیده سیستم سرمایه داری وابسته بود فائق آید، بلکه هر روز گناه از عمر حکومت او میگذرد، این بحران در ابعیاد وسیعتری افزایش مییابد و این خود، بنا بر فایده توده‌ها را دامن زده و آنها را به عرصه میسارزه روانه میسازد.

کارگران آگاه و پیشر و توده‌های وسیعی از خلقهای تحت ستم نظیر خلق کرد و ترکمن ... دانشجویان، دانش آموزان و معلمان رزمند و انقلابی ... از همان فردای قیام، توده‌های وسیعتر در فواصل بعدی، بتدریج دریا فته و در می یا بندگانه این رژیم نه میخواستند و نتوانستند به خواهانهای انقلابی و برحق آنها پاسخ دهد و از اینرو برای حفظ دستاوردهای قیام خونین بیمن، به مبارزه خود به اشکال مختلف ادامه داده و میدهند. این مبارزات خود بخود سرکوب رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را در تمامی مناطق در کردستان و ترکمن صحرا، در خوزستان و دورود در کارخانه و روستا و در دانشگاه و مدرسه بدستال میا و در دهزاران نفر از توده‌های فخرمان و انقلابیون کمونیست و غیر کمونیست گشتا را و اعدام می‌شوند و زندانها هم مانند زمان رژیم شاه از زندانیان سیاسی انقلابی انباشته شده و زندانیان بعنا و بین مختلف تحت شدیدترین شکنجه‌های روانی و جسمی قرار میگیرند و هزاران نفر از کمونیستها و انقلابیون آزاد اارات و مدارین به جرم دفاع از زحمتکشان و آزادیهای دیمکراتیک، اخراج میشوند.

رژیم جمهوری اسلامی، همانند تمامی رژیمهای ارتجاعی در تاریخ، گورد لاند تصور میکند: میتواند، چرخ تاریخ را به عقب برگرداند و بسا اخراج و زندان، شکنجه و اعدام و سرکوب و شکنج را جلوی مبارزه طبقاتی زحمتکشان و خلقهای تحت ستم باز بکشد. غافل از اینکه خلقهای فخرمان ما که آزمايش خویشا رقیب بیمن را در پشت سر خود دارند و با اتکاء به تجربیات مبارزات یک قرن اخیر خود، بر علیه هرگونه ستم سیاسی و اقتصادی و بر علیه سلطه امپریالیسم و پاسداران

سرمایه داری و استبداد مبارزه می‌نمایند و حواس و هما نیکو بگردیم تا دوسامی دستکاه سرکوب و کسان زین شتوانست صدای حق لبنا نه آنها را خاشاک کند، سرکوب و کشتا و رژیم جمهوری اسلامی نیز هیچگاه در این مبارزه با آنها نبود و تنها موجب کوره خوردن، مشتها، ربا ترش شدن غریبا دها و بر اثر شدن شبنها کشته است. کافسی است نگاه به بوضع جنبش توده‌ای بیندازیم تا ببینیم وضع از چه فرار است:

طبقه کارگر و پویوژها کارگران مبارز صنعت نفت که در ماههای قبل از قیام و با اعتصاب بردا منته و کمترده خود، ضربات تکنده‌ای بر حیات اقتصادی و سیاسی رژیم شاه وارد آوردند و در زمان قیام (و البته نه بصورت مف مستقل، بلکه در چارچوب دنیا له روی از خرده بورژوازی و مواضع آن) حماسه‌ها آفریدند، در روزها و ماههای پس از قیام نیز به مبارزه خود جهت حفظ و با شکل شورا‌های کارگری (سندیکای سرخ) ادامه داده و علی‌رغم ضعف رهبری و گوش رژیم جهت نابود ساختن این شوراها و جایگزینی آن توسط شورا های اسلامی، توانستند در بسیاری از کارخانجات این شوراها را حفظ کرده و با وجود آوردن، بعلاوه در همین مقطع در کمان جنبش کارگران شاغل، جنبش کارگران بیگانه ریسز از سطح بالائی برخوردار بوده، و هر روز تهران و شهرستانها تا حدتظارا ت کارگران بیگانه ربا شاعرهای اساسا انقلابی و بیرولتزی و اکثریت تحت رهبری کمونیستها بود. مبارزات کارگران شاغل و بیگانه را که به بعدها تحت شرایط عینی و ذهنی حاکم بر جنبش طبقه دچار افت گردید ولی هم اکنون با شدت بحران اقتصادی و سیاسی جامعه و افزایش بیگاری (هم اکنون طبق آمارهای خود رژیم، ۳ میلیون بیگانه در ایران وجود دارد) تورم و گرانی بخصوص در مناطق جنگ زده و در ارتباط با کار و فعالیت آگاه هکرا نه نسبتا وسیع کمونیستها در میان کارگران، چشم انداز رشد و گسترش جنبش کارگری را در نقاط مختلف ایران و بخصوص در مناطق جنگ زده و نواحی صعبی ایران، تولید میدهد.

خلق کرد که از همان روز اولین بهار پس از تمام بخاطر مبارزه برای خود مختاری و حق تعیین سرنوشت خود مورد حمله و یورش سب افکنهای رژیم حاکم قرار گرفت. اکنون علی‌رغم تمامی حملات و حشاشته‌ها صراحتا نماینده دشمن، علی‌رغم شهادت هزاران نفر از زحمتکشان و انقلابیون در کردستان و علی‌رغم کشتار و فحیح مدهاشن از زندان، کودگان و سیر مردان (آهالی روستا‌های فارنا، نهلان، اسدرناش، موفیان ...)

و با لاف علی‌رغم خضانت و سازش حشرب دیمکرات و روسیونیستهای فدائی، همچنان با شور و شوق و صف ناسدی به مبارزه مسلحانه خود علیه رژیم جمهوری اسلامی و ارتش و پاسداران

سرمایه داری و استبداد مبارزه می‌نمایند، علی‌رغم تمامی شکلات، محدودیتها و ضعفها، صریحاً و صریحاً تکنده‌ای بر سرکوب دشمن وارد آورد.

به همین ترتیب خلق فخرمان ترکمن، مبارزه کسرد و مسلحانه خود را با زمینداران سزرک و رژیم جمهوری اسلامی در چارچوب شورا‌های انقلابی دهقانی تا بنا را سال ادامه داده و کسه منافقانه خیانت رویونیستهای فدائی و سایر آنها با رژیم، موجبات اساسی شکست این جنبش و نابودی دستاوردهای عظیم آن را که میتوانست به گسترش آن بویژه در منطقه شمال منجر شود، فراهم آورد. بدون تردید جنبش خلق ترکمن و اصولا جنبش دهقانی در منطقه شمال و سایر مناطق ایران، خواستهای اساسی خود را همچنان در پیش رو دارند. خواستهای که هیچگاه رژیم جمهوری اسلامی قادر به پاسخگویی آن نبوده و نیست و این خود زمینه‌ای را برای رشد و گسترش این جنبش در آینده فراهم می‌آورد.

دانشجویان و دانش آموزان انقلابی و مبارزه همواره در سنگرد دانشگاه و مدرسه منسادی حقوق زحمتکشان و آزادیهای دیمکراتیک بوده اند و به همین خاطر هر روز و در هر ساعت مورد ضرب و شتم و سرکوب و کشتار و وحشانه‌ها در از ارتجاع قرار گرفته و با روانه زندان و شکنجه‌ها شده اند. هم اکنون علی‌رغم بسته شدن دانشگاهها و حاکمیت جوخفغان و سرکوب در مدارس، همچنان به مبارزه خویش در مدارس، در کوشه و کتا رخیان و بر سر هر دکه و بساط فروش نشریات انقلابی، در کارخانه و مزرعه، در زندان و شکنجه‌گاه و در کتا رجوخه‌های اعدام ادامه میدهند.

معلمان انقلابی و مبارزان بدون واهمه از اخراج و "پاکسازی" و بدون واهمه از زندان و ششید، در کتا ر دانش آموزان انقلابی و کمونیست به مبارزه خود گسترش و شدت بیشتری بخشیده و هم اکنون موج اعتراض معلمان مبارزه و آکساده نسبت به جو پلیسی و خفقان و سرکوب در مدارس اخراج عناصر انقلابی، ضرب و شتم دانش آموزان و معلمان و زندانی کردن آنها، و در مخالفت با فرهنگ و نظام آموزشی مدارس، مناطق مختلف کشور را فرا گرفته است.

جنبش زندانیان سیاسی انقلابی و آزادیخواه اعتصابات غذا، اخراج زندانیان سیاسی در تهران و حمایت و پشتیبانی نیروهای انقلابی و افشار خلقی از آنها گشته و دیمکراتی حاکمان دیمکراتیک و صدا سیرا لبستی خلق ما را بدستال میگذارد. اظهارات بینی مدوردیگر لبسرا لبنا در هفته‌های اخیر راجع به زندان و شکنجه و با ملاحظ نگارنی آیت الله خمینی از "تا بعد" شکنج در زندانها و تعیین هشتی برای تحقیق در این باره و صحبت و ستم آن، در عین حال که چیزی جز کوشش برای فریب توده‌ها و منحرف کردن افکار عمومی از جنایات زندانبانان، شکنجه‌گران و بشبه در صفحه ۲۱

مبارزه علیه جنگ و ابه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

جنبش کارگری



اجتماع کارکنان شرکت نفت بمنظور کسب حقوق پایمال شده نشان

روزشنبه ۹/۸/۹۰ کارکنان شرکت نفت در مناطق جنگ زده در شهر تهران، شیراز و اصفهان جهت دریافت حقوقشان اجتماع کردند اما مقامات طی اعلامیه‌ای پرداخت حقوق را به روزهای دیگر موکول کردند لذا در این اجتماعات نمایندگان کارکنان به افسانای اعمال ضد مردمی رژیم مبنی بر محدودیت در پرداخت حقوق کارکنان (متلا به کارکنان بیش از ۲ هزار تومان نداده اند) و گذاشتن شرط و شروطی چون دریافت حقوق در مناطق جنگ زده... پرداختند. قرار شد که روز سه شنبه ۹/۱۱/۹۰ در اداره مرکزی شرکت نفت گردهم آیند.

در این روز حدود ۶۰۰ نفر از کارکنان در سالن اداره مرکزی شرکت نفت جمع شدند ۹ نفر نماینده کارکنان جنگ زده از شیراز، ۲ نفر نماینده کارکنان جنگ زده از اصفهان و ۲ نفر نماینده از ماهشهر نیز برای مطرح کردن خواست - های کارکنان آن مناطق در این جلسه شرکت داشتند. در این جلسه نمایندگان مختلف صحبت کردند و ضمن طرح خواسته‌های کارکنان، به افسانای برخی از عملکردهای رژیم پرداختند. مثلا یکی از نمایندگان با ارائه سندی نشان بقیه در صفحه ۱۰

چرا بیکاری آتش زبرخاکستر است؟

رجائی نخست وزیر جمهوری اسلامی در جلسه روز پنجشنبه ۵۹/۹/۱۳ در کنفرانس استناداران اعتراف می‌کند که:

"مسئله بیکاری بصورت آتش زبرخاکستر پنهان شده است. بنا بر این باید قبل از آنکه بصورت راهیمائی عرض وجود کند و حالت‌های دیگری را پیدا کند، برای حل آنها راه‌حلهای مناسبی ارائه شود." (۳) برآستی چه عاملی باعث شده که مقامات رژیم اینچنین از وجود مسئله بیکاری بی‌خوشت بیاقتند؟ و آتش که آقای رجائی از آن نام میبرد چیست؟ و در صورت خارج شدن از زبرخاکستر، چه کسانی را در شعله‌های خود خواهد سوزاند؟

بیکاری یکی از عوارض جوامع سرمایه‌داری است که در شرایط بحران اقتصادی بشکل حادی بروز میکند. البته سرمایه‌داران همواره از وجود بیکاری برای با شین آوردن دستمزدها و استثمای هر چه بیشتر کارگران و زمینکشیان، حداکثر استفاده را میکنند، ولی زمانیکه بحران حاد میشود بیکاری گسترش مییابد و توده‌ها بیش

از پیش‌بمبارزه بر علیه عامل اصلی این بیماری یعنی نظام سرمایه‌داری، کشته شده می‌شوند، همان‌گونه که بعد از سالهای ۵۵ و ۵۶ در ایران چنین شد. از آنجائی که در رژیم جمهوری اسلامی بحران اقتصادی کاملاً ادا شده‌اند، مشکل بیکاری نیز بشکل حادی بقوت خود باقیست. عوامل فریبی - های رژیم جمهوری اسلامی نیز نتوانست و نمی‌توانند مانع مبارزات مدها هزار نفر کارگریکار شود. بعد از قیام مبهمن ما تلافی‌طلبانه مبارزه کارگران بیکار را و ج گرفت و تاکنون علی‌رغم اقامت و خیزش‌های ادا شده و در ضمن با سرکوب با سداران رژیم نیز مواج‌گشته و میگردد.

مقامات رژیم، با جزا زهرگونه عملی که بتواند ولو اندکی از شدت بیکاری بکاهد سعی در پنهان کردن مسئله و کوچک نمودن ابعاد داشته‌ها دارند. ولی واقعات که در ضمن تهدید برای موجودیت رژیم نیز بود، آنرا را واداشت که ضمن اعتراف به حاد بودن مشکل بیکاری، مذبحانه در فکر "راه‌های" باشند. طبقه در صفحه ۱۰

کارگران رویزپو نیستهای (اکثریتی) را از کارخانه اخراج می‌کنند

چندی پیش یکی از اعضای شورای کارخانه "خرپا" که از هواداران رویزپو نیستهای فدائی (اکثریتی) بود، بوسیله کارگران از کارخانه اخراج میشود و دیگر اوبه کارخانه راه نمیدهند در حالیکه کارفرما با این عمل مخالف بوده و در صدد بازگرداندن اوبه کارخانه است، ولی با مقاومت کارگران و با فشاری آنها روی اخراج این "اکثریتی" مواجه میگردد!

جریان از این قرار است که کارفرما مدت یکماه حقوق و مزایای کارگران را پرداخت نمیکنند و با وعده و وعید و نظا هر به نداشتن بیل (۱۴) کارگران را سر می‌دوانند. کارگران که از این عمل کارفرما بخشم‌آمده بودند شورای کارخانه را تحت فشار قرار میدهند تا کارفرما را وادار به بقیه در صفحه ۹

اعتصاب در کارخانه ری - او - واک تزوین

می‌شوند مدیرعامل را مجبور کنند به کارخانه بیاید و مبارزه‌شان را برای کسب حقوق حقه خود ادا می‌دهند.

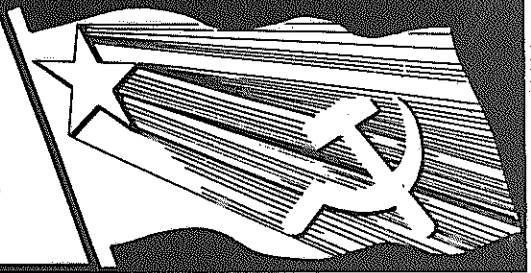
در اعلامیه‌ای که توسط کارگران در کارخانه پخش میشود، خواسته‌های کارگران بصورت زیر عنوان میگردد:

- ۱ - پیاده کردن طرح طبقه‌بندی با نظارت کارگران و منبغ کارگران
- ۲ - در حالیکه پیاده کردن طرح چندین روز طول میکشد، باید مبلغی (که مقدار آن با نظر همه تعیین میشود) بعنوان علی‌الاصاب پرداخت کنند
- ۳ - تعهد کتبی و تعیین یک مدت ۱۵ روزه برای پیاده کردن طرح.
- ۴ - مصیبتی و افرادی که هیچ مسئولیتی ندارند حق دخالت در کار کارگران را ندارند.

کارگران مبارز کارخانه ری - او - واک که پس از چند ماهی کوشش برای پیاده کردن طرح طبقه‌بندی و گفتگوی شورابه نتیجه‌ای نرسیده بودند، در تاریخ ۵۹/۹/۸ همگی دست از کار کشیدند و با جمع شدن در آنها رخوری خواستار پیاده شدن طرح طبقه‌بندی شدند. اعتراض و اتحاد کارگران این کارخانه شورای کارفرمایی را به تکان درآورد و آنرا مجبور کرد که با مدیرعامل خاشن که در تهران است تماس بگیرد. اما مدیر سرمایه‌دار و جنتا یتکار برای اینکه به کارخانه بنیاید، میگوید: کارگران با پیداعتاب خودشان را تمام میکنند در حالیکه کارگران مبارز، برای او - واک تصمیم میگیرند به زور مبارزه و اعتصاب مدیرعامل را بکارخانه بکشند و حقتشان را از طبقوم کشتیغش بیرون بیاورند. سرانجام کارگران موفق

پیش‌سوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۹)

که رژیم برای سرکوب خلق کرد متحمل می‌شود، فرار داد، بدین ترتیب کارگران درمی یابند که به قیمت استعما ریشتر آنان، رژیم برای سرکوب توده‌ها اسلحه می‌فرد و با نشان دادن دروغین بودن مبارزه ضد امپریالیستی رژیم، میتوان در کنار اعدای آنها، قرارداد های اقتصادی و با وابستگیهای موجود اقتصادی را بجا برساند و با نشان دادن دشمنی رژیم با انقلابیون در کنار خبر آزادی ساواکیها و نوکران امپریالیسم، خبر دستگیری با تیر - باران کمونیستها و انقلابیون تبلیغ نمود.

۴- گستردگی تبلیغ

در قانون اول گفتیم که، تبلیغ بایستی روحیات تسلیم و رکود را در توده‌ها درهم کوبد و ضمن آگاهي بخشیدن به توده‌ها، روحیات انقلابی را تقویت و هدایت کند. در قانون دوم گفتیم که تبلیغ بایستی به نیا زهای توده‌ها بموقع پاسخ گوید و اعتماد آنان را بسوی خود جلب نماید. در قانون سوم گفتیم که تبلیغ بایستی در پیوند با توده‌های وسیع انجام بگیرد، بدین ترتیب مشخصه گسترده بودن تبلیغ را از دل همه قوانین تبلیغ و بخصوص قانون سوم میتوان بیرون کشید، این مشخصه در مضمون و محتوای تبلیغ، بلکه در طرق انجام آن است. کافی نیست که تبلیغ برانگیزاننده و بموقع باشد و به درستی تفاهد را برانگیزد، بلکه باید که گسترده باشد، گسترده ترین و مناسب ترین اوراق تبلیغی تهیه گردد. تا زمانیکه با تیراژی وسیع بمیان توده‌ها نرود و تا آخرین ورق در میسبان توده‌ها پخش نگردد، نمیتوان از پیشبرد امر تبلیغ سخنی هم بمیان آورد.

بدین ترتیب وظیفه همه کمونیستهاست که تا آنجا شیکه می توانند، نشریات تبلیغی کمونیستی را بمیان توده‌های هر چه وسیعتر ببرند، کیفیت و صحت مطالب مورد تبلیغ، بیکوجه قضیه است و بخش و اشاعه گسترده آن، وجه مهم دیگر. دوارگان تبلیغی را در نظر بگیرد که یکی با رعایت تمام می تواند اعدا و مشخصات تبلیغ انتشار می یابد، منتها با تیراژی مثلا ده هزار و دیگری را که از آن بائین تراست منتها با تیراژی صد هزار پخش میگردد. طبیعی است علیرغم کاستی های دومی، تا شیر آن بر مبنای رزات طبقاتی بیشتر است. بدین ترتیب اگر وظیفه مرکزیت و ارگان مرکزی، انتشار اوراق تبلیغی با بهترین کیفیت است ممکنه است وظیفه تمامی اعضا، و هواداران سازمان کمونیستی، اشاعه و گسترش روز افزون آن در میان توده‌هاست. بایستی کوشید تا مرتب تیراژ ارگان مرکزی را افزایش داد و اعلامیه‌ها و تراکت‌های بیشتری تکثیر و

بقیه در صفحه ۲۲
۱۳۰۴ - لنین چه یاد کرد.
۲- ما شو- در باره تفاهد ها.

بسیار کمتری را در بر میگیرد. روند شناخت توده‌ها از مسیر آگاهی یافتن بر روی مسائل و واقعیات مشخص میگردد و بقول لنین آگاهی سیاسی و فعالیت انقلابی توده‌ها را با هیچ چیز نمی توان تربیت نمود "مگربوسیله همین افشاگریها" (۴) و همین تبلیغ مظاهر مشخص واقعیات، توده‌ها بایستی از خلال تبلیغ جدا - گانه ایده‌های مشخص: "گرسنگی فرزندان نشان" "سیگاری ادواری شان"، "ستم پلیس بر توده‌های زحمتکش و... شناخت همه جانبه‌ای نسبت به سرمایه داری بیابند.

توضیح مکرر مظاهر مشخص سرمایه داری، توده‌های وسیعی را بدرک همه جانبه‌ای نسبت به سرمایه داری میرساند، در حالیکه ترویج سرمایه داری، یعنی توضیح بیکاره چندین جنبه از آن تنها توده‌های کمتری را در بر میگیرد. تبلیغ مثلا سرمایه داری را بایستی از خلال همان رنجهای مشخص که توده‌ها می‌بینند نشان داد. چنین است که توده‌ها از معرفت به اشیاء پدیده های خاص، بتدریج بی به ما هیت عام سرمایه داری میرند و در راهنا بودی آن بسج میگردند.

در رابطه با این مشخصه مهم تبلیغ، و انحراف میتواند بروز کند، یکی انحراف رویزونیستی که در پشت سر راه ایده دشمنان واقعی توده‌ها را نشان ندهد، از ایده گرسنگی سخن بگوید، بیسی آنکه مشخص کند عامل این گرسنگی کیست و دیگر انحراف روشنفکرانه، کلی گویی کردن، مدام از دشمنان توده‌ها سخن گفتن، بی آنکه مظاهر مشخص ستمگریهای آنها به توده‌ها نشان داده شود.

در بیان با بدگفت تبلیغ یک ایده از دیدگاه کمونیستی ما درت به عربان ساختن یک تضاد مشخص است. مثلا از گرسنگی مردن با پدر نقطه مقابل سیاست تسلیحاتی رژیم یا ثروتهای مجاز ثروتمندان تجار بگیرد، با بیکاری توده‌ها را در مقابل صنایع وابسته قرار دهد و جیسری بودن بیکاری، گرسنگی و... را از دل سیستم حاکم بیرون کشیده، با عربان ساختن تضادهای موجود طبقاتی، توده‌ها آگاه سازد. مثلا تبلیغ ایده مشخص لغوسود ویژه با بدیدینگونه باشد که کارگران دریا بند، این عمل تنها به استعمار بیشتر آنها و قدرت گیری بیشتر سرمایه داران منجر میشود. مثلا اعلامیه قطع سود ویژه از طرف رژیم را در کنار برنا به تسلیحاتی رژیم و یا مخارج

مشخصات تبلیغ (۲)

۳- در تبلیغ تنها، يك ایده بیان می‌گردد

"مروج (برویا کاندیست) ایده‌های متعدد را به یک با چند شخص میرساند، اما مبلغ فقط یک یا فقط چند ایده میدهد، ولی در عوض آنها را بتوده‌ای از اشخاص میرساند." (۱)
این مشخصه اساسی تبلیغ که بخوبی مرز آن را با ترویج بیان میدارد، ریشه در کدام قوانین تبلیغ دارد؟ آنچه موجب میشود که تبلیغ و ترویج از یکدیگر متمایز گردند، تا یکدیگر بر روی اصل سوم تبلیغ است. اصل سوم تبلیغ حکایت از پیوند با توده‌های وسیع دارد. درست است که بایستی در میان توده‌ها هم تبلیغ انجام بگیرد و هم ترویج و این ایده که ابتدا بایستی تبلیغ کرد و سپس ترویج، دیدگاه نحرافی است، اما برای نفوذ در میان توده‌های وسیع بایستی به یک مسئله اساسی توجه کرد و آن سیرتوالی حرکت شناخت انسان است. ما بطور کمرنگ رفیق مائوسو می گوید:

"حرکت شناخت انسان پیوسته از طریق معرفت اشیا و پدیده‌های منفرد و خاص تدریجا به معرفت بر اشیا و پدیده‌های عام و رشد می یابد. انسان تنها پس از آن که ماهیت ویژه اشیا و پدیده‌های متنوع فراوان را با شناخت، می تواند به شعمیم دادن بپردازد و ما هیت مشترک اشیا، و پدیده‌ها را با زبانشناسد." (۲) بدین ترتیب، هرگاه بخواهیم مثلا ما هیت فدمردمی سرمایه داری را بتوده‌ها نشان دهیم:

"مبلغ... برجسته ترین منالی را میگیرد که همه شنوندگانش بخوبی از آن مسووع باشند، مثلا از گرسنگی مردن خانواده، کارگر بیکار، روز افزون شدن نفروقاته و امثال آنرا، و تمام مساعی خود را متوجه آن می سازد که با استفاده از این واقعیتی که بر همه و هر کس معلوم است بتوده یک ایده... بدهد." (۳)

با نشان دادن مظاهر مشخص و متعدد سرمایه داری و بیسی از یک مجموعه تبلیغ بررسی مظاهر مشخص این ستمگری، توده‌های وسیعی ما هیت فدمردمی سرمایه داری را در جتی یا بند در حالیکه ترویج همه جانبه ما هیت سرمایه داری، تسود ه

خلق ها و مسئله ملی



درود...!

درود بر پیشمرگان انقلابی کومله
رفقای شهید کاک "شکرالله کلاه -
قوچی" و کاک "وفاسهامی" که به
تاریخ ۱۳۵۹/۸/۱۷ در نبرد
جاده سفندج بشهادت رسیدند .

اخباری از کردستان قهرمان

پیشمرگان انقلابی سازمان پیکار
۱۴ مزدور ضد خلق را بهلاکت رساندند

کامیاران ۵۹/۸/۱۲

در این روز در جاده کامیاران بین دو
بایکا "مرواریدو" طه که وو "در نزدیکی آبادی
"بوانه" یکدسته زبیسمرگان قهرمان سازمان
ما (دسته شهید مسعود) به کمین نیروهای دشمن
که پیوسته بوده های زحمتکش کرد و بیسمرگان
انقلابی را مورد سرکوب قرار داده اند، نشستند.
در ساعت ۵/۵ در همان محل، بیسمرگان انقلابی
یک جیب فرماندهی ارتش را با ۵ سرنشین
منهدم کردند. در همین انتابک لندرو را مل ۹
جاس و با سدا رک به دنبال جیب ارتشی در حرکت
بود توسط بیسمرگان منوقف شد. مزدوران ضد
خلق که راه فراری نداشتند، بطا هر نسلی هم
بیسمرگان شدند. اما آنان که در بی آن بر آمدند
تا به مقابله مسلحانه با بیسمرگان سیر دادند،
هدف رگباری امان بیسمرگان انقلابی قرار
گرفتند که در آن کلبه سرنشینان لندرو
گشته وزخمی شدند. طی این دودرگیری ۱۰ نفر
از مزدوران کشته و بقیه سختی مجروح شدند.
بعد از این حمله، بیسمرگان قهرمان با خواندن
سرود عقب نشینی کردند و همگی سالم به پایگاه
خود بازگشتند.

اقدام انقلابی رفقای بیسمرک به بیان این
واقعیت است که رژیم که در جناحیت علیه خلق
کندروی رژیم شاه مزدور را سفید کرده است، با دید بطرز
انقلابی و قهرآمیز رفتار کرد. عوامل رژیم در
کردستان جنایتکارانی هستند که از کشتن بی مردم
تا بیرون و بجه های بیداع نیز با ندادارند.
آنان سرکوبگران جنبش مقاومت میباشند.

گشت سیاسی پیشمرگان سازمان پیکار

کامیاران ۵۹/۸/۱۳

در این روز بیسمرگان سازمان ما دسته شهید
مسعود در آبادیهای اطراف کامیاران (اعظم آباد،

حزب دموکرات کردستان عراق و خیانت آن نسبت به خلق کرد

دمکرات کردستان عراق بر زمینه موجود در میان
توده ها و آماجگی انقلابی آنها با اعلام تشکیل
یک سازمان دفاع مسلح دست به مقاومت مسلحانه
زد و به این ترتیب جنبش مقاومت در کردستان
عراق شکل گرفت.

حزب دموکرات کردستان عراق در زمان
تشکیل خود در مجموع منافع بورژوازی کرد را
نمایشگر میگرد. اما از همان ابتدا عناصر
فئودال و روسای عشایر از جمله ملامطفی در
رهبری آن شریک شدند و با لاف و بعد از مدتی
کشمکش در سال ۱۹۶۴ رهبری خود را بر آن تثبیت
نمودند که علت این امر با بیستی اساسا در
ضعف اجتماعی - تاریخی بورژوازی کرد جستجو
کرد. جناح عشایری به رهبری ملامطفی با تثبیت
رهبری خود بر حزب و جنبش از همان ابتدا جنبش
را بسمت مواضع راستنرا گذشته کشاند و آن را
وارد در مناسبات مشکوک بین الطلی ساخت.
امری که ناشی از ماهیت و سیاست نفع طلبی
آن بود.

علیرغم ارا بودن چنین رهبری ای، جنبش
بدلیل خواست عمیق توده ها به تغییر وضعیت
خویش و کسب آنچه به آنها وعده داده شده بود ادامه
پیدا نمود و هر چه بیشتر کشتن یافت به ترتیبی
که در اواخر سالهای ۶۰ کنترل بخش اعظم
کردستان عراق در دست نیروهای بیسمرک
قرار داشت و دوره ۱۹۷۰ - ۱۹۷۴ عملا دوران
حکومت با رزانی و طرفیان او بر این منطقه
بود. البته لازم به تذکر است که مضمون کشتن
جنبش هر قدر به جلومیائیم سوی کشتن نیرو -
های نظامی و قدرت آنها و ایجاد دو بیست دستگاه -
های بوروکراتیک توسط رهبری آن میل پیدا
مینمود و از شرکت توده ها در زندگی و سرنوشت
جنبش تخی میکت. بصورتیکه در دوران ۷۴ - ۷۵
با رزانی و طرفیان دستگاه دولتی و ویژه ای
را برای خود در منطقه بوجود آورده بودند تا حدی
که یک سازمان جاسوسی (امنیتی) بنام "باراسن"
ایجاد کردید. این سازمان و تمام آن دستگاه
دولتی "درواقع چیزی جز وسیله ای برای سرکوب
بند در منطقه

در اینجا ما قسمتی از مقاله "مخالفت
با وابستگی یا فدیت با جنبش مقاومت خلق
کرد" مندرجه در "پیکار کردستان" شماره ۲ را
میاوریم. اساس این مقاله در فضای سیاست
- های خائنه سازمان چریکیهای فدائشی
(اکثریت) در قبایل جنبش خلق کرد، میباشند.
اما بخشی از این مقاله به توضیح خط مشی
حزب دموکرات کردستان عراق و خیانت نسبت
عربان آن به خلق کرد اختصاص دارد. ما
درج این بخش از مقاله را در اینجا، از آن
جهت ضروری دیدیم تا زمینه ای با شجاعت
شناخت روشنتر نسبت به حرکت حزب دموکرات
ایران و اهداف خیانتکارانه ای که رهبری
آن در حال حاضر تعقیب میکنند (۱). سازش -
های پنهانی حزب دموکرات ایران با رژیم
مرتجع بعث عراق نه تنها بیان مضمون
انقلابی حاکم بر حزب و ماهیت رهبری آن
میباشد، بلکه در عین حال هشدار است به
خلق کرد و تمام نیروهای کمونیستی و
انقلابی فعال در کردستان که در راه های
زحمتکش و خلقی تحت ستار ایران و از
جمله خلق دلاور کرد مبارزه میکنند:

شروع حرکتیکه در کردستان عراق بصورت
جنبش گسترده در اواخر سالهای ۶۰ و اوایل
سالهای ۷۰ در آمد و تحت رهبری خانواده بارزانیها
در سال ۷۵ با انعقاد قرارداد میان رژیم شاه
و حکومت عراق فروریخت و به شکست انجامید. در
تابستان ۱۹۶۱ بود که رژیم عبدالکریم قاسم بر
خلاف وعده و وعیدهای اولیه حتی قوانینی که
با روی کار آمدن خود و در مورد حقوق خلق کرد
در عراق به تصویب رسیده بودند، بعد از زمینه
چینیهای اولیه، شروع به پایمال نمودن دست -
آوردهای خلق کرد نمود. در مقابل جنبش حرکتی
بکسری تظاهرات و حرکات وسیع از جانب توده -
های مردم کرد علیه رژیم عبدالکریم قاسم شکل
گرفت. جواب رژیم عبدالکریم قاسم کسب ارتش
بسیوی کردستان عراق بود که با مقاومت پراکنده
سلاحها رو بر و گردید، پس از چند ماه حوز

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

ما صی، بلوچه، برتا له و... جوله کرده و ضمن سخنرانی های خود، ما هیت دولت و ساستهای ضد خلقی را افشا کردند. در این روستا ها، ما وجود اینکده ستمگران برای اولین بار به آنگاه آمده بودند با استقبال بی نظیر و گرمی ها از سوی روستاییان. روستایان همین سال، ما روغن... گریه ها، ما سارا را، جوانان مانند ستمگران در کجا وجود بود، آن سال برستان، ما ده کشته... جوله کرده و جایی روستاییان ستمگران را... جان برکت خود را داده اند و ستمگران را... جوری اسلامی در بر دارند، ستمگران را... کدریم جاشم چرمیل و غارت و کسار روستایان... جدیدی برای آنها ندارد.

اقدامات انقلابی پیشمرگان پیکار در روستای "بند عزیز"

کامیاران ۱۵/۸/۵۹

در این روز خوشنشینان روستای "بند عزیز" به پیشمرگان سازمان پیکار که مسئول جوله در آنها دیده بودند مراجعه کرده و خواستار تقسیم زمینهای آریایی دهین خود کردند. این زمینها بعد از فرار مالک در تسلط عده ای از دهقانان صاحب زمین قرار گرفته و بهره برداری ستم، پیشمرگان سکا رس از تحقیر و وا قف شدن بر حاکمیت ادعای خوشنشینان، زمینهای خالص آریایی را در اختیار خوشنشینان قرار دادند و فرار کرده ۹ خانوار خوشنشین بیگسور ستم جمعی آنها را کشت نمود و مورد بهره برداری قرار دادند. لازم به ذکر است که دهقانانی که زمینهای مالک را در تصرف خود می بردادند پس از بختهای اغنای پیشمرگان متوجه انحصار خود شده و زمینهای را به خوشنشینان تحویل دادند. همچنین در روستای "بند عزیز" تعدادی درخت گردو متعلق به یک مالک وجود داشت که با راهمندی پیشمرگان قرار شد اهالی روستا نرساله بطور دسته جمعی از محصول آنها بهره برداری نمود و بطور مساوی بین خود تقسیم نمایند. در ضمن درختان خشکیده روستا نیز برای مصرف سوختی مسجد خاصی داده شد. آری اینچنین است که توده های زحمتکش بیش از پیش پی می برند که تنها کمونیستها و سایر انقلابیون می توانند خواستهای بحق آنان را پاسخ گویند.

مبارزه دانش آموزان کرد برای بازگشایی مدارس

سرکوب فرهنگی و قلع و قمع فرهنگیان مترقی و انقلابی کردستان بخشی از سیاست سرکوب رژیم جمهوری اسلامی در کردستان میباشد. رژیم کداز فرهنگ انقلابی که روستایی بخش فکسر بوده هاست و حجت دارد، آموزش و پرورش کردستان را نیز تعطیل کرده و مدارس را بسته و ولی معلمین انقلابی و دانش آموزان مبارز با پشتیبانی

مردم مبارز خود را تشدید کردند. در روزهای ۱۱ و ۱۰ و ۹ آذر ماه دانش آموزان انقلابی سرکوب برای بازگشایی مدارس در مقابل آموزش و پرورش تجمع کرده و دست به تظاهرات در شهر میزنند. کدبا استقبال مردم روستا میسر شد. با ساداران سزاده با یورش به مفسدین تظاهرات در یورش برده عده زیادی زخمی و ۴ نفر دانش آموز سرود ختر (۴۰ ساله و ۶۴ دختر) درگیر شدند و "سازمان" طی اعلامیه ای اعلام کرد که "ما در این راه سزاده و بیگانه ها را تلام کرده که... ما با طمع در یورش بر سرکوبان رفتار خواهیم کرد. ما در آن دستگیر شدگان کدبه ملاقات نریندگان روستا میزنند و یورش با ساداران مواجه شده و در اسیراندازی با ساداران چهل و سرمایه ۲ نفر از آن زخمی و در بیمارستان بستری شدند.

پیشمرگان قهرمان سازمان پیکار ۱۱۸ راس گاو و گوسفند یک فتودال خونخوار را مصادره انقلابی نمودند

روستای کشکه میر (کلیا ش) ۱۶/۸/۱۳۵۹: در این روز پیشمرگان سازمان ما (دسته شهید سعید) جهت مجادله موال "بهنم خان" - امیری "یکی از فتودالهای خونخوار منطقه عازم کشکه میر" از دهات کلیا ش شدند. "بهنم خان" - امیری "را تمام اهالی منطقه بخوبی می شناسند و علاوه بر استقامت زحمتگزاران به ناموس زحمتگزاران روستا زبردست خود، وقیحا نه تنها زومی نمود و هرگز را کدبه این اعمال تنگبین اعتراض میکرد و حسیا نه میگشت، اهالی منطقه بعلت ستم ظلم و اربابان فتودال خونخوار حتی بعد از فرار خان، اموال او را مصادره کرده و از آنها حفاظت میکردند. پیشمرگان انقلابی بیکار را موال موجود مالک را در دهه که مشتمل بر ۱۱۵ راس گوسفند، ۴ راس گاو و چهار راس گوساله بود ضبط کرده و قصد داشتند بین اهالی ده تقسیم کنند، اما بعلت اینکه هیچکدام از اهالی بعلت وحشت از خان جرات قبول این احشام را نداشتند، پیشمرگان آنها را به نفع جنبش مقاومت خلق کرد مصادره کرده و از منطقه خارج شدند. اهالی آبادی علی رغم عدم قبول این اموال، از اقدام انقلابی پیشمرگان حمایت کرده و از خارج شدن کله از دست مالک خونخوار ابراز خوشحالی میکردند. (بمنقل از پیکار کردستان، شماره ۲۵)

دستگیری و خلع سلاح ۶ مزدور "رزگاری"

در این روز پیشمرگان کومله در تحقیق سبب مزدوران بعث (رزگاری) در روستای "پایگه لان" با عده ای از آنها روبرو گردیده که ۶ نفرشان را دستگیر و خلع سلاح نمودند. پیشمرگان بین از تبلیغ و روشنگری سیاسی برای سردم زانها خواستند که مزدوران را به عده خود راه ندهند مردم عقبه در صفحه ۴۴

خدا رفعت حزب...

خواستنها و حرکات انقلابی بوده و با استثمار غارت آنها توسط فتودالها و روسای ستمگر نبودند سازمان حاسوسی مذکور که بازهبرای عشره ای حسی واسطه مستقیم دانش و محسن با احتمال ارتجاعی خارجی ارباب بیخوار بوده بود. این یعنی در سرکوب، ادکار و حریبا، ستمگرانی بود که سوسی و ممالک با فتودالها میگرد. بطور کلی میتوان گفت که در این دهه (۷۰-۷۵) سراسر اسکندریه کردستان برای بانک حسن بوده ای مسلحانه با خدمت مخفی سزای زدن، ممالک بود ای میخاد ما شام اجده کسکد و دستاورد، رگراکد، ممالک، مخرشد، مخرم کد کد مخرم، اعظم کردستان عراق کسره دسه و برای کسره ممالک، برای رهبری آن در ممالک رژیم عراق ایستاده بود. در این اس دستاورد حریبا، عشره ای، فتودالی ملامطقی ممالک است که حاکمیت ملامع خود را بر خلق کرده عراقی اعمال می نمود. حاکمیت ملامع هر چند برده سگاهی بود و کراکت، نظامی بکده میگرد، لکن در حفظ مومعت خوشنشینان آریا آکا هی عمیق بوده هاست ممالک غلبانی خود و توهم آنها نسبت به رهبری جنبش، سود میبرد.

حریبا ن حاکم بر جنبش در طول حاکمیت خویش کو حکمران کوشی در جهت اصلاح اجتماعی از جمله مسئله ارضی کد در برتا ممالک آورده شده بودند نبودند، روابط فتودالی در دهه را حفظ کرد و فتودالهای وفا دار به آن در برتا هت سوا سسد مواضع خود را در ترکودمای روشنه ۵۸ تضعیف شده بودند مستحکم سازند. حتی اصلاحات ارضی دولتی نیز در روستاهای منطقه اجرا در نماند. در مقابل ویرانی و فلاکتی کد در اثر جنگ کربلای گبر توده ها نماند بود. روستاهای پیشمرکه هم حرکت یاری دهنده ای نسبت به سزاده ها از خود نشان ندادند و بصورت سرزنی مخرسولیدی ممالک ما نندید، به ترتیبی کد در اوا حرمعوان ساری سردوش زحمتگزاران در آده بودند. در ممالک ستم رهبری جنبش در دوره های مختلف مذاکره با دولت مرکزی برای سخن خواستهای زحمتگزاران وجود نداشت و این ممالک فقط به درخواستهای ساده حقوقی محدود شده بود. خلاصه در دوران حاکمیت رهبری فتودالی - عسری بر جنبش، اینچنین

رهبری ثابت نمود که در بر خوردید توده ها و منافع آنها با حکومت مرکزی قوی نداشته و حامی نیستند. دیگری جز ادامه استثمار و ستم وارد بر توده ها ندارد. حاکمیت یک چنین رهبری در جنبش و آن نیم حاکمیتی بلا منازع نمیتوانست چشم انداز دیگری جز شکست در مقابل آن ترسیم کند، شکستی کد در هر صورت، چه با به سازش رسیدن رهبری با رژیم و چه با غلبیدن کامل آن بر ممالک است و روستاهای ارتجاعی دیگر - (یعنی آنچه رخ داد) - اتفاق مصادفانه، بالاخره نیز زمانیکه این رهبری بدلیل ماهیت فوق العاده چه بیشتر به نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی متوسل و بطور طبیعی به تکیه هر چه بیشتر بر آنها گشاده شد، سرنونت محتوم جنبش یعنی شکست در یک قدمی آن قرار گرفت. سرنوشتی که انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ میان ایران و عراق آنرا بکلی آنگار به ظهور رساند. ملامطقی و دار و دسته عشره ای - فتودالی اس فرار کردند و نیز گشایش خیانت زنده کی خود را مرتکب شدند. (۱) - رجوع شود به پیکار ۸۱ مقاله "توطئه و..."



آقای "با هنر" عامل فرخ روپارسا وزیر جدید آموزش و پرورش جمهوری اسلامی

با لآخره پس از آنکه جناح های مختلف هیئات
حاکمه، مدت ها بر سر تعیین چند وزیر با قیما ننده
کامینه رجا ئی چانه زدند، با هنر "بعنوان وزیر
جدید آموزش و پرورش معرفی شد.

بیشتر توده های انقلابی دانش آموز، آقای
با هنر را خوب می شناسند. البته آنها اربیبی
با خبر بودند، وزیر آموزش و پرورش جمهوری
اسلامی باید ارتقا مهنرهای یک هنر را بحری دارا
با شد و آن دفاع از آموزش و پرورش ارتقا عی،
حفظ سلطه فرهنگ استعماری و توانائی سرکوب
مبارزات انقلابی دانش آموزان است. آری
توده های آکا هومبارز دانش آموزی با ما هیت
ارتقا عی جناب وزیر بیرونی اسما شنندوسی -
دانند "با هنر" بخوبی اشاب نموده است ننیا
"هنری" را که راست همان یک هنرنا میسرده
میباشد.

آقای با هنریکی از سرما به داران شرکت
"اهداف" است. خوب است بیاد آوریم این همان شرکتی
است که تا کنون مردان "لابقی" چون بهشتی و
رجا ئی را تحویل داده است! آری جناب وزیر
قبلا امتحان را داده و رژیم حافظ سرما به داری
وابسته به امیریا لیسمر مطمئن کرده است که
فرد قابل اعتمادی جهت اجرای اهداف انسان
است.

اما "شاه" گارهای جناب وزیر بسیار ریش از
این است. ایشان مدت ها درم دستگاه شاهنشاهی
در همین وزارت آموزش و پرورش، بعنوان عامل
فرخ روپارسا خدمت کرده و تجربیات ارزنده ای
در زمینه فرهنگ و آموزشی ارتقا عی کسب کرده
است.

دانش آموزانی که در بین از قیما نمان تمام
بهمن ماه و چه بعد از آن علیه آموزش و پرورش
ارتقا عی رژیم تند و کوشیدند کتا بهای آریامهری
را بد زباله دان ناریح بسیارند، بیاد دوازنددر
صفحه اول کتا بهای سلطیات دینی رژیم شاه،
نام آقای با هنر به عنوان نویسنده نقش بسته
بود. کتا بهائی که ما همین امروز درم دستگارس

تدریس میشود!

البته عوامفریبان مرتجع که شب و روز در
بوق و کرنای مبارزه "فدا مپریا لیبستی" میدمند
بروی مبارک خود نمیا وزنده که ایادی مسزور
امپریا لیبست کتا ئی که نام کوشش شان تحمیق
دانش آموزان و بیروشن آنها با آموزش و فرهنگ،
ارتقا عی بود و کمر همت به سرکوب خواستهای
انقلابی آنان بسته بودند. همین جناب وزیر
جدید را بهترین مهر دجهت تهیه کتا بهای
در ریس شان بسته بد بودند.

آیا اشائی است که شوشنده مورد اعتماد
کتابهای درسی رژیم مزدور شاه، وزیر مهنرنا سبب
آموزش و بیروشن رژیم جمهوری اسلامی آری آب در
میباشد! و به عنوان وزیر انقلابی، همچون تحفدای
بیکش دانش آموزان مینود؟
آیا خود این واقیعت، آکا رانسان نمیدهد
که چگونه در رژیم دشمن انقلاب و فرهنگ انقلابی
بودند و هستند تا جائی که حتی برخی از مهره -
هایشان یکی است؟

البته آقای وزیر، لیاقت خود را برای سه
عهده گرفتن مقام وزارت از این هم بیشتر نشان
داده است. ما فراموش نکرده ایم که پس از زیور ش
جنا بیگارا نه رژیم به دانتگا و کشتار دانشجویان
انقلابی تحت نام "انقلاب فرهنگی" - که امر وز
بیساری دریا فته اند چیزی نبود جز برنا مه حساب
شده رژیم جهت سرکوب جنبش انقلابی دانشجوئی.
یکی از اعما ستاد "انقلاب فرهنگی" همیسن
جناب با هنر بوده و ایشان وظیفه به انجام
رساندن "انقلاب فرهنگی" جمهوری اسلامی رایبه
عهده گرفته اند!

از سوی دیگر ما حبه مطبوعاتی و رادیو و
تلویزیونی "با هنر" که بعنوان وزیر جدید
ترتیب داده شد، بیست ازینش فاش ساخت که او
در پی اجرای چه سیاست فدا انقلبی و کشفی است.

آقای با هنر... از کلیه دانش آموزان نقاضا
نموده است که "نظم" را حفظ کنند یعنی آنکسه
دانش آموزان انقلابی دست از مبارزه حق طلبانه شان
بشویند و نظم ارتقا عی جمهوری اسلامی و سلطه
فرهنگ استعماری را بپذیرند، که با بدیهه ایشان
گفت شتر در خواب بیندیننده نه... بهر حال
توافق حزب جمهوری اسلامی و بنی صدریا وزارت
با هنر، نشان میدهد که او مناسبتترین مهره ای
است که کل رژیم قادی بود برای این مقام بیاید.
اعمال ارتقا عی با هنر در آینده با ردیگر شهادت
خواهد داد که چگونه در اصل سرکوب انقلاب همه
جناحهای هیات حاکمه توافقی نظر "و حدت کلمه" دارند.
اما آقای با هنر بعنوان وزیر جدید بزودی
خواهد آموخت که اگر تا کنون چه در دستگناه
آریامهری و چه در دستگناه جمهوری اسلامی نشان
داده است که بی طولائی در آموزش ارتقا عی دارد
این با رتوبت دانش آموزان و معلمین انقلابی
است که به او بیاموزند که کجا درس مبارزه و
مقاومت انقلابی را آموخته اند!

قسمتی از اعلامیه دانشجویان و دانش آموزان پیکار
۵۹/۹/۱۳

مبارزات دانش آموزان در آستارا

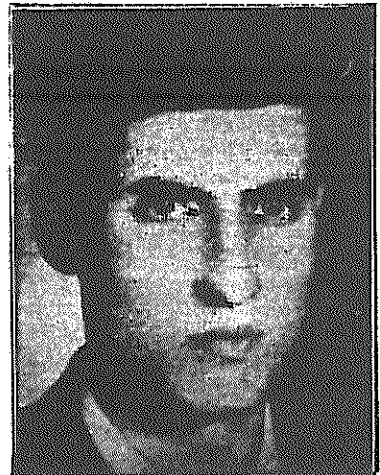
چهارشنبه دانش آموزان مبارز دبیرستانهای
خمینی، مطهری، بطالقانی، صدبهرنگی، حکیم
- نظامی و صدبقره زبانی با تعطیل کلاسها - به
خیابان هاریخنه تا صدای حق طلبانه خود را نه -
گوش مردم برسانند. در این میان مدیران مرتجع
بعضی از دبیرستانها درهای دبیرستان را می -
بندند تا به خیال خودشان جلوی رفتن دانش -
آموزان مبارز را بگیرند، که دانش آموزان سا
بریدن از دیوارهای دبیرستان به خارج میروند
دانش آموزان مبارز شروع به یک راهپیمایی
اعتراضی بطرف میدان شهر نموده و با دادن شعار -
های نظیر "مردم ما ملحن شویید" و "در دما درد
شماست" از توده ها میخواستند که به آنها بیوندند.
مردم مبارز که در ۲۰ ماه حکومت جمهوری اسلامی
چیزی جز سرکوب، کشتار، گزاشی، بیکاری، جنگ
و ظلم و استعمارندیده اند به صفا اعتراضی دانش -
آموزان مبارز پیوسته و عملا یک تظا هرات اعتراضی
عظیم را بر علیه رژیم تا میدان شهر بر راه میاندازند
در این تظا هرات مردم صدای بلند شاعر می -
دادند که "خون ۷۰ هزار رگشته هنوز خشک نشده
آزادی را ازین میبرند" رژیم از ترس او گیری
بیشتر جنبش توده ها به بهانه شروع امتحانات
تمامی دبیرستانهای آستارا تا آخر آذر ماه
تعطیل نموده است.

قسمتی از اعلامیه هواداران سازمان
پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - آستارا
۵۹/۹/۱۳

زاهدان: پیروزی تخصمین دانش آموزان انقلابی

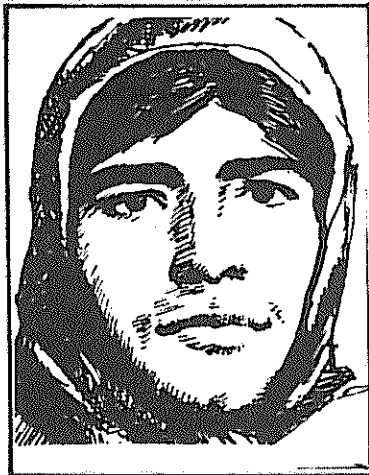
روز سه شنبه ۵۹/۹/۱۱ دانش آموزان کلاس
دوم تجربی و دوم ریاضی دبیرستان "رحیم بخش رحیمی"
زاهدان بدنیا ل اعتراضات قبلی خود، به علت
عدم صلاحیت آموزشی و اخلاقی دبیر فزیک بنام
"قلمچی" از سرمداران دشمن اسلامی دبیرستان
در حیا ط مدرسه دست به تحمن زدند. سپس یکی از
دانش آموزان انقلابی با بحث پیرامون شورا و
وظایف نمایندگان، دانش آموزان رایبه تشکیل
شورای تحمن دعوت کرد. بدشبال آن دانشجوئی -
آموزان انقلابی شورای تحمن تشکیل دادند.
پس از افشاکری و تبلیغات شورای تحمن نمی
از دانش آموزان دبیرستان نیز به متحمین
پیوستند. بدشبال کسرتش تحمن، شورای تحمن
خواسته های دانش آموزان را بخرج زر مطرح
نمود:

- ۱- برسمیت شناختن شورای دانش آموزان بعنوان
بالترین ارکان تحمم گیری در دبیرستان.
- ۲- اخراج "قلمچی" دبیر فزیک.
- ۳- تهیه وسایل گرم کننده برای کلاسها.



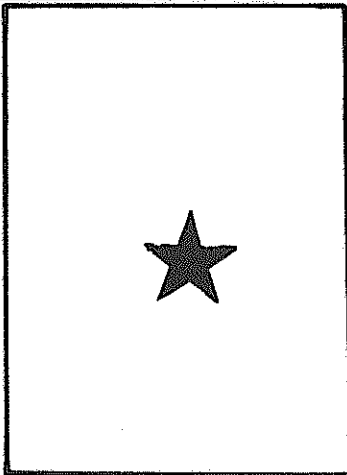
احمد صادقی قهاره

متولد ۱۳۳۰ قم دانشجوی پزشکی
- سمپا تیزان مجاهدین خلق و فعال در
مبارزات صنفی سیاسی (سال ۵۴)
- پذیرش مارکسیسم و پیوستن به بخش منشعب
از ۵۵ به بعد
- دستگیری در سال ۵۶
- شهادت در زهر شکنجه (احتلال در اواسط
سال ۵۷)



فاطمه تیفکچی

- دانشجوی زیست شناسی علوم تهران
- رفیق عضو مجاهدین خلق بود سپس به بخش
منشعب آران پیوست
- ادامه مبارزه تا سال ۵۵ که طی بد درگیری
مسلحانه در ۱۵ آذر ماه به اسارت افتاد .
- شهادت در زهر شکنجه



زینب (حوریه) محسنیان

- اهل مشهد و بهیار آموزشگاه بهیاری
این شهر .
- پیوستن به بخش منشعب از سن ۱۸
در سال ۵۴
- ادامه مبارزه تا ۲۸ آذر ماه ۵۵ که در یک
درگیری خیابانی به شهادت رسید .

**در حاشیه سالگرد
رفیق شهید فاطمه تیفکچی**

یکبار دیگر، سازمان مجاهدین به بیانیه
سالگرد شهادت رفیق تیفکچی، در ششماه ۹۹
مجاهد، به تحریف واقعیات دست زد و او را این رفیق
را مذهبی و جزو شهدای سازمان مجاهدین بشمار
آورده است .

ما متأسفیم که تا کنون برای چندمین بار
به یک سخاوتمندی و افتخاری این موضعگیری مجاهدین
ببردا زیم، رهبری مجاهدین در رابطه با منافع
خود محوریت نه اش (که مشخصاً ناشی از ما هیست
طبقاتی آن است) سیاست "چشم رایسند، دهان را
بکشا" را دنبال میکنند و با شما متواضع میگردند -
داران سازمان را از دسترسی به وانعنائی که
در این سازمان گذشته است دور دارد. این بیفک
رهبری نیست که نموده با بجهتیکه مارکسیست
شدن اغلب اعنای سابق سازمان مجاهدین یک
بروسه طبیعی و انقلابی بوده است. برای رهبری
این سازمان البته که ان میآید اگر هواداران
جوان بجهتیکه قریب ۷۰ درصد از اعنای قدیمی
مجاهدین مارکسیست شده اند... ما بارها (هر چند
با ختیار) بروسه تحول مارکستی درون سازمان
مجاهدین را با همه جنبه های مثبت و منفی اش

تیرباران یک کمونیست دیگر در خوزستان جنگ زده

در تاریخ سوم آذرماه ۵۹ در اهواز به حکمی
دادگاه جمهوری اسلامی، رفیق "علیرضا همایون
- پیری زاده" دانشجوی دانشگاه اهواز و یکی از
رفقای انقلابی هوادار سازمان ج ف (اقلیت)
به جرم دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان به
جوخا عدا م سپرده میشود .

اعدام انقلابیون طرفدار زحمتکشان بسار
دیگر چه ره کربه هیئت حاکمه فدخلقی را آشکارتر
میسازد. هیئت حاکمه فدخلقی علیرغم با پیروی
فراوان در باره جنگ ارتجاعی ایران و عراق
لحظه ای از سرکوب خلق و شکنجه و کشتار انقلابیون
غافل نیست، چرا که آنها را دشمن اصلی منافع
فدخلقی خود میسازد. اعدا م و تیرباران بیکار -

ما با دزفینق شهید علیرضا همایون و تمام
انقلابیونی که خون سرخ خویش را وثیقه رها بی
شده ها ساخته اند، گرامی داشته و سوگند میا می-
کنیم که راه آنان را تا رها نشی کامل کارگران و
زحمتکشان ادامه دهیم .

"به نقل از خبرنامه جنگ" کمیته خوزستان "شماره ۸"

مطرح کرده ایم و معتقدیم کسانی که اگر منافع -
شان ایجاب کند تمایز یی هندسی را هم انکار
خواهند کرد تحول مارکستی درون سازمان را
نخواهند فهمید و آنرا همچنان بنام "اپورتونیم
چپ نما" خواهند نامید بی آنکه از این کلمسه
اساساً درک درستی داشته باشند. ما یکبار دیگر
ویرای همیشه علاقمندان را به نوشته ای که در
سال گذشته در بیکار ۳۶ در مورد رفیق تیفکچی
آوردیم مراجعه میدهم

تصحیح و بوزش

در بزرگداشت سالگرد قیام خلق آذربایجان
(بیکار ۸۴)، سی و پنجمین سالگشت این قیام ،
به اشتباه "یکربع قرن" آمده است که بدینوسیله
تصحیح میگردد .

توضیح

ادامه مقاله در یادمانندگان و راه کارگران حرف
تا عمل در شمار بعد درج خواهد شد .

زنده جاوید باد یاد شهیدان خلق

بقیه از صفحه ۳ کارگران ...

پرداخت حقوقشان کنند. لیکن شورا که تحت نفوذ اکثریتی مذکور بود، کاری برای کارگران انجام نمیدهد. فرد مذکور به پیروی از رهنمود های سازمانش بقول خودش میخواهد جلوی "اغتصاب" را در کارخانه بگیرد! و در مورد تولید بیشتر نیز به توجه سراسری میپردازد. این عمل باعث خشم کارگران نسبت به این خدمتکار کارفرما میشود و لذا تصمیم میگیرند و راهی به کارخانه راه ندهند و از روز ۳ آبان ماه جلوی ورودش را به کارخانه بگیرند.

این نمونه با ردیگرما هیت ضد کارگری رویزیونیستهای اکثریت را نشان میدهد اما نکته حائز اهمیت این است که کارگران روزیوز بیشتر به ما هیت رویزیونیستهای برده و بدستی جایگاه آنان را در کنار سرمایه داران تشخیص میدهند. گرچه این فرد در کارخانه بعنوان "چی" معروف بود، ولی کارگران که علیرغم عدم شناخت کاملشان از کمونیستها، بنا بر تجربه طبقاتی تیشان، فرقی بین دوست و دشمن را درک میکنند. او را "چی" طرفدار کارفرما (بخوان چی در حرف و طرفدار کارفرما در عمل، یعنی رویزیونیست) مینامند.

مقامات رژیم پرداخت حقوق
قربانیان جنگ را
به صدام حواله می کنند!

در تاریخ ۵۹/۹/۸ خانواده یکی از کارگران قربانی جنگ، بنام "حمید عسگریان" که بیستم آبان ماه در محل پتروشیمی آبادان بر اثر انفجار کشته شده بود، برای دریافت حقوق مهرماه وی، در ماهش به یکی از مسئولین وزارت نفت بنام "جلیل شمشیری" که رئیس بسیج وزارت نفت و در واقع رئیس ساواک این اداره بود، مراجعه میکنند. اما این مزدور سرمایه با بیشرمی تمام برگه فوت کارگر شهید را تقبل نمیخواند (؟) و به خانواده این قربانی جنگ غیرعا دلانسیه میگوید: "بروید آبادان و تا شنیدید آن را بیاورید." یکی از بستگان کارگر شهید، اعتراض کسرسده میگوید: اگر من رفتم و گذشته شدم آنوقت چه کسی برای من تا شنیدید میگیرد؟ "شمشیری مرتجع در مقابل اصرار خانواده قربانی برای دریافت حقوق، با وقاحت تمام آن را به صدام حواله کرده و میگوید: "بروید از صدام حسین حقوق بگیرید!" آری، رژیم جمهوری اسلامی، اینچنین با بازماندگان قربانیان جنگ برخورد میکند. جنگی که بوسیله سرمایه داران دور رژیم سراسر افتاده از هر دو طرف، کارگران و زحمتکشان را قربانی میکنند. دولت کارگران و زحمتکشان را مجبور کرده است که برای جلوگیری از قطع حقوق و اخراجشان، زیرگلوله های عراقی، در



مبارزات کارگران
آلومینوم سازی اراک
در حمایت از شورا

چندی پیش شورای کارخانه آلومینوم سازی اراک با توطئه "مدر" مدیر عامل سازمان گمشدگی و دارودسته ضد کارگری منحل شد. این عناصر ضد کارگر، بیشرمی را ایشا را از حد گذرانده، و چند نفر از اعضای شورا را از کارخانه نیز اخراج کردند و این در حالی بود که دو نفر از اعضای اخراجی شورا، به واسطه خوشبختی و ریهایی که نسبت به این رژیم داشتند، در حقیقت جنگ بودند.

این توطئه با دستهای کثیف مدیر عامل دولتی جدید کارخانه آلومینوم سازی، منطقی و با کمک و همکاری انجمن اسلامی کارخانه آلومینوم سازی و کارخانه ماشین سازی و دادستان اراک به مرحله اجرا درآمد و آخرین شورای این منطقه را که حاصل مبارزات تهرمانه کارگران در روزهای تیرماه بود، به واسطه طرفداری اش از کارگران، در افتادن با مدیر عامل ضد کارگر قبلی و انجمن اسلامی کارخانه، بررسی پرونده دزدیهای میلیونی که با همکاری اکثر روسا و اعضای انجمن اسلامی صورت گرفته بود، و با لایحه بعلت زیر بار اعمال ضد کارگری زدن آنرا از هم پاشاندند.

پس از آنکه کارکنان آلومینوم سازی به حمایت از شورا نشان و اعضای آن دست به اعتصاب زدند، رژیم که به وحشت افتاده بود، با سدا را سرمایه را به کارخانه فرستاد تا جلوی حرکت کارگران را بگیرند. با سدا را زمانیکه صفوف فشرده کارکنان اعتصابی را دیدند، از ترس اینکه بقول خودشان "واقع خارج تر نشود" نتوانستند کاری انجام دهند. مهدی سلطانی سرپرست کمیته (که بعد از قیام انقلابی "شده و در روزهای اعتصاب قبل از قیام، فرهنگیان، معلمان و دانش آموزان بعد از یک ماه اعتصاب او را به زور از سر کلاس درس بیرون کشیدند!)، به شما یندگی بقیه در صفحه ۱۰

ضدیت رژیم با شوراها
در پالایشگاه اصفهان

اخیرا بخشنامه ای از طرف هیات رئیسه صنعت نفت توسط مهره سرسبزده آنها "علاقه بند" مسئول پالایشگاه اصفهان منتشر میشود که در آن کاروبتکاری کارگران از ۱۲ ساعت به ۸ ساعت کاهش میابد. در این بخشنامه قید میشود که اگر کارگران نظریات خود را داشته باشند، به آن ترتیب اثر داده خواهد شد. در حالیکه این بخشنامه ضد کارگری بدون اطلاع و توافق شورای کارکنان انتشار مییابد. علاقه بند در زمان شاه شاه نیز از منافع سرمایه داران دفاع میکرد و افراد ژاندارمری را وادار پالایشگاه کرده بود. زور سرنیزه کارکنان را در عده ای از کارکنان مبارزان گرفته و از پالایشگاه اخراجشان کرده بود. او همچنین سه تن از کارکنان مبارزان را به ساواک معرفی کرده بود که مورد شکنجه قرار گرفته بودند. حال، این عنصر مزدور در راس پالایشگاه قرار گرفته و زمانی که کارگران از او سوال میکنند که چرا نظرها را فریب رسیده بودی؟ جواب میدهد که "شورا معنی نمیدهد!"

همچنین زمانی که رجائی نخست وزیر به همراه ظاهری اما جمعه اصفهان برای بررسی چگونگی حادثه آتش سوزی پالایشگاه به آنجا میروند، بجای تماس با کارکنان و شورایشان، با افرادی نظیر "علاقه بند در پشت درهای بسته به مذاکره میپردازند. وقتیکه شورا خواهان مذاکره با رجائی میشود، نخست وزیر میگوید "من با شورا کاری ندارم و وقت این کار را نیز ندارم". این موارد بروشنی نشان میدهد که تمامی سرومهای رژیم در مورد "شوراها" عوامفریبی بیش نیست. و هر دو جناح رژیم (هم جناح بنی صدر که صحبت از شورا بی شورا "کرد و هم جناح حزب جمهوری اسلامی و رجائی) بر سر مخالفت با قدرت شوراها، متفق القولند.

مناطق جنگ زده به ما نشانده اما حتی زمانیکه کارگران گوشت دم توب سرمایه داران میکردند از پرداخت حقوقشان به خانواده قربانی خودداری میکنند!

بقیه از صفحه ۳ اجتماع ...

داد که در ماه گذشته به تعدادی از روسا ۲۰ هزار تومان پرداخت شده و این در حالی است که رژیم به بهانه نداشتن پول و شرایط جنگی از پرداخت حقوق کارگران به اشکال مختلف طفره میبرد.

"ریخته گر"، رئیس پالیسکا آبادان که در اجتماع حضور داشت سعی میکرد که به مسایلی مطرحه از جانب نمایندگان، پاسخ گوید و لسی در وقت خرفی برای گفتن نداشت و سرانجام مجبور شد که بگوید که راهی نیست و کاری نمی تواند کند. پس از او نماینده کارگران زیر پوش صحبت کرد. او ضمن اشاره به اینکه کارگران و کارکنان در کنار هم کار کرده و زحمت کشیده اند خواستار پرداخت حقوق کارگران شد و از کارمندان خواست که از خواسته های کارگران حمایت کنند. سخنان وی با استقبال کارکنان مواجه گردید.

در پایان قطعنامه ای به اتفاق آراء تصویب کردند و اجتماع بعدی شان را برای اطلاع از نتایج فعالیت نمایندگان روز پنجشنبه ۹/۱۳ اعلام نمودند. متن مواد قطعنامه به شرح زیر است:

- ۱ - لغو تصویب نامه هیئت دولت (مندرج در کیهان ۵۹/۸/۲۴) که در آن تعیین تکلیف کارکنان جنگ زده را به آینده موکول مینماید. در صورتیکه کمیته بررسی مشکلات جنگ زدگان هنوز بخشنامه ۵۹/۸/۱۰ خود را برخلاف تصویب نامه هیئت دولت معتبر مینماید، باید آنرا رسماً اعلام نماید.
- ۲ - کمیسیون بررسی و تجهیز نیروی انسانی باید با همه کارکنان جنگ زده یکسان رفتار نموده و معیار کارایی خود را که بر اساس تاریخ ترک آبادان میباشد لغو نماید. همچنین کلیه کارهای این کمیسیون باید تحت نظارت نمایندگان کارکنان باشد.
- ۳ - با توجه به دریافت حقوق کامل کارکنان مشاغل در تهران و سایر شهرها، کارکنان جنگ زده که تمام هستی خود را در این جنگ از دست داده اند باید از اولویت بیشتری برخوردار بوده و میزان علی الحساب پرداختی به آنها بیشتر گردد.
- ۴ - چون آوار بودن و جنگ زدگی در مورد همه یکسان میباشد، لذا مبلغ پرداختی علی الحساب به کلیه کارکنان جنگ زده اعمال شود و کارمندان و کارمندان زیر پوش باید یکسان باشد.
- ۵ - کمیته بررسی مشکلات جنگ زدگان باید اقدام فوری و فاعلی در مورد تهیه مسکن و اسکان جنگ زدگان بعمل آورد تا آنها از آوارگی و در بدوری نجات یابند. در غیر این صورت باید میلیتی به عنوان کمک هزینه مسکن به کارکنان جنگ زده پرداخت گردد.
- ۶ - تأمین خور و بار و سوخت از نیازهای اولیه کارکنان جنگ زده است و باید اقدام فوری در این صورت گیرد.
- ۷ - زرمه های کمی که در مورد جدا کردن کارکنان زیر پوش از سایر کارکنان شنیده میشود از نظر ما محکوم است و ما قویاً از آنها حمایت خواهیم کرد.

بقیه از صفحه ۳ چرا ...

اعتراف اقتصاددانان رژیم: "در حال حاضر بطور تقریبی میتوان گفت که در صد سیکاری در بخش کتار و رزی بین ۱۰ تا ۳۰ درصد، در بخش صنعت بین صفر تا ۱۰ درصد، در بخش خدمات بین ۵ تا ۱۰ درصد و در بخش مزد و حقوق بگیران بخش عمومی در نوسانی بین منهای ۵ تا ۵ درصد، میباشد. با این حساب نرخ بیکاری را میتوان حول ۲۸ درصد تخمین زد، تقریباً رقمی نزدیک به ده میلیون نفر." (کیهان ۱۸ آذر ماه ۵۹). این ارقام دولتی خود بهترین گواه عمق بحران و گستردگی مشکل بیکاری است. ولی چرا رژیم که همواره سعی در انکار این واقعیت داشت (و فی المثل تا همین چندین پیش رقم بیکاری را در آنجا ۵۰۰ هزار نفر قلند میگرد) اکنون بدان اعتراف میکند؟ پاسخ را روشنتر از هر جا در گفته های نخست وزیر میتوان یافت. او معتقد است که: "با یقین از آنکه بصورت راهیمائی عرض وجود کند و حالتی دیگری را پیدا کند برای حل آنها راه قطعی مناسی ارا شده شود." آری، قبل از آنکه او جگری جنبش بیکاران در کنار مبارزات سایر توده ها، بساط لرزان رژیم جمهوری اسلامی را فروریزده و قبل از آنکه اشکال مبارزات توده ها (و از جمله بیکاران) را، تکامل یافته، حالتی دیگری پیدا کند، رژیم را در آتش خود سوزاند، باید "راه نجاتی" یافت. این است گفته نخست وزیر. و با فریب رژیم، ولی آقای رجائی یک چیز را نمیداند و آن هم این است که: رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت خود هرگز چنین راه حلی را نخواهد یافت. کندیدگی سرمایه داری وابسته ایران بقدری است که رژیمهای منزلیزلی چون رژیم جمهوری اسلامی که در تلاش با زسازی این سیستم اند، هرگز موفق به حفظ آن ورهائی از ضلعه های انقلاب، نخواهند گردید. افزایش مشکلاتی نظیر بیکاری، گرانگی، بی مسکنی و... بعد از روی کار آمدن رژیم، خود بهترین گواه زبونی و در مانندی حکومت کنندگان ارتجاعی فعلی در حل مشکلات است.

بیکاری و مشکلاتی نظیر آن که از عوارض جوامع سرمایه داری میباشد، تنها و تنها در جامعه سوسیالیستی برای همیشه با وجودش، چرا که تولید در جامعه سوسیالیستی بر اساس برنامه ریزی نیازهای توده های زحمتکش صورت میگیرد و نه برای پر کردن جیب سرمایه داران.

گسترش بیکاری در جامعه ما، خود جلوه ای از چشم انداز فلاکت آینده است که در وجدی از مبارزات علیه رژیم پارتی منتهی با باعدی بسیار وسیع تر شود می دهد.

(۳) - میزان ۱۵ آذر ماه ۱۳۵۹

بقیه از صفحه ۹ مبارزات ...

از طرف دادستان با کارگران اعتصابی وارد مذاکره شد. آنها توانستند کارگران اعتصابی را با وعده رسیدگی به درخواستهایشان به سرکار بفرستند. شکل اعتصاب کارگران به این صورت بود که یک شیفت برای اینکه کارخانه نخواهد کار میکردند و شیفت دیگری به اعتراض خود ادامه می دادند و اعتصاب را میگرداندند. این اعتصاب در روزهای دوشنبه ۱۹ و چهارشنبه ۲۱ آبان ماه صورت میگرفت.

دوستان کارگر!

اگر کارگران معترض آلومینیوم سازی کاملاً لزوم وحدت و حمایت کردن از شما بندگان دوستانه را خارجاً نشان راد رک کرده بودند، و اگر اعضای شورای کارخانه پیوند نزدیکی با انتخاب کنندگان خود داشتند، کارگران بسادگی دست از اعتراض برنمیداشتند و تن به مذاکره نمیدادند چرا که این نوع مذاکرات را فقط برای فریبکاری و شکستن روحیه مبارزاتی کارگران، راه می اندازند. همچنین کارگران نباید اجازه میدادند عناصر خسته شده ضد کارگران مانند "سهیلی" در کارخانه نشان مذاکره کنند و میبایست او را از کارخانه بیرون می انداختند.

اما هنوز هم دیر نشده، دوستان کارگر ما در آلومینیوم سازی باید تا بسر کار برگشتن اعضای اخراج شده شورا و دیگر همکاران نشان که بدون هیچ دلیلی اخراج شده اند، مبارزه متحدانه خود را ادامه داده و به مذاکراتی که برای فریب دادن آنها و منحرف کردن مبارزاتشان راه انداخته اند، اعتنائی نکنند. وظیفه ما کارگران سایر کارخانه ها است که با پشتیبانی از دوستان ما در کارخانه آلومینیوم سازی، مشترک بودن در راهیما را به نمایش بگذاریم تا در موقع لزوم آنها نیز از ما حمایت کنند.

(به نقل از "ماشین ساز" شماره ۱۱ نشریه عده - ای از کارگران مبارز ما شین سازی اراک)

اعتصاب در کارخانه کانادای ارای

روزه ۱۵ آذر، کارگران این کارخانه که در جاده قدیم کرج واقع است، دست به اعتصاب می زنند. این اعتصاب منجر به آن میشود که در حدود ۱۰ ماشین ارتشی و پاساژ مسطح، کارخانه را محاصره کنند. پاسداران و ارتشپا خواستار بر سر کار بازگشتن کارگران میشوند، اما با مقاومت کارگران مواجه میگردند. در نتیجه مزدوران رژیم به تیراندازی هوایی دست میزنند که منجر به درگیری بین کارگران و پاسداران میشود.

۸ - در مورد کارکنان حراست باید تصمیم عادلانه ای اتخاذ شود و ما از آن دسته از کارکنان حراست که به گفته مسئولین اخراج شده اند حمایت میکنیم. تنها بندگان کارکنان جنگ زده

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

درس‌هایی از جنبش کارگری

تجربیات مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر لهستان
علیه سرمایه‌داری دولتی (۲)

در شاره گذشته به بررسی مبارزات کارگران لهستان پرداختیم و نشان دادیم که این مبارزات از یکسوی نشاننده یکبارگی و قدرت طبقه کارگر است و از سوی دیگر بیانگر بحران جهانی سرمایه داری و گسست سرمایه داری دولتی در کشورهای تحت حاکمیت رویزیونیستها و وابسته به سوسیال امپریالیسم شوروی میباشد. جنبش اعتصابی کارگران لهستان دستاوردهای ویژه‌ای نیز به همراه داشت که تجربیات جنبش جهانی کارگری را غنا بخشیده و اندوخته آنرا پر بارتر نمود، بنا بر این سعی میکنیم مهمترین این تجربیات را مورد بررسی قرار دهیم:

ج- تجربیات آموختنی از اعتصابات

۱- اهمیت خواست ایجا دستبندیکای آزاد: در کشورهای ما نند لهستان که سرمایه داری دولتی حاکم است، قدرت طبقه سرمایه داری را تا ما از طریق دولت اعمال میشود و بنا بر این تشکلات سه ظاهرا کارگری ای که سرمایه داری را بنظر منظر کنترول مبارزات کارگران بوجود میآورند، در این کشورها دولتی هستند، رژیمهای رویزیونیستی این ممالک برای جلوگیری از انجام حرکات مستقل کارگران اجازه بوجود آمدن تشکلات آزاد کارگری را نمی دهد، بنا بر این خواست ایجا دستبندیکای آزاد که از جانب کارگران لهستان مطرح گردید و بعنوان عمده ترین خواستشان مورد تاکید قرار گرفت، در واقع خواستی سیاسی و نوعی مبارزه برعلیه سیستم سرمایه داری دولتی حاکم بود. بیهوده نیست که اربابان روسی دولت لهستان، صراحتا با این خواست اساسی کارگران مخالفت کرده و آنرا خطری برعلیه نظام این کشور تلقی نمودند در صورتیکه آموزش کارگر طبقه کارگر، لنین با دولتی کردن سندیکاها، حتی در کشور سوسیالیستی، مخالفت کرده میگوید: "...لیکن سندیکا یک سازمان دولتی نیست، یک دستگاه اجباری و الزام نیست، هدف آن آموزش، تربیت و تعلیم است." (سندیکاها، اوضاع کنونی و اشتباهات تروتسکی، مجموعه آثار جلد ۲۲) کارگران لهستان به اهمیت این خواست - شان واقف بوده و برای دفاع از منافع خود بدرستی روی آن با فشاری کردند، بطوریکه در شرایطی که دولت حاضر شد، در صورت مرفظ - کردن کارگران از این خواست، آنها برادرخواستند و ایشان را قبول کند، کارگران جواب دهند:

تکنی داده و نماینده شان اعلام میکنند: "ما حاضریم در زمینه اقتضای عقب نشینی کنیم، حاضریم از ۴۰۰۰ زلوتی اضافه دستمزد نیز صرف نظر کنیم، لیکن در مورد سندیکا های آزاد تن به هیچ سازشی نخواهیم داد." این امر نشانگر قوی بودن جنبه سیاسی اعتصابات و تنفر عمیق کارگران از نظام حاکم بر آنهاست. البته باید متذکر شد که لیبرالها در این سندیکاها نفوذ داشته و کوشیده اند تا بواسطه استفاده از خواستها و مبارزات بحق کارگران، جنبش اعتراضی کارگری را در جهت منافع خود سوق دهند. ۲- اتحادیه همبستگی، تشکلات سراسری کارگران: زمانیکه دولت با خواستهای کارگران



کارخانه کشتی سازی لنین، موافقت نکرد، هئیت نمایندگان کارگران ساپرکا رخا نجسات نزد کارگران این کارخانه آمده و خواستار ادامه مبارزه تا تحقق خواستهای تمامی کارگران شدند، این درخواست با استقبال کارگران پیروز کارخانه کشتی سازی مواجه گردید و آنها جهت حفظ یکبارگی طبقه کارگری خود و بمنظور کوبنده تر کردن ضرباتشان بر بورژوازی، کمیته هماهنگی ایجا کردند و با فشاری زیاد دروی حفظ همبستگی طبقه کارگر مبارزاتشان را ادامه دادند. زمانیکه کارگران خواستهای را بر دولت تحمیل کردند و سندیکا های آزاد را پس ریزی نمودند، کمیته هماهنگی مزبور تا حدود اتحادیه مستقل کارگران سراسر لهستان، ارتقاء یافت که رهبری مبارزات کارگران از آن به بعد توسط این اتحادیه صورت میگرفت. این شکل صنفی - سیاسی "اتحادیه همبستگی" نام گرفت. لازم به تذکر است که این شکل اگر از یک سو بیان خواست کارگران در متحد کردن صفوف خود در مقابل دولت سرمایه داری است از سوی دیگر مبین این واقعیت است که لیبرالها با نفوذ در رهبری این شکل کوشیده اند آنرا به ابزاری رفتار بر روی دولت حاکم تبدیل نمایند. پرواضح است که در جریان تاریخ اخیر می با نیست موضع دنیرویکی طبقه کارگر دیگری بورژوا -

لیبرالها را از یکدیگر متمایز ساخته و در عین افشا لیبرالهای ضد انقلابی از مبارزات و خواستهای بحق کارگران دفاع نمود. ۳- مقیاس متحرک دستمزدها: سرمایه داری بعطت گسستهای زوالی، دائما با بحرانهای متوالی روبروست، که یکی از نتایج آنها افزایش نرخ تورم با افزایش قیمتها و در نتیجه پایین آمدن سطح زندگی توده ها است. بنا بر این طی یک مدت، ارزش پول کم میشود، در صورتی که دستمزدها ثابت میمانند، به همین دلیل در مبارزات کارگران، غالبا درخواست افزایش دستمزد وجود دارد، اما کارگران لهستان با طرح خواسته مقیاس متحرک دستمزدها، افزایش دستمزد را متناسب با افزایش نرخ تورم در نظر گرفته اند، یعنی هرگاه قیمتها افزایش یافت، خوب خود دستمزدها نیز افزایش خواهد یافت. این خواسته کارگران از طرفی بیانگر ابتکار و خلاقیت آنهاست و از طرف دیگر نشانگر انحطاط سرمایه داری دولتی لهستان است که دائما دستمزدها را افزایش قیمتهاست. ۴- پیش زنده مذاکرات نمایندگان، جلوه -

ای از دموکراسی کارگری: رژیم ضد کارگری لهستان بمنظور سرکوب مبارزات کارگران، به مرحله ای متوسل گردید که از آنحمله سانسور اخبار مبارزاتی کارگران و جلوگیری از پخش آنها در نقاط کشور و سانسور آنها بود، اما کارگران که به اهمیت آگاهیه و پیشتیبانی ساپرتوده ها از مبارزاتشان واقف بودند، بمنظور ارتباط و نزدیکی هرچه بیشتر با توده ها، یکی از شروط مذاکره با دولت را برچیدن سانسور قرار دادند و بدینوسیله روی این شرط با فشاری کردند علاوه بر این نمایندگان کارگران هنگام مذاکره با مقامات دولتی، بمنظور در جریان کامل قرار دادن توده های کارگر، با گذاشتن بلندگو در محوطه اجتماع کارگران، آنها را در جریان زنده جزئیات مذاکرات قرار داده و خواستار پخش آن از تلویزیون شدند، آنها بدینوسیله نمونه برجسته ای از اعمال دموکراسی کارگری را به نمایش گذاشتند. این امر تمامی نیات کثیف دولت مبنی بر انجام مذاکرات پشت پرده، و کوشش جهت تهدید و تطمیع نمایندگان انقلابی را نقش بر آب نمود.

۵- افشای توطئه های رژیم و بالا بردن آگاهی کارگران: در تمامی طول اعتصابات، کارگران با برگزاری سخنرانی ها و میتینگهای آگاهانه، به افشای توطئه ها و عملکردهای ضد کارگری دولت میپرداختند، این عمل بسا

توجه به آنکه در اعتصابات فلانیه و همگانی امکان موثر واقع شدن نیروهای سرمایه داران لافیل برای خنثی از توده های کارگر، وجود دارد، حاشا اهمیت فراوان است، چرا که بدینوسیله میتوان تداوم و استحکام مبارزه را تا حدود زیادی تضمین نمود. همچنین اعلام حمایت سایر توده ها از مبارزات کارگران، که در اجتماعات مذکور صورت میگیرد، جهت حفظ روحیه مبارزاتی آنها موثر واقع میشود.

کارگران برای خنثی کردن توطئه های رژیم برخی شرایط را به دولت تحمیل کردند، از جمله گرفتن تضمینی بر این مبنی که پس از پایان اعتصاب و در مدت اعتصاب مقدمات پلیس حق ندارند معترض هیچ اعتصاب کننده ای بشوند کارگران بدینوسیله راه اقدامات سرکوبگرانه دولت (دستگیری و اذیت و آزار کارگران) را بعد از خاتمه اعتصاب بسته و دبیران حبه ای حسرت ریزی بیستند حاکم را وادار نمودند تا کشتی چنین تعهدی را منتهیالقدر بپذیرد.

این موارد و وسیله های مبارزه دیگر، بیانگر عظمت جنبش کارگری اخیر در لهستان است که بنوبه خود تجربیات ارزنده و بی باکی بسیاری را در کارگران جهان و از جمله ایران، داشته است. آنها متاسفانه این حرکت بزرگ کارگری در جغرافیای ضعیف و انحرافات بزرگی نیز نبوده و میباید که در صورت تداوم، میتوانند جنبش را بطور کلی از مسیر منافع کارگران منحرف نمایند.

بنابراین اگر بخوانیم به بررسی و درس آموزیمان از این جنبش کارگری، درست و واقعی باشد، تا کزیریم که ضعفهای آنرا هم مورد بررسی قرار داده و از آنها نیز درس آموزی کنیم.

د - ضعفها و انحرافات ناشی از خود بخودی بودن جنبش و فقدان رهبری کمونیستی

گرچه جنبش کنونی کارگران، در بسیاری از کویبندهای برپیکریها رسماً به داری دولتی این کشور وارد آورده است، اما از آنجا که این جنبش خود بخودی و فاقد رهبری انقلابی و واقعی خویش است، بسیار آسیب پذیر میباشد. ضعف جنبش بین المللی کمونیستی و غلبه پروویزیو - نیم بر آن از طرفی، و حاکمیت سرکوبگرانه رژیم حاکم بر لهستان و نیز ضعف و انحرافات نیروهای کمونیستی در لهستان از طرف دیگر، موجب گردید که نیروهای کمونیستی و انقلابی این کشور نتوانند در شناسایی دشمنان و بنا بر این زمانیکه جنبش به ای عظمت رخ میدهد، از رهبری واقعی و کمونیستی خویش محروم میگردد. خود بخودی بودن جنبش را میتوان از یک سو در طرح خواسته های کارگران (که بسیار فراهی اند و بی جنبه سیاسی آنها به نسبت عظمت جنبش، بسیار پائین است)، مشاهده نمود، و از سوی دیگر در عدم وجود تشکیلات سیاسی (حزب طبقه کارگر) نیرومندی که بتواند این جنبش

خود بخودی را سمت سوی مشخصی در جهت سرنگونی رژیم حاکم و بدست گرفتن قدرت توسط طبقه کارگر، بدهد. این بزرگترین ضعف جنبش کارگران لهستان است. علاوه بر این به علت با شین بودن آگاهی عمومی و تبلیغاتی کارگران با راهی در خواسته های بورژوازی در میمان خواسته های کارگران بحکم منخورد، مانده خواست آزادی مذهب و حمایت از مخالفین لیبرال و متمایل به غرب دولت، که موجب سوء استفاده امپریالیستهای غربی جهت بهره برداری تبلیغاتی به نفع خودشان گردید و مرجع بزرگی چون "پاپ" را بر آن داشت که در صدد انحراف کثارت مبارزات کارگران برآید. در این میان دولت ضد کارگری لهستان نیز از فرصت استفاده کرده و با توسل به کشتیها (و از جمله آوردن یک وزیر سابق سولیک در دولت) سعی در تطهیر خود و آرام کردن کارگران نمود.

همچنین عدم مرز بندی کارگران با لیبرالهای مخالف دولت، بخصوص در طرح خواسته های چون سندیکا های آزاد، موجب مخدوش شدن مرز بین خواست انقلابی کارگران و خواست فدا انقلابی بورژوا - لیبرالها (که به بیانه "سندیکا های آزاد" خواسته های ضد سوسیالیستی خود را طرح کردند)، گردید، این گونه سوء استفاده ها که از جانب نیروهای ارتجاعی مخالف دولت صورت میگیرد، توسط عناصر سازشکاری چون "لسن والسا" که دشمنی در مهار کردن جنبش و جلوگیری از قهرآمیز شدن آن دارند، تقویت میگردد. اعمالی چون فرستادن پیام تبریک (!) برای ریگان که از جانب رهبران سازشکار "اتحادیه همبستگی" صورت گرفت، در واقع خیانتی بود به جنبش کارگران لهستان که موجبات تبلیغات شدید امپریالیستهای غربی را فراهم نمود تا سوسیالیسم و کمونیسم (یعنی تنها راه نجات طبقه کارگر از استثمار و بندگی) را مورد حمله قرار دهند. از این گذشته اینگونه اعمال توهمات لیبرالی را در میان توده های کارگران تقویت کرده و آنها را از مسیر انقلابی مبارزه بازمیگرداند.

این ضعفها و انحرافات که خطری جدی برای جنبش کارگری لهستان در بردارد، هشدار است

به کمونیستهای راستین این کشور که با بسند بیش از پیش به افشای توطئه های بسوز و زوی دولتی، لیبرالها و محافظ ارتجاعی وابسته به غرب امپریالیستهای غربی و سوسیال امپریالیسم شوروی، بر داخته و با افشای شعارها و خواسته های انحرافی، به سیاسی تر نمودن جنبش و تبلیغ تنها راه های طبقه کارگری یعنی سوسیالیسم بپردازند. کمونیستها و انقلابیون لهستان نمیتوانند با جمع بندی مبارزات اخیر طبقه کارگران این کشور، در مسایلی بس گرانبها را در اختیار جنبش کارگری جهان قرار داده و حمایت و پشتیبانی کارگران سراسر جهان را جلب نمایند. اهمیت این وظایف با توجه به اینکه ضعف عمده جنبش کارگری اخیر لهستان، ضعف سازماندهی و فقدان رهبری و سیاست انقلابی است، و هر آن خطر کنترل کامل آن توسط بورژوازی وجود دارد، بیشتر و بیشتر میگردد.

وظیفه کمونیستها و کارگران انقلابی سایر کشورهاست که با برآه انداختن اعتصابات و تظاهرات به پشتیبانی برادران طبقاتی خود در لهستان بشتابند. باید با طرد اشت که این جنبش عظیم اگر از رهبری واقعی و انقلابی برخوردار گردد، میتواند سرنگونی رژیم رژیونیستی حاکم و برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان را آماده نماید. در آن صورت روشن است که ضربه ای که بر پیکر کندیده امپریالیسم جهانی و ویژه سوسیال امپریالیسم شوروی و اقتدارش وارد میآید، تا چه حد مرکب از روکوبنده میگردد. به هر صورت این جنبش عظیم کارگری نویدبخش و جگیزی مبارزات طبقه کارگر در سراسر جهان بوده و خیر از زیونی و فساد سرمایه داری جهانی میدهد. او جگیزی مبارزه طبقاتی در کلیه کشورها و بخصوص کشورهای تحت سلطه امپریالیسم که آتش را در همه جا در لهستان، ایران، کشورهای آمریکا، لاتین، آفریقا، آسیا و... مشتاقان میکندیم، چون نسیمی است که خیر از طوفانهای عظیم میدهد، طوفانی که تیر در روی کارگران و خلقهای تحت ستم بر علیه سرمایه داری و مهرب با لیسم را برپا خواهد نمود و چندان آن افسق سرخ سوسیالیسم بیدار گشته و روشنگر راه زحمتکشان جهان بسوی رهائی ایندگی و استثمار خواهد بود.



گزارشی از اوضاع سیاسی عراق (۱)

آنچه در زیر میخوانید بخش اول از گزارشی است که از طرف حزب کمونیست عراق (رهبری مرکزی) در ژوئیه سال ۱۹۷۷ منتشر شده است ترجمه و آوردن این گزارش در پیکار، تکلیفی است بر مثال متعده‌ای که درباره عراق، پیش از این، منتشر کرده‌ایم.

در اینجا با دیدگاه طرفین آن کنیم که ما از مواضع کنونی حزب کمونیست عراق (رهبری مرکزی) و تحولات درونی آن اطلاع جدید و دقیقی بیش از آنچه در شماره‌های ۷۸ تا ۸۰ آورده‌ایم در دست نداریم، ولی این گزارش نظریک سازمان م. ل. راجع به یوزواری حاکم بر عراق را بر ما عرضه می‌دارد و حواشی ناگفته را برای ما بازگو میکند. همچنین انتشار این مقاله، الزاما به معنی موافقت ما با کلیه مواضع و اصطلاحات موجود در این مقاله نیست. ضمناً درباره حزب کمونیست عراق (رهبری مرکزی)، حزب رویزیونیستی عراق بنام حزب کمونیست عراق (کمیته مرکزی) بنا شده می‌شود، (پیکار)

پیش‌بسی توده‌های خلق

رژیم فاشیستی عراق، سرسریک چندراهی قرار دارد. سیاستهای جدید قابل اجرای این رژیم در چارچوب یک بحران عمومی که بعد از توافق ۶ مارس ۷۵ با ایران و بدنبال سرکوب جنبش‌های بخت مسلحانه خلق کرد شروع شده بود، قابل بررسی است. رژیم عراق از زمانیکه قدرت را بدست گرفته تا کنون چندین بحران را از سر گذرانده است ولی این بحران، اساساً بدیگر بحرانهای گذشته تفاوت دارد. منشا این تفاوت در محتوای بحران جدیداً بدستجو نمود، محتوایی که از ماهیت تضادهای طبقاتی و فئودالی و عمیق‌تر و گسترده‌تر از هر زمان دیگر پایه گرفته در شرایط عربی و بین‌المللی کنونی ظهور میکند.

مرحله نوبین در مبارزه علیه فاشیسم

تا بدستوان دوم مرحله اساسی را در تاریخ رژیم فاشیستی عراق از زمان کودتای سفید ۱۷ - ژوئیه ۱۹۶۸ مشخص نمود. اولین مرحله، خیزش فاشیسم و تحکیم آن میباید. در حال حاضر ما وارد دومین مرحله می‌شویم، که ویژگی آن سر آغاز انحطاط و افول فاشیسم میباید. در بین این دو مرحله، توافق ایران و عراق و نابودی جنبش‌های بخت مسلحانه خلق کرد در مارس ۱۹۷۵ قرار دارد.

اولین مرحله، با موفقیت رژیم بعثی در تحکیم خود که به اتکا، سرکوب نیروهای ملی بکری پس از دیگری بوسیله ما نورهای داخلی و خارجی و بهره‌گرفتن از تضادهای بین‌المللی و منطقه - ای منجر به تثبیت قدرت خود بر سر کشور گیتیست منحصر می‌شود. ازین ما نورها و توطئه‌ها شکی نیست بوسیله رژیم بعثی عراق پس از کسب قدرت، با کمک شرکتیهای انحصاری امریکائی و انگلیسی بکار گرفته شده می‌توان نمونه‌های زیر را یاد آوردی نمود.

- به اجرا گذاشتن قانون ۸۰ (۱) برای یک مدت نامحدود.

- توافق ۱۱ مارس ۷۰ با ایران تا سونالیست کرد (۲)

- رقابت با ایران جهت تسلط بر خلیج ازماتی که نیروهای استعماری انگلیس از منطقه خارج شدند. این چیزی است که به رژیم بعثی عراق اجازه داد تا دعا کند که با رژیم ایران مخالفت میکند. این سیاست به شکست انجامید و رژیم عراق از آن پس در مقابل سلطه ایران بر خلیج سکوت نمود

- نزدیکی با اتحاد شوروی با برقراری مجدد "اتحاد استراتژیک" با آن و شمره داخلی این اتحاد که "جبهه ملی و مترقی (۳) نام گرفت.

- استفاده از بازار نفت در سال ۱۹۷۲ - و بالاخره شروع جنگ در سال ۱۹۷۴ علیه خلق کرد که شکست نظامی رژیم او را به پای جان زد. های خیانتکارانه ۶ مارس ۱۹۷۵ با ایران، زیر حمایت امپریالیسم آمریکا، گشایند.

کلیه این عوامل باعث شده که رژیم در اوج خود از یک طرف و سر اشیب سقوط از طرف دیگر قرار گیرد. تله دو طرفه در طرفی که از آن سالها میرویم و طرفی که از آن با بنین می‌آیم. ویژگی اساسی دوره اول تحریف شعارهای ملی بوسیله رژیم میباید رژیم خود را در زیر پرچم "سوسیالیسم و انقلاب" و "مبارزه علیه استعمار" مخفی نمود تا بتواند توطئه‌های نابودی نیروها و عناصر میهن پرست را بهتر پیاپی ده نماید. رژیم فاشیستی از پشتیبانی رویزیونیستهای شوروی و عراق، در جهت کسب اعتبار در سطح ملی و بین‌المللی برای قریب توده‌های خلق و کمراه کردن بخشی از آنان برای مدتی، استفاده نمود. در این دوران رژیم از کلیه ابزارهای سرکوب خود برای از بین بردن اراده خلق در راه کسب آزادی و دمکراسی بهره گرفت. رژیم بوسیله برنامه‌های حساب شده کوشش نمود که روحیه تحقیر و تحمق را در مردم ایجاد کرده و شرافت و از خود گذشتگی که

یکی از خطبتهای خلق مساندر اریس بند در این دوران و مسجایین اریس لاریس نمیب بدت که سالار رفس جنوبی را بدسال داس . سعیرات مهم سرسعی در آریس احصای عراق رخ داد. این سعیرات بر اساس کسری سعیرها در مقابل از بین رفس دهات و افرایس سعیدی طبقه کارگر، اهمیت روزا بزون بنس آن و سعیر ترکیب طبقه کارگر (سعیر ترکیب به معنای افرایس بیرونی را برای صنعتی میباید). جنس بر بدن کارمندان جز، سالار رفس لحظه‌ای در آمد بعضی لاه‌های یوزواری موسط، رسد معطلی سرب و سیار مهم در آمدیک شراکتی، سعری که مرکب از سعاداتی با حسان شرکتیهای خدمات عمومی و رهبران فاشیستی دسکا که حزب و دسکا سرکوب، انجام گرفت تمامی این عوامل یک گرایشی به صرف و ضعف شدن لحظه‌ای روحه مترقیانه‌ی سازمانی و سکراتی نحصل شده بوسیله رویزیونیسم و فاشیسم را با خود به همراه حزب ما کله میبیین برسان و دمکراسیها محسوسر نندند برای رسم حرا حسیا از یک طرف و حساب موجودینان با برافرا سدنکا هدا سن برجم مبارزه و حفظ رابطه ما با انار رحتی که از نظر سیاسی از همه مهمتر بودند از طرف دیگر، به سنگ عقب نشینی تن دردهد. حزب ما و کله دمکراسیها از این طریق بغرت خلق و ردا طخ اوراد در مقابل هر نوع در یوزکی و دنباله روی از رویزیونیسم را بیبان داشتند بدین خاطر حزب ما و حسیس دمکراتیک عراق محسوسه هدا کار رینیای سازمان کنت .

چنگی که بوسیله رژیم طبقه خلق در ده سال ۱۹۷۴ آغاز شد این واقعیت را آرام - آرام بعسر میداد. با وجود اسکدر رژیم بعثی عراق توانست آخرین حریف بر قدرت و صلح خود را در عراق با - بدکند، ولی اوانس موفقیت راستیا از طریق معا مله با امپریالیسم و به نهای اردست دادن حاکمیت ملی و منافع خلق عراق، حیک آورد. رژیم عراق تا کام نهادن در اس رادنا کار بردن کلیه برده‌های شبه مترقیانه که خود را ستان محفسی

- نصده در صفحه ۱۴
- (۱) قانون ۸۰ قانون ملی کردن نفت است، که بوسیله عبدالکریم قاسم تصویب و تمدنهای اول آن برداشته شد.
 - (۲) منظور حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری ملا مصطفی بارزانی است.
 - (۳) این با اصطلاح "جبهه ملی و مترقی" است رهبری حزب بعث و بنا رکت حزب رویزیونیست عراق، حزب دمکرات کردستان (در رهبری مصطفی بارزانی) بوجود آمد. کردها از سال ۱۹۷۴ از جبهه خارج شدند و رویزیونیستها علیرغم فشارهایی که به آنها وارد آمد همچنان ظاهراً به ماندن و توتوری خوردن "از بعث مغولید .

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده‌های ایران و عراق

پاسداران سرمایه نورا آباد ممسنی را بخاک و خون کشیدند

دربورش پاسداران و فالانزها به تظاهرات ۲۵۰ نفره مردم در شششنبه از معلمین اکارگر ۱۰ هزارگرو ۳ معلم شهید شدند. صد ها نفر زخمی شدند

دراوا خراباشماه دربی انتصاب فردی مرتجع بنا مظهری (از "حزب جمهوری اسلامی") به ریاست آموزش و پرورش و مرتجع دیگری بنام انصاری (که حتی کارمند آموزش و پرورش هم نیست) به معاونت وی، این مرتجعین با انتصاب با برنامها اقدامات سرکوبگرانه ای را در مورد معلمین متعهد و مبارز در پیش گرفته و به شهیدترین وجهی دست به تفتیش عقاید، فرستادن جاسوس به مدارس، اخراج معلمین انقلابی میزنند که بحق با اعتراض فرهنگیان مبارز و آگاه مواجه میشوند.

معلمین مبارز با مراجعه به مسئولین استان و اعزام بنما بنده خواستار تعویض رئیس مرتجع و رفع تبعیض از فرهنگیان و... میشوند که چون همیشه با پاسخ منفی مقامات رژیم مواجه میشوند معلمین مبارز تصمیم میگیرند با ندم مرتجع را از اداره آموزش و پرورش بیرون برانند معلمین مبارز به مظهری و بانندش تا آذرمهلت میدهند که اداره را ترک نمایند ولی او سر بیچی مینماید تا اینکه روز چهارشنبه معلمین آنها را اخراج میکنند ولی با دخالت پاسداران، معلمین مبارز را در اداره آموزش و پرورش متحصن میشوند ظاهری حدود ۴۰ نفر از اوباش حزبی را طرفداری از خود به تظاهرات و امیدار که سر به پراکنده میشوند شب هنگام پاسداران معلمین را بیرواز اداره اخراج کرده و آنها تا صبح جلوی اداره سیر می برند.

روز پنجشنبه دانش آموزان به طرفداری از معلمین شان تظاهرات میکنند فردای آنروز رضوانی نامی (نماینده آیت الله خمینی در یادگان نوزه) به نورا آباد میاید و عاصرا آگاه را علیه معلمین تحریک میکند.

روز شنبه ۸ آذر ۲۵۰۰ نفر از مردم به حمایت از معلمین متعهد و آگاه شهر تظاهرات میکنند و شعارهایی علیه "مظهری" و "رضوانی" میدهند. ساعت ۱۰/۳۰ صبح همانروز "رضوانی" مرتجع با جمعیتی در حدود ۱۵۰ نفر همراه با پاسداران مسلح به مقابل تظاهرات مردمی شتابند. مردم شهرمان تا ساعت ۵ بعد از ظهر مقاومت میکنند. پاسداران سرما به تیراندازی میکنند و گلوله مسلسلهای اسرائیلی و آمریکائی مردم را بخون میکشد. ۵ نفر به اسمی بر زمین امیری (کارگر) منصور عوضی (کشاورز)، خلیفه رضائی، نادعلی احمدی، حمزه قربانی (معلم) به شهادت رسیده و مدها نفر بشتت مجروح میگرددند. مردم فریاد بر...

می آورند: "مرگ پاسدار" و "و مرگ برهران جمهوری اسلامی..."

صبح یکشنبه (۹ آذر) مردم ممسنی تشییع جنازه ها شکوهی برگزار میکنند، آنها طوسرد - خانه بیمارستان "هلال احمر" تجمع کرده علیه رژیم و پاسداران چهل و سرما به شعار میدهند و به افشاء گری می پردازند. مردم شعار میدهند "میکنم، میکنم آنکه برادرم گشت"، "این سند جنایت ارتجاع است" و "بردر بیمارستان شاعری به رنگ سرخ: "جلادان فرزندان ما اعدا میاید کردند" خواسته مردم را منعکس میکند پس از تشییع جنازه، مردم زحمتکش ودانش آموزان انقلابی به دهه های "تل قلی"، "مالچی" و "اسکان عنایر" محل اقامت کشاورز شهید، کارگر شهید نادعلی احمدی رفته و با شعار مرگ بر پاسدار و "موسوی و رضوانی اعدا میاید کردند" (موسوی رئیس پاسداران) خواهان مجازات مرتکبین اصلی جنایت هولناک میشوند. در محل اقامت دو شهید دیگر سلطنت دوری راه، اهالی منطقه خود را با به افشاکاری می پردازند. برخی از مقامات محلی کوشش مینمایند که خون شهیدان خلق را و شیفته اختلافات درونی خود بنمایند ولی برخورد آگاهانه مردم چنین اجازهای به آنها نمیدهند. ارتجاع یک لیست

۱۲۰ نفر جهت دستگیری تهیه نموده است. روزنامه "کیهان" (۱۹ - آذر - ۵۹) تحت عنوان "درگیری موافقان و مخالفان رئیس

آموزش و پرورش "بدون اشاره به تیراندازی پاسداران اسم شهید را آورده و اعتراف به زخمی شدن ۱۱۸ نفر مینماید ولی عمداً "فراموش میکند. علت این کشتار و بانیان آنرا معرفی نمائیند و سرانجام از دستگیری ۲۲ نفر "با شام" "ا" خلال نظم در آموزش و پرورش "یاد کرده است. مردم خمکین ممسنی با اادامه مبارزه به ارتجاع اجازه نخواهند داد که خون شهیدان نشان را لوث نمایند. دستگیری و سرکوب معلمین و جوانان انقلابی نورا با دشواری هدو است جنایت عوامل رژیم جمهوری اسلامی را از ظواهرها بزدایند. رهبری مبارزات خونین ممسنی، نیروهای کمونیست و از جمله سازمان ما بود. اادامه سیاست سرکوب معلمین آگاه و متعهد نخواهد توانست رژیم جمهوری اسلامی را برروشنائی و آگاهی بیرون نماید رژیم ارتجاعی حاکم در اادامه سرکوب فرهنگیان آگاه و مبارزان مذبحها دست به اخراج ۵۳ نفر در همدان، ۱۳۳ نفر در تبریز، ۱۵۳ نفر در شهرکرد، ۲۱۰ نفر در کرمانشاه و... نیز زده است. در تهران هم به اجتماع معلمین یورش برده و عده ای از آنان را دستگیر نموده است ولی درخت تناور آگاهی همچنان به رشد خود ادامه خواهد داد.

خواسته های دانش آموزان و معلمین مبارز ممسنی چیست؟

- ۱- اداره مدارس و مراکز آموزشی و علمی منسوخ گردد.
- ۲- هیئت اداره آموزش و پرورش ممسنی و مراکز تعلیم و تربیت منسوخ گردد.
- ۳- هیچ نیاید به حال حاضر از اداره آموزش و پرورش اخراج باشد.
- ۴- هیچ نیاید به روزان منسوخ و دانش آموزان منسوخ بر وجه اخراج منسوخ و دانش آموزان باقی بماند.
- ۵- تعلیمات غیر عالی در اداره آموزش و پرورش منسوخ گردد.
- ۶- مناسبتی از مدارس منسوخ گردد.

هوادران سازمان یکپارچه آزادی طبقه کارممنی

کارمندان و مستخدمین جزء بدتر شد و کارگران جدید به وضعیت طبقاتی خود آگاه شدند و در یک کسلا م خطوط اصلی مبارزات سیاسی آینه بطور روشن تصویر شدند. شرایط رشدیابنده ای را که ما ترسیم کردیم، جزئیات سیاسی میهن پرست خلق عراق را به اتحاد دنیا ستیهای دمکراتیک آنها جمعی هدایت نمود. این اوضاع همچنین باعث شکستن توهم عده زبانی از دمکراتها نسبت به ما هیست اصلی رژیم شده است. توده های خلقی جهت دفاع از حقوق شخصی و آزادیهای دمکراتیک و خواسته های اقتصادی خود شروع به حرکت نمودند. بنا براین ما امروز در حالی که رژیم فاشیست درگیری دوره مبارزه درونی شهید است، شاهد کسرت جنبش مبارزاتی توده ها هستیم.

کلیه این واقعات و وظایف نوینی را بعهده حزب ما و کلیه میهن پرستان دمکرات گذارده تا موفق به درک اوضاع نوین گشته و بتوانیم رهبری جنبش آینده را بدست گیریم. ادا خواهد داد.

جمعه از صفحه ۱۳ گزارشی...
نیکرد، باعث ایجاد یک وضعیت نوین سیاسی در عراق شد. از حیث و میل های اقتصادی، ما هیست انکلی کل طبقه کارم، باعث برپا در فتن شروت. های بیگران درآمدهای جدید نفتی شد، که کسری بودجه پراهمیتی را بوجود آورد. بدینال این وضع اسفناک، رژیم طرح معروف "برنامه انفجاری" خود را فقط دوماً بعد بوسیله یک بودجه صرفه جویی عوض کرد. سختگیریهای جدید رژیم بطور اجتناب نا بدیدر جهت افزایش بیگاری و زیاد شدن اختلاف طبقاتی، افزایش ناراضی و کسرتش رقابت در بین جناحهای هیست حاکمه برای جبا و شروتیهای کشور که از قبل آغا زده بود، انجام مید، دورانی که سیری شد برای روشن شدن ما هیست اجتماعی واقعی واقعتی های جدید در جامعه عراق کافی بود. اختلافات درونی طبقه کارم بیش از پیش آشکار شد. وضع زندگی

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



انقلابیون در بند پرچم مبارزه را در زندانهای جمهوری اسلامی برافراشته نگاه داشته اند

دستگیری، شکنجه و اعدام انقلابیون نشانه وحشت رژیم از انقلاب است!

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی جندی بیست و تن از هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر در شیراز را بجرم اقدام به تبلیغات انقلابی و هواداری از سازمان بیکار دستگیر کرده و خیال خام خود میخواست با این عمل خود جلوی فعالیت ما را سد کند و مانع از کار آگاه - کرانه ما گردد...

با دستگیرشدگان به وحشیانه ترین نحو رفتار میشود. بیش از هر چیز آنها را بشدیدترین شکل مورد ضرب و شتم قرار میدهند. با زحوبی ها اغلب همراه با کتک و رکیکترین فحشهاست. یکی از راجحترین شکنجهها، ترتیب دادن صحنه های اعدام تلافی برای زندانیان است. بدین ترتیب که چشم زندانی را میبندند و به او میگویند که محکوم به اعدام شده است. او را به میدان میبرند، کنار دیوار قرار میدهند و سلیک میکنند. انجام این صحنه سازی که بدستراهر شکنجه ایست، برای پاسداران کاری عادی و معمولی شده است. و این نمونه دیگریست از ما هیت کثیف و ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی.

حاکم دستگیرشدگان نیز به هر چیز شبیه است جز محاکمه حاکم شرع نه احتیاج به بهانه هدا اردن به مدرک و دلایلی، از وکیل مدافع و شهود نیز خبری نیست. حکم کاملاً به دلخواه حاکم شرع است و چه بسا که بدون هیچ دلیل قانع کننده ای، متهم را فقط بخاطر جرات انقلابی اش به اعدام محکوم میکنند. که آخرین نمونه از این نوع اعدام سه نفر از رفقای ما در آغا جاری و آبادان است.

با توجه به چنین اوضاعی مادر مورد امنیت جانی رفقای خود که تنها جرمانه مبارزه در راه آگاه کردن توده ها است به مردم مبارز شیراز هشدار میدهم، چنانکه دو هفته پیش یکی از رفقای ما را فقط بجرم برپا کردن یک چادر برای کمک به جنگردگان به ۱۰ سال زندان محکوم کردند.

مردم مبارز شیراز!

تگذاریم زندانهای طولانی و اعدام هواداران نیروهای انقلابی به امری عادی و روزمره تبدیل شود. قسمتی از اعلامیه هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - شیراز ۵۹/۸/۲۸

رژیم جمهوری اسلامی ایستادگی میکند شکنجه آنچنان ابعاد وسیعی پیدا کرده که حتی سردمداران "لیبرال" رژیم برای دست و پا کردن "وجهه" برای خود و نجات رژیم، زبان به سکوه "از آن کشوده اند.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندانهاست که در پیگیری از مبارزه است و انقلابیون اسیر در برابر بیعدالتی ها، جنایت ها و... رژیم ارتجاعی حاکم فریاد خشم سرداده و مبارزه را با شکل دیگر ادامه میدهند. از جمله، زندانیان سیاسی زندان اوین برای اعتراض به شرایط طاقت فرسا و غیر انسانی زندان و رفتارهای وحشیانه زندانیان که جلادان خود به آن معترفند، روز سه شنبه ۵۹/۹/۱۱ دست به اعتصاب غذا زدند. زندانیان سیاسی شیراز که برای اعتراض به دستگیری، شکنجه، تفتیش عقاید، اعتراض به محاکمات غیر علنی (و از جمله محاکمه سعادت) و... اعتصاب غذا کرده بودند. در روز سوم آذر ما پس از بیازنده روز اعتصاب غذا رژیم را مجبور به پذیرفتن برخی از خواسته ها - همان نظیر رعایت آئین نامه زندان و امکان استفاده از ادویات روزانه منتهی شده و به اعتصاب غذای خود پایان میدهند.

انقلابیون در بند زندان اوین طی بیانیه - ای اوضاع جامعه و نیز زندانیان را برای "ملت قهرمان و مبارز ایران" تشریح کرده و ضمن جلب پشتیبانی توده های زحمتکش و انقلابی خواسته های اعتصاب غذایی خود را شرح زیر میسر کرده اند:

تشکیل بنده مستقل زندانیان سیاسی

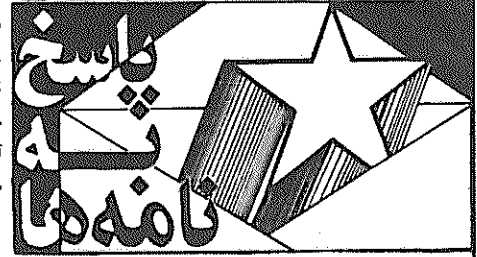
- ۱ - ما خواهان جد شدن عوامل سفاک و مزدوران رژیم منفور پهلوی میباشیم. زیرا با یکجا به بند کشیدن زندانیان سیاسی در کنار آنها میخواهند وجود زندانی سیاسی را انکار کنند و موجب شکنجه روحی زندانیان سیاسی شوند
- ۲ - رسیدگی هر چه سریعتر به پرونده های زندانیان سیاسی و رفع بلا تکلیفی عده کثیری از آنان و نیز تجدید نظر در احکام زندانیانی که بدون حضور در دادگاه به حبس های طویل المدت محکوم شده اند. میان ما کسانی هستند که ما هم در انتظا رسیدگی به پرونده شان همچنان بقیه در صفحه ۱۷

در روزهای اوج حبس انقلابی توده ها و آخرین ماههای حکومت تنگنانه، دره های سیاه لاهی محمد رضا ناهی، بدستان بیرون توده های انقلابی میهن ما کشوده بدو فرزند در بند خلق پس از سالها مقاومت و بیداری در برابر شکنجه گران سفاک ما واک به صفوف نوفده انقلاب پیوستند. رژیم و وابسته ها میر با لیم تا با اسیر کردن کمونیست ها و دیگر انقلابیون کمان میگرد که خواهد توانست تاج و تخت لرزان خود را حفظ کند. نه کمان زحمتکش و نیروهای انقلابی و نه برکردن زندانیان از مبارزین قهرمان هیچکدام نتوانست رژیم منفور محمد رضا شاه جلاد را نجات دهد. فرزندان انقلابی خلق سکوت زندانیان را شکستند و آنرا به "داشکاه انقلاب" تبدیل کردند. آزاد شدن زندانیان سیاسی یکی از دستاوردهای مبارزات خروشان خلقهای ایران و قیام نگوهند میهن ما به بود. فرزندان انقلابی خلق که با گامهای استوار سیاه لاهی شاه را ترک میکردند، گمان نمی کردند که در آینده از همان دالانهای وحشت و راهروهای خونین گذرنا بیند. ولی سوار شدن بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی مرفه سنتی برگزیده مردم زحمتکش و برقراری رژیم جمهوری اسلامی بسیار زودتر از آنچه که گمان میرفت انقلابیون جان برکف میهن را که برخی بهترین سالهای عمرشان را در سلولها گذرانده و حماسه های مقاومت آفریده بودند، دوباره به زندانها کسب داشت. شما زندانیان سیاسی در مدت کوتاهی از صدها گذشت و به هزاران رسید. مزدوران سفاک و موهبه های امپریالیسم و رژیم شاه از زندانیان آزاد شده و جای آنها را کمونیست ها و انقلابیون دموکرات برگرد و "عدل اسلامی" شکنجه گران جدیدی را به زندانیان برگرداند و شکنجه و آزار زندانیان سیاسی به شدیدترین وجهی در زندانیان رایج شد. "محاکمات جنس" ساخته و حتی چند دقیقه ای انقلابیون را بسودن استفاده از حداقل امکانات دفاعی و حتی آنچه که در "قانون اساسی" ارتجاعی خبرگان آمده به جوخه های اعدام سپرد.

کمونیستها در زندانیان جمهوری اسلامی نیز حتماً به آفریدند و نشان دادند که به بگیریترین وسایل نا پذیرترین انقلابیون هستند. مودن - ها، علوی نوشتاری ها، شهرام ها، نیا مرسلیمی ها، ناهیدها، منوچهر شرفی ها و... در مقابل "حکام شرع" و شکنجه گران "اسلامی" در محلهای مقاومت و استواری، کمونیست ها را دوباره به آزمون گذاشتند و مرگ سرخ را در راه های زحمتکش ان عا شقا نه پذیرا گشتند.

و امروز چندین هزار زندانی سیاسی در بدترین شرایط بدون ملاقات زیر شکنجه و بی بهره از کوچکترین امکانات رفاهی، ما هم بلا تکلیف در زندان بسر برده و در برابر بر توطئه ها و دیسه های

درود بر زندانیان انقلابی و مبارزی که در شکنجه گاههای رژیم پرچم مقاومت را همچنان برافراشته نگاه داشته اند



رفیق م - کور اغلو از تهران

این رفیق سوالات بسیار متعددی را در رابطه با ساخت جامعه بورژوازی متوسط غیر وابسته مقاله استیمال ایدئولوژیک و نحوه برخورد به گروهها را مطرح کرده است. ما میکوشیم محوری ترین سوالات مربوطه را پاسخ دهیم.

۱- در مورد مقالات استیمال ایدئولوژیک رفیق ضمن قدرانی از مطالب مندرجه، پرسیده است چرا برخی مواضع مطروحه مانند مرزبندی با بتلیا، بیم و آلتیانی در مورد سوسیال امپریالیسم و مائیلی نظیر آن توضیح اکتفا داده نشده و تنها به ذکر موضع اکتفا شده است؟

۲- چرا به رفقای وحدت انقلابی و سازمان چریکهای فدایی خلق (اقلیت) برخورد نمی شود؟

۳- نظریات ما در مورد ساخت جامعه و بورژوازی متوسط غیر وابسته... چیست؟

۴- برنامه ما برای وحدت چیست؟

رفیق بسیاری از سوالاتی که مطرح کرده بودی در پیکار رتئوریک و نوشته های توضیحی پاسخ آن را خواهی یافت. اینست که از پاسخ گویی به تک سوالات تو خودداری میکنیم. و اما در مورد مقاله استیمال ایدئولوژیک:

با دیدگوشیم برخورد ما نسبت به این مسئله در رابطه با رزمندگان از ضرورت های مبارزه طبقاتی نشأت میگیرد. رفقای رزمندگان بسی آنکه ذره ای تحلیل از مسئله سوسیال امپریالیسم را نداشته اند، بصورت "آرام و" "تدریجی" انحرافات رویزیونیستی خویش را در برابر این مسئله تعمیق نمودند. سازمان ما و سایر نیروهای جنبش کمونیستی قبل از آنکه به ارائه تحلیل جامع از واقعیت سوسیال امپریالیسم ثوروی در سطح جنبش مبارز در دستبرد رستی درک نمودند که اشکال اصلی رفقای رزمندگان ضعف معرفتی نیست که انتقاد مقاله لاتی در مورد سوسیال امپریالیسم بتواند اشکال آنها را حل نماید، بلکه اشکال رفقا، انحرافی ایدئولوژیک است. به همین دلیل سازمان انگشت بر روی آن انحرافات گذاشته، آنها را افشا نمود. رفقای رزمندگان شیزبجای برخورد ایدئولوژیک کوشیدند تا یک ضد حمله موهوم با انحراف خویش را لایوشانی کنند. در این شرایط سازمان چیه میبایست بکند. آیا با یستی ابتدا انتظار می کشید تا نوشته ها مربوط به سوسیال امپریالیسم بتدریج منتشر میشوند و سپس به برخورد با رزمندگان میپرداخت؟ یا آنکه میبایست با زبانتا کید

بر انحراف رزمندگان، برخی ابهامات را زوده و سرنوشت راهی را که رزمندگان در پیش گرفته است، توضیح میداد؟ بنظر ما، اگر ما میخواستیم شیوه اول را در پیش گیریم، به انحرافی آکادمیستی در میغلطیدیم و نمی توانستیم سر بزنگاه مع انحرافات رویزیونیستی را گرفته و تاثیر لازم را در دفع هجوم رویزیونیستی رزمندگان و تشدید حمله مارکسیسم بر علیه رویزیونیسم در دفاع از دستاوردهایش را بکار بسته باشیم.

از این رودر قسمت طرح نظرات اشیا تسی آنچه را که لازم بود تا جنبش کمونیستی از مواضع سازمان مطلع شود، بصورت مختصر توضیح دادیم و عمدتاً با زبانتای انحرافات رزمندگان و پاسخ به سوالات آن پرداختیم.

تأثیراتی که انتشار این مقاله در جنبش کمونیستی بجای گذارد، خودگواهی بر صحت شیوه برخورد اصولی با انحرافات رزمندگان بود. اما اشتباه خواهد بود اگر ضمن مرزبندی با برخورد آکادمیستی به برخورد محدود و علام موضع دل خوش ننماییم. از اینرو ما ضمن آنکه توضیح و تشریح مواضع مندرج در آن نوشته را اصولی نمیدانستیم، اما قمتنداریم که برخورد ما را به این مسئله محدود نگه داریم. بنظر ما اکنون سر آغاز دوران تازه ای از مبارزه بر سر مسئله سوسیال امپریالیسم و مرزبندی با درک های انحرافی نسبت به آن است. ما نیز به سهم خویش کوشیده ایم تا در غنا بخشیدن به این مبارزه سهم باسیم. از اینرو تشریح کلیه مواضعمان را نسبت به سوسیال امپریالیسم در پیکار رتئوریک بصورت متداوم منتشر میکنیم و کلیه رفقا را برای رفع ابهامات و سوالاتشان به پیکار رتئوریک ارجاع میدهیم.

۲- در مورد اینکه چرا به "وحدت انقلابی" و رفقای فدائی (اقلیت) برخورد نکرده ایم، ذکر چند نکته را لازم میدانیم:

اولاً قمت عمده اشتقاد شما وارد است و سازمان ضمن برخورد با این کم کاری در مورد گسترش مبارزه ایدئولوژیک با رفقای "وحدت" و "اقلیت" است. چه در این شرایط هر نوع کم بها شی به مبارزه ایدئولوژیک بویزه بسا کمونیست های انقلابی می تواند خطرات زیان باری را ببار آورد و دستکم مروجت جنبش کمونیستی را به تاخیر اندازد.

ثانیاً، ما مبارزه ایدئولوژیک با نیروها، لاجرم نمی بایستی در هر موردی نیروی مشخصی را خطاب قرار دهد. زمانیکه ما فی المثال بر سر مسئله سوسیال امپریالیسم به مبارزه ایدئولوژیک با رزمندگان میپردازیم و یا در مورد جنگ به مبارزه ایدئولوژیک دست میزنیم، بی نک این مبارزه محدود به این یا آن نیرو نبوده و در حقیقت کلیه انحرافات به مثابه آن نیز مورد نقد قرار میدهد.

ثالثاً، ما در مورد مسئله جنگ به رفقای وحدت انقلابی و "اقلیت" نیز در پیکار رتئوریک برخورد کرده ایم، اگر چه معتقدیم آن برخورد نا کافی

است و بایست مبارزه ایدئولوژیک با این رفقا را چه در این زمینه چه در سایر عرصه ها شعمیق بخشید. ۳- در مورد ساخت جامعه و مقوله بورژوازی متوسط غیر وابسته. سازمان معتقد است که ساخت جامعه ایران سرمایه داری بوده و تقاضا باسی آنرا که روسرما به تشکیل میدهد در مورد مقوله بورژوازی متوسط غیر وابسته، معتقد است که طرح چنین مقوله ای انحرافی بوده و ناشی از شواش فکری ثوروی رویزیونیستی "نظام وابسته" است. سازمان بزودی نقدی بر این مقولات منتشر خواهد کرد و دیدگاهها پیش را در مورد ساخت جامعه و آرایش طبقات توضیح میدهد.

۴- در مورد برتنا مه برای وحدت، ما بطور خلاصه در مقدمه اطلاعیه وحدت در پیکار ۷۳ توضیح داده ایم که مباحثه های اساسی مبارزه ایدئولوژیک را تعیین نموده و برای تامین وحدت حول اصول ایدئولوژیک، مشی و برتنا مه میکوشیم. در قطعنامه کنگره مربوط به جنبش کمونیستی و وحدت در کمان را از صف نیروهای جنبش کمونیستی و راه حل تامین وحدت توضیح داده ایم که بزودی در اختیار رفقا قرار خواهد گرفت.

نوشته ای را که در زیر میخوانید: رفقای سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار برای ما فرستاده اند، ما ضمن درج آن سعی میکنیم پاسخی مختصر به آن بدهیم.

عمده ای از رفقای دانش آموز، کتابها و نشریات را به خاتمی دیگر از دانش آموزان میبرند که بدلیل زیاده بودن آنها و کمبود جابجایی مذکور مجبور میشوند آنها را به زیر فرش اتاق خود بچینند. روز جمعه پدرش بدنبال مارمولک به اتاق میاید و فرش را بالا میزند و تمام نشریات و کتب را میبیند و منتظر میشود تا دخترش از کسوه برگردد. در این فاصله تمام افراد را جمع کرده و این موضوع را فاش میکند. رفیق ساعت ۹ به خانه میرسد که با آن منظره روبرو میشود. بسا خونسردی و کویی که اتفاقی نیافتاده است به اتاق خود میرود و پدرش نیز بدنبال آورفته بسا کتک او را از اتاق بیرون میکشد و شروع به فحاشی به دختر و سازمان مینماید. البته این مسئله زمینه قبلی هم داده شده و چندبار تکرار شده بود. رفیق شروع به فریاد کشیدن میکند و میگوید که شما زندانیان من هستید من افتخار میکنم که کمونیست هستم شما تمامتان خائسن هستید و غیره که پدرش در مقابل این حرکت او موهایش را قیچی میکند سپس کتابها و نشریات را در کودالی ریخته و آتش میزند دخترش را هم در حما زندانی کرده منبع آب را هم قطع میکند این رفیق دور زدر حما سرود میخواند و هر چه سخن از بزرگان میدانسته و شعرا را با صدای بلند بر زبان می رانده، بالاخره پدرش مجبور میشود او را از حما خارج کند، البته پدر نیز عتب می شیند او را به روستایی که در آنجا گویا

وضع زحمتکشان در جنگهای انقلابی و عادلانه

جریان موقعیت جنگ و وضعیت نیروها قرار گیرند. در این جنگها، خدمات عمومی و رفاهی تا حد امکان، کمترین ادا می‌گردد. مراکز درمانی و بهداشتی سه‌بهاران رسیدگی میکنند. واحدهای تولیدی برای جلوگیری از نابودی اقتصاد و در جهت تامین نیازهای عمومی کارگران و زحمتکشان بکار خود ادامه می‌دهند. در این جنگها یک دولت انقلابی بوده‌های زحمتکش را مسلح می‌کند و کارگران و زحمتکشان با تمام وجود در چنین جنگهای شرکت میکنند. تا میهن خود را از چنگال سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها نجات بخشد.

در جنگهای انقلابی داخلی، کارگران و زحمتکشان در شوراها، سلطنتی، متشکل شده و کلیه امور مربوط به جنگ و جلوگیری از خطر قحطی و گرسنگی و فلاکت ناشی از جنگ را کنترل و حل و فصل می‌نمایند. اوراق عمومی از طریق صادره انبارهای احتکار، تجار و کارخانه‌داران و صادره انقلابی شروتهای سرمایه‌داران خون - آتام، توسط شوراها، مسلح کارگران و زحمتکشان تهیه می‌شود. مواد غذایی و ما بحتاج عمومی زیر نظر شوراها و کارگران عادلانه بین مردم تقسیم می‌گردند. در این جنگها کارگران و دیگر مواد مورد نیاز جهت برای همه بوده و گرسنگی، تمام مردم باید در تحمل سختی‌ها و مشقات سهیم باشند.

در جنگهای عادلانه و انقلابی زحمتکشان فلاکت و گرسنگی را تحمل میکنند زیرا این جنگها آزادی و آزادی طبقات استمدیده از قیدستم ملی - طبقاتی را بدنبال دارند. کارگران و زحمتکشان در این جنگها قهرمانان شهید میشوند تا فرزندان آنها برای همیشه از قیدستم و استعمار رهایی یابند. آزادی‌گرددند. رهائی از بردگی و استعمار، گرانبها ترین ارمان جنگهای عادلانه و انقلابی است. ارمانی که به تمام مصائب ناشی از جنگ از قبیل مرگ و میر، قحطی و گرسنگی و گران، بیماری و ویرانی... پایان می‌بخشد.



چیز دیگر لازم نیست. چنین دولتی حتی یک لحظه و در یک قدم هم از تعقیب هدف ارتجاعی خود دست بردار نیست. بدین معنی که می‌گوید: سرمایه‌داری را تحکیم، نمایان زست بنیان ساختنش جلوگیری کند و در امر "تنظیم امور اقتصادی" بطور عمده و تنظیم مصرف بطور خاص فقط به اقداماتی اکتفا و زرد که برای تغذیه مردم ضرورت مطلق دارد. بدون اینکه هیچ وجه در فکر تنظیم واقعی مصرف با شایع می‌توانگران را تحت کنترل قرار دهد. و بدوش آنها که در زمان صلح دارای موقعیت بهتر و امتیازات گوناگون و شکم‌سیروما و راه سیر بودند. در زمان جنگ با رنگین تری را تحمیل نماید. (خطر فلاکت و راه مبارزه با آن)

ببینید این سخنان گرانمایه لنین چگونه در مورد سیاست دولت مرتجع مثل جمهوری اسلامی ایران در قبال عوارض جنگ صدق میکند. رژیم جمهوری اسلامی مصرف مواد غذایی و اوراق عمومی را جیره بندی کرده است. اما مصرف توانگران و احتکار مواد غذایی توسط آنها را تحت کنترل نمی‌کند، بلکه دست آنها را در احتکار هر چه بیشتر با میگذارد و تازه کارگران و زحمتکشان را به "تولید بیشتر" و "مصرف کمتر" نیز دعوت میکند!

در جنگهای عادلانه رهبران انقلابی جنگ، اخبار دروغ بخش نمی‌کنند و اوضاع خودی دشمن را به اطلاع زحمتکشان می‌رسانند تا آنها را در

اگر ما در خفا با آنها و کوجه‌ها به اطراف خود نگاه کنیم، صفهای طولی نان، بنزین، سیگار، برنج، روغن و دهها نوع دیگر از مواد مصرفی را خواهیم دید. این صفها را کارگران و زحمتکشان تشکیل می‌دهند. نه سرمایه‌داران. سرمایه‌داران همانند کارگران، برای یافتن قوت لایموت یک روزه، آنهم به قیمتی سرسام‌آور، ساعتها در مغازه‌ها و بازارها سرگردان نمی‌شوند. آنها بویژه بعد از جنگ مواد غذایی را در خانه‌های خود احتکار کرده‌اند. شبها گرسنه نمی‌خواهند، از کمبود مواد غذایی و بیماریهای مختلف رنج نمی‌برند سرمایه‌داران در جیب‌ها کشته نمی‌شوند، آنها همانند زحمتکشان به آوارگی شوم با فشار و گرسنگی و بیماری و صدها مصیبت دیگر محکوم نیستند. این مشکلات کشنده ناشی از جنگ ارتجاعی ایران و عراق بوده و ما نند هر جنگ ارتجاعی دیگر تنها زحمتکشان و فرزندان آنها را به فلاکت نشانده و بیشتر هم خواهند نشانند.

اما ببینیم در جنگهای انقلابی و عادلانه وضع کارگران و زحمتکشان چگونه است؟ در جنگهای عادلانه و انقلابی - که ما در شماره ۸۱ پیگار انواع آن را بر شمردیسم - کارگران و زحمتکشان، با اطلاع از مسیر پرسلخ و سخت این جنگها، با جان و دل در آنها شرکت میکنند. در این جنگها طبقه کارگر و نیروهای انقلابی، با بکار گرفتن ابتکارات و قدرتهای خلاقه زحمتکشان، با هرگونه عارضه فلاکت با جنگ مقابله میکنند.

در این جنگها اوراق عمومی و ما بحتاج زندگی، به تساوی و زیر کنترل زحمتکشان از طریق شوراها بدست مردم میرسد. مصرف توانگران توسط شهیدستان کنترل می‌شود و همانند جنگهای ارتجاعی، گرسنگی برای کارگران و زحمتکشان و نان و رفاه برای سرمایه‌داران نیست. جیره بندی که در زمان جنگ معمولاً دولتهای سرمایه‌داری از جمله دولت جمهوری اسلامی، برای جبران کمبود و افزایش هزینه‌های مصروف جنگ بر زحمتکشان تحمیل میکنند، در جنگهای انقلابی مفهوم دیگری داشته و برای تقسیم عادلانه اوراق بین زحمتکشان و جلوگیری از اسراف تنظیم می‌شود. لنین آموزگار رهبر زحمتکشان در مورد سیاستهای دولتهای سرمایه‌داران، در جنگهای ارتجاعی در مقابل فلاکت ناشی از جنگ و تنظیم مصرف عمومی میگوید:

"برای دولت مرتجع سرمایه‌داری که میترسد ارکان سرمایه‌داری، ارکان بردگی مزدوری، ارکان سیاست اقتصادی توانگران را متزلزل سازد، میترسد سطح ابتکار کارگران و بطور کلی زحمتکشان را ارتقاء دهد، میترسد آن توهمات آنها را "برافروزد" برای چنین دولتی جیره بندی نشان (بخوان جیره بندی مواد غذایی - پیگار)

بقیه از صفحه ۱۵ انقلابیون ...

نه تنها کتابها بلکه خانواده‌ها، ایمن می‌فرستد بدست ما نمی‌رسد بلکه اخبار تعداد زیادی از کتابهای ماطی بورژوازی که به بندها آورده اند توقیف گردیده است"

۱ - رعایت حقوق زندانیان سیاسی زن
توضیحاتی که در مورد زندانیان سیاسی زن اعمال می‌شود بر ما شبیه تر از اعمال فشارهایی است که به زندانیان سیاسی مرد روا داشته اند. اخیراً تعدادی از آنان را به علت اعتراض بوضع موجود، بعد از ضرب و شتم او هانت به زندان قصر تبعید کرده اند. ما خواهان بازگشت فوری آنان و رفع هرگونه رفتار غیر انسانی با زندانیان می‌باشیم.

۲ - رعایت حقوق زندانیان سیاسی زن
توضیحاتی که در مورد زندانیان سیاسی زن اعمال می‌شود بر ما شبیه تر از اعمال فشارهایی است که به زندانیان سیاسی مرد روا داشته اند. اخیراً تعدادی از آنان را به علت اعتراض بوضع موجود، بعد از ضرب و شتم او هانت به زندان قصر تبعید کرده اند. ما خواهان بازگشت فوری آنان و رفع هرگونه رفتار غیر انسانی با زندانیان می‌باشیم.

۳ - رعایت حقوق زندانیان سیاسی زن
توضیحاتی که در مورد زندانیان سیاسی زن اعمال می‌شود بر ما شبیه تر از اعمال فشارهایی است که به زندانیان سیاسی مرد روا داشته اند. اخیراً تعدادی از آنان را به علت اعتراض بوضع موجود، بعد از ضرب و شتم او هانت به زندان قصر تبعید کرده اند. ما خواهان بازگشت فوری آنان و رفع هرگونه رفتار غیر انسانی با زندانیان می‌باشیم.

۴ - آزادی ورود و رفتن و ارا دیوبه - رور زندان و استرداد کلیه کتابها و ارا دیوبه‌هایی که توسط مسئولین زندان توقیف شده است.

۵۹/۹/۱۹



جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، کمیابی و فلاکت زحمتکشان و سازمان دهیم



امپریالیسم امریکابه حمایت خود از اسرائیل، مصر و اردن ادامه میدهد

اخیرا سنای امریکا مبلغ ۴ میلیارد و ۹۸۰ میلیون دلار جهت حمایت از رژیمهای مرتجع و وابسته به امپریالیسم امریکایی به تصویب رساند. از این مبلغ ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار به اسرائیل و ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار به مصر اختصاص داده شد. کمک به اسرائیل جنایتکار در تداوم سیاستی است که میکوشد همچنان اسرائیل را بعنوان چماق سرکوب امریکا در منطقه نگاه دارد. آنچه مربوط به رژیم مزدور سادات میباشد باید گفت که امپریالیسم امریکا در ۱۹۸۰ - ۱۹۷۹ بمیزان ۳/۵ میلیارد دلار به مصر کمک کرده و وام اخیر قسمتی از کمک ۵ میلیارد دلار می باشد که رژیم سادات از امریکا تقاضا نموده است. بعد از سرنگونی رژیم مزدور شاه امپریالیسم امریکا بیش از پیش کوشید تا مضر را به پایسگاه بزرگی جهت بسط جناح خود در منطقه تیار دهد. در واقع این کمک هیچ هدف دیگری جز تحکیم موقعیت امپریالیسم امریکا در منطقه و تقویت رژیمهای ارتجاعی در تبال جنبش توده ها و بویژه جنبش مقاومت فلسطین ندارد.

امپریالیسم امریکا رژیم مزدور ملک حسین را نیز از یاد ندیده است. اخیرا نخستین محموله از پنج محموله بزرگ تجهیزات نظامی حساسی لوازم بدکی و مهمات توسط چهار هواپیمای جت "سی ۱۴۱" از پایگاه هوایی "ویتمن" میسوری امریکا به اردن رسید. درگیری احتمالی اخیر بین سوریه و اردن بهانه ای شد تا جنایتکاران واشنگتن، رژیم ملک حسین را مسلح تر نموده و در مقابل انقلاب فلسطین امکانات سرکوبگرانه بیشتری فراهم سازد. لازم به یادآوری است که چندی پیش امریکا وامی بمبلغ ۵۵ میلیون دلار نیز به رژیم اردن پرداخت نمود.

این اقدامات در کنترسایر حرکات امپریالیسم امریکا اگر از یک سو بیانشگر رقابت با شوروی است از سوی دیگر ناشی از وحشت امپریالیسم یا نکی از فردای جنبش خلقهای منطقه است.

محاكمه ما و كسيبم در چين

رفيق ما شود رازي باي از اوضاع جيبم ميگفت:

"نما بندگان بورژوازی که در درون حزب، دولت، ارتش و بخشهای مختلف عرصه فرهنگی نفوذ کرده اند، یک دسته رویزیونیست فساد انقلابی میباشد. اگر موقعیتی پیش بیاید آنان قدرت را به چنگ گرفته و دیکتاتوری پرولتاریا را به دیکتاتوری بورژوازی تبدیل میکنند. (هفته نامه پیکان ۷ ژوئن ۷۶) آنچه در چین گذشت، حکم فوق را اثبات کرد. رویزیونیستهای مرتد که راه سرمایه داری را تعقیب می نمودند، قدرت را به دست گرفتند، دیکتاتوری پرولتاریا را به دیکتاتوری بورژوازی تبدیل ساختند و در کشور چین سرمایه داری را احیا نمودند. رویزیونیستها علیه چه کسانی دیکتاتوری اعمال میکنند؟ امروز در چین، طبقه کارگر و سوا یرتوده های زحمتکش و کمونیستها مورد شدیدترین سرکوب قرار دارند. به محاکمه کشیده شدن رفقا "چیانگ چینگ" و "وان هون وان"، "یاو یان"، "چان جونگ" - "چیا شو" و... نمونه بارزی از سرکوب کمونیستها توسط رویزیونیستها میباشد. در واقع ایسین محاکمه، محاکمه پرولتاریا توسط بورژوازی حاکم بر چین میباشد. اما راستی چرا کمونیستها در چین به محاکمه کشیده شده اند؟

لیوشا شوچی خا شن که میکوشد سرمایه داری را به چین بازگرداند، طی انقلاب فرهنگی ویرانگر با سرمایه داری کمونیستها بطرزی عربیان افشا شده و پس از کنگره هشتم، در اکتبر سال ۱۹۶۸ به عنوان "مرتد، عامل دشمن و خائن به طبقه کارگر" افشا شد و از تمام مقامات حزبی و غیر حزبی معزول گشته و بطور قطعی از حزب کمونیست اخراج میگردد. اما اگر چه انقلاب فرهنگی ضربات مهلکی بر پانده لیوشا شوچی وارد ساخت، لیکن هرگز نمیتوانست بطور قطعی رویزیونیسم را در خاک کیند، چرا که جامعه سوسیالیستی یک جامعه طبقه ای است. لیوشا شوچی از صحنه بدرشد، اما رویزیونیستها تا بودند نشدند و گمان دیگری بودند که خط مشی بورژوا - رویزیونیستی او را دنبال کنند. در گذشته فدا انقلابی تنگ سیا شو - پینگ ادا مدهنده راه لیوشا شوچی بودند در زمان انقلاب فرهنگی، تنگ توسط کمونیستها بمناسبت یک رویزیونیست افشا گردید، اما او به تکیا با یه نیرومندی که در حزب داشت دوباره مدارج را طی نمود، لیکن مبارزه جناح انقلابی حزب از جمله مبارزه رفیق ما شوچها رفیق مذکور و را بعنوان عنصری رویزیونیست که در پی احیای سرمایه داری میباشد، در سال ۱۹۷۴ به پایسین کشید. تنگ پس از این ضربه مبارزه برای کسب قدرت را رها ننمود و در جول و جوش سال ۱۹۷۶ به مقامات مهمی در حزب و دولت دست یافت. مبارزه جناح انقلابی و از جمله رفیق ما شوچها رفیق

دیگر کسترش پیدا نمود و با لآخره تنگ بعنوان بزرگترین راهرو راه سرمایه داری افشا شده و توسط کمیته مرکزی حزب در آوریل ۱۹۷۶ از تمام مقامات خود معزول گردید:

"قطعاً مه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در باره عزل تنگ سیا شو پینگ از تمام مقامات در درون و بیرون حزب."

دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بعد از بحث در باره راه فدا انقلابی میدان "ملح آسمانی" و رفقا را خیر تنگ سیا شو پینگ بر آنست که مورد او ما هییتی دیگر یافته و به تضافی آن تا گویستی تبدیل شده است. بر پایه پیشنها در هیبر بزرگ ما مدرما شووبا تا شیده همگانی دفتر سیاسی تنگ سیا شو پینگ از تمام مقامات در داخل و خارج حزب معزول گشته، ولی عضویت او در حزب جهت نظارت حفظ میگردد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ۷ آوریل ۱۹۷۶ (مدرجه ده هفته نامه پیکان ۱۲ آوریل ۱۹۷۶)

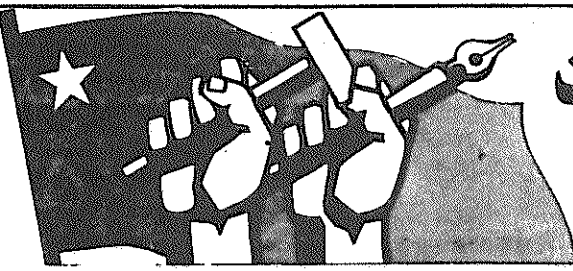
بدین ترتیب می بینیم که اگر چه کمیته مرکزی بدرستی مورد تنگ را تضافی آشتی - نا پذیر تلقی میکند، اما در عمل با او مصالحه کرده و عضویت او را در حزب ایقا مینماید. انحراف راستروانه حزب کمونیست چین و رفیق ما شو مانع از آن میگردد تا رویزیونیستها و از جمله تنگ مرتدا ز صفوف حزبی بطور قاطع تصفیه و اخراج گردند. رفیق ما شو بدرستی در مورد تنگ می گفت:

"اوهیچ اهمیتی به مبارزه طبقه ای نمیدهد و هرگز آنرا بمناسبت محور مطرح نکرده است. گربه سفید، گربه سیاه" فرمول همیشه اوست. او بین امپریالیسم و ما رکیسیم تفاوتی نمی گذارد." (هفته نامه پیکان ۶ ژوئن ۷۶)

لیکن علیرغم این تحلیل صحیح، حزب کمونیست در عمل به سازش طبقه ای در غلغله وجود نما بندگان بورژوازی را در صفوف خود به رسمیت می شنا و نتایج آن را به بقدرت رسیدن بورژوا - رویزیونیستها را هموار میسازد. مرگ رفیق ما شو برای رویزیونیستها موقعیت مناسب را فراهم می آورد. آنان همه جا شبهه به تعرض دست زده و با قدرت تمام میکوشند تا هر چه سریعتر دست وردهای سوسیالیسم را نابود ساختند. ما رکیسیم لنینیسم را در چین دفن کرده و حاکمین خط مشی انقلابی را از میان بردارند.

رویزیونیستها طی سالیان طولانی در چین مورد ضربت قرار گرفتند. انقلاب فرهنگی چهره زشت آنان را عربیان کرد و آنان با رها از مراکز قدرت به زیر کشیده شدند. چه کسانی علیه رویزیونیستها مبارزه کردند؟ چه کسانی نقاب ما رکیستی آنان را دریدند و ما هییت فدا انقلابی شان را برملا کردند؟ چه کسانی آنان را بمناسبت رهبران راه سرمایه داری در پیش پرولتاریا و سایر توده ها رسوا نمودند؟ آری واقعا چه کسانی جز حاکمین مشی انقلابی و از جمله "چیانگ چینگ" بقیه در صفحه ۲۰

هنرمقاومت هنرپرولتری



تبلخی شرکت فعالانه و در مبارزات سیاسی منحربه این شده چندین بار ردیکر به بند کشیده شود، از جمله پس از کودتای ۱۳۹۹ او هم همراه دیگر انقلابیون به سیاهالیهای رضا خانسی گرفتار شد.

فرخی بعلمت محبوبیت فراوان در میان نوده ها، در دوره هفتم مجلس شورای ملی (۹ - ۱۳۰۷ شمسی) از یزیدیه سمت نمایندگی انتخاب کردید و تنها کسی بود که بلندگوی پارلمان را بدون تزلزل به محل افشاکری های انقلابی و جورا نه اش تبدیل کرد و با رها بعلمت مخالفت های پی در پی با رژیم رضا شاه، در همان مجلس کتک خورد و با لافخره محبوس گشت مخفیانه به میهن کارگران، شوروی سوسیالیستی پناهنده شود.

فرخی پس از مدتی برای ادامه مبارزه به ایران بازگشت (سال ۱۳۱۲) و بنا آنکه شاه، فریبکارانه قبول داده بود که او را دستگیر نخواهد کرد، طی توطئه ای، به زندان افکنده شد. فرخی در زندان بسختی مورد شکنجه و آزار قرار گرفت، تا آنجا که برای حفظ وفاداری اش به انقلاب اقدام به خودکشی نمود، لیکن از ممرک نجات یافت (نجات یافت؟) و با لافخره بنیام "اساعاد" به مقام سلطنت محکوم گشت، او مدتها در سلولهای تاریک و نمور انفرادی در زندانهای "شبت"، "شهربانی"، "قصر گذرانند، لیکن ذره ای از شور انقلابی اش کاسته نشد و با لافخره دژ خیانت رضا خان که خود را در برابر این قامت شعله ور انقلاب زبون یافته بودند و او بوسیله آمبول هوا و بدست پزشک مجاز زندان قصر به قتل رساندند. فرخی جز سرودن اشعار انقلابی به انتشار چندین روزنامه جهت تبلیغ انقلابی دست زد که از جمله طوفان و پیکار روقیا و... را میتوان نام برد.

مضامین شعر فرخی

همانگونه که گفتیم اشعار فرخی در چهار - چوب جریان انقلابی شعر مشروطه قرار دارد، شعر او مشحون از دمکراتیسم طبقات تحت تسلیم و استثمار شده و دوران انقلاب مشروطیت است، او همانگونه که در زندگی، جانبا زانه رژیمید، در عرصه شعر هم مدافع پیگیر و سرسخت انقلاب باقی ماند و برخلاف شاهان لیبرالی چون "ملک الشعرای بهار"، از موضع زحمتکشان و نه از پایگاه بورژوازی بسوی انقلاب شتافت!

فرخی یزیدی نماینده جریان انقلابی در هنر

گیری اش بسوی زحمتکشان و طبقه کارگر بجای گذاشت، تا آنجا که مفاهیمی چون استثمار، ستم طبقاتی، در دورنچ کارگران و دهقانان، جنگ طبقاتی، کینه و نفرت از سرمایه داری و... مضمون بسیاری از اشعارش را در سراسر عمر سرشار از مبارزه اش تشکیل میداد.

فرخی در جریان شرکت فعالانه در انقلاب، به عضویت حزب دمکرات شاخه یزید در آمد و ۳ سال پس از برقراری رژیم مشروطه بدلیل سروردن شعری افشاگرانه بدستور حاکم یزید، وحشیانه دهان او بانخ و سوزن دوخته شد و او را به زندان افکندند، و بدینگونه سندی بر اسناد ما هیست مرتجعانه و ضد انقلابی میوه چینان انقلاب مشروطیت افزوده شد.

فرخی در زندان آرام نیست و با سروردن اشعاری انقلابی کوشید همچنان احساسات آتشین و انقلابی زحمتکشان را بیدار نگاهدارد و پیش از آن به آگاه گردنشان ببرد از د.



طبقه کارگر و دیگر طبقات انقلابی، برای دستیابی به آرمانهای والای خود نیازمند آنند که مبارزات خویش را در همه عرصه ها، آگاهانه به پیش ببرند، تا نینها زنده ماندند که برای پیش برد آگاهانه اشعار خویش، با تجارب گذشته در همه اشکال مبارزه آشنائی پیدا کنند. و سنتهای انقلابی دوران پیش را با برخوردی نقادانه و نوین، در جهت مقتضیات نبرد کنونی شان زنده نمایند و بکار گیرند.

هنر، بدون تردید بیستما به جزئی از ایدئولوژی طبقات، عرصه ای از مبارزه طبقاتی است. از اینرو پیشا هنگام آگاه طبقه کارگر موظفند به سنت سنگین طبقات مترجع و ضد انقلابی، به سنتی که در همه جوامع کهن کم و بیش رواج داشته است یعنی به جدائی طبقات زحمتکش از فرهنگ انقلابی، پایان دهند و با تمام نیرو، با کار وسیع بر بنا مریزی شده و آگاهانه، برای بیدار نگه داشتن روحیات انقلابی در توده ها و بسط انگیزش احساسات پر شور و آشنائی نا پذیرشان از ابزار هنر سرود جویند.

تاریخ خلق ما سرشار از مبارزه درخشان و سرشار از دستاوردهای عظیم هنر انقلابی است. امروز طبقه کارگر و سوا بیز زحمتکشان ما با یبسا این تاریخ آشنائی بایدند، آشکارا است که دورانهای انقلابی، گنجینه های از این دستاوردها را در خود نهفته دارد. و فرخی یزیدی انقلابی، شا عر و روزنامه نویس انقلاب مشروطیت یکی از شنا بندگان جریان انقلابی در تاریخ هنر خلق ماست که زنده نگاه داشتن فعالیست خلفا نه او و بهره گیری از آموزش انقلابی او، درس های فراوانی برای همه فعالین هنری و زحمتکشان در برخواهد داشت.

زندگی شاعر انقلاب

فرخی یزیدی، تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسه "مرسلین" (۲) بیسزده که بوسیله استعمارگران انگلیسی تاسیس شده بود گذرانده، لیکن پیش از پایان تحصیلات به علت داشتن روحیه ای مبارزه جویانه و آزادی خواه که در اشعار اولیه اش منعکس میشد اخراج گشت، او پس از اخراج مجبور شد که بعنوان کارگر نساج، کارگرتنا نوا و... به امرامعاش بپردازد، این دوره از زندگی شاعر، تا شیر عمیقی در سمت

فرخی برای ادامه مبارزه، پس از چندی از زندان گریخت و بویژه با سروردن اشعار آگاهگرانه در جبهه انقلاب به پیکار اش ادامه داد، و چندی بار به شوروی سوسیالیستی مسافرت کرد. و در دوران جنگ جهانی اول به جهت آنکه مزدوران انگلیس در پی دستگیری اش برآمدند از ایران گریخت و سپس از بیبراهه به ایران بازگشت و به مبارزه اش پیگیری نه ادامه داد. مخالفت های انقلابی او با وثوق الدوله و سردار سپه و دیگر مزدوران امپریالیسم، انتشار اشعار آگاهگرانه

(۱) - این مقاله بمناسبت سالگرد شهادت فرخی یزیدی تهیه شد، ما با توجه به مسائل خادکونونی و محدودیت نشریه، امکان چاپ بموقع آن فراهم نیامد.
(۲) - هیاتهای ششیری مسیحی در کشورهای تحت سلطه منجمله ایران به تاسیس موسسات خیریه، مدارس و بیمارستانها (البته برای منظورهای استعماری خودشان) می پرداختند. اینگونه موسسات بنا "مرسلین" معروف بود.

ما را از انقلاب سرانجام نگیرد
چون انتخاب ما جزا از انقلاب نیست
(شعری که در رابطه با انتخابات مجلس سروده شد)
اوباکینه و نفرت به میوه جینان انقلاب
مشروطه می نگریست و از همان آغاز میسرود:
در کهن ایران ویران انقلابی تازه یابد...
ویا: از انقلابی سخت جاری سیل خون باید نمود،
وین بنای ستی بی راستگون باید نمود.
مسائل گوناگون انقلاب، همواره با صراحت
و روشنی در شعر فرخی انعکاس یافته و از وضعی
انقلابی نقطه نظرات خود را از آن ها بیان داشته
است. فی المثل فرخی برخلاف هنرمندان
لیبرال مشروطه هیچگاه ستایشگر مجلس بطور
کلی نبوده و همواره با رلمان بورژوازی را مورد
سخت ترین حملات قرار داده است:
با بودن مجلس بود آزادی ما محو
چون مرغ که با بسته ولی در قفسی نیست
یا: بس که از سرما به داران مجلس ما گشته بر
اعتبارش هیچ کم از ده که صراف نیست
یا: می کنند تهدید ما را این بنای ارتجاعی
منهدم این کاخ را از صد رتا دروازه یابد

سمت گیری بسوی
طبقه کارگر و زحمتکش

پیوندنا گسستی فرخی با زحمتکشان و سمت
گیری او بسوی طبقه کارگر در شعر، آنچنان

آشکارا انعکاس یافته است که هر خواننده شعر او
میتواند احساسات انقلابی اش را در بر خورده
توده ها بسیا زمانه بد:
انتقام کارگری کاوش آتش بر فرزند
تا بسوزد سر بسرا بین توده تن پروران را...
یا: ز جور کارفرما کارگر آتشان بخود لرزد
که گردد در برویک دری بازگاری را...
یا: بهر مستی سیرتاکمی یک چنانی گرسنه
انتقام گرسنه از سیر میباید گرفت
یا: مسکنت را زدم داس درو بیا بد کرد
فقر را با چکش کارگران باید کشت
اشعار فرخی سرشار از این روحیه انقلابی
است. اوصدای توده های زجر کشیده ای است که
اندیشه ای جز ویران کردن نظم کهنه و احساسی
جز کینه به طبقات دشمن و آرمانهای درخشان
نسبت به آینده درخرد نمی پرورند.

محدودیت های شعر فرخی

اگرچه فرخی بیزی، به تمام معنی، شاعر
دمکرات و انقلابی است، اگرچه و در اشعار او
مقالاتش همواره عهدی ناگسستی با انقلاب
زحمتکشان را تصویر کرده است، اگرچه او بسوی
طبقه کارگر مستگیری داشته و حتی در همین سال
چنین انقلاب اکتبر شرکت جسته و شادمانه سروده
است:

در جشن کارگر چو زدم فال انقلاب
دیدم بفال نیک بود حال انقلاب

اگرچه او بسویال دمکراسی ایسرا
ارتباطی نزدیک داشته و در روزنامه های پیکار
قیام، طوفان و... مقالاتی بدفاع از انقلاب
سوسیالیستی (انقلاب اکتبر) درج نموده...
اینهمه ارزیابی از ماهیت سیاسی - ایدئولوژیک
فرخی، بسیا نگر محدودیت دیدار است. از اینروست
که فرخی در انقلابی ترین اشعار تبلیغی خود،
درست آنجا که به نفعی است شمار، دفاع از کارگران
و اقشای سرمایه داران مبدردارد. دچار
محدودیت شده و احساسات انقلابی او با افکار
متافیزیکی درهم می آمیزد:

غنا با فشاری کرد ایجا دتهدی دستی
خدا ویران نماید خانه سرمایه داری را
البته محدودیت های شعر فرخی، عرضه های
گوناگونی را در زمینه محتوا و شکل شعر در بر می
گیرد. عدم انجاسمرا و عدم توانایی در ترسیم
کیفیات درونی و گاه راه تها ویر معمولی و
سطحی و حتی با آ میز، در قید و بند اصطلاحات
تشبیها و نحو شعر گوئی شعر کهن زندانی
بودن، برای درست در آوردن اوزان عروضی،
کلمات اضافی حتی مصرع های اضافی و بی ربط
سردن و... همه و همه مسائلی است که باید در
جای خود مطلقا بدان برداخت. وجهیه های
کیفی شعر فرخی را در بیشتر شرایط مشخص انقلاب
مشروطه ارزیابی کرد.

بقیه از صفحه ۱۸
محاكمه...
"وان هون وان"، "یاون یان"، "جان چونگ -
چیا شو" افشاگر این خائنین به طبقه کارگر
بودند؟
بی سبب نیست که رویزیونیستها رفیق ما
را پس از مرگش به محاکمه کشیده و او را "عامل
اصلی جنایات دوران انقلاب فرهنگی" معرفی
میکنند. بی سبب نیست که رویزیونیستها چهار
رفیق فوق را "به جرم توطئه برای جلوگیری از
روی کار آمدن تنگ" محاکمه کرده و چه بسا آنها را
به جوخا عدام میسازند. آری امروز در چین در
دادگاه ضد انقلابی رویزیونیسم، کمونیستهای
راستین محاکمه میشوند، زیرا آنان برچمداران
مارکسیسم لنینیسم، رهروان طبقه کارگر و
دشمنان بورژوازی و رویزیونیست میباشند.
تعجب آور نیست اگر امروز کمونیستها توسط
کسانی محاکمه میگردند که "بین امپریالیسم و
مارکسیسم" تفاوتی قائل نیستند، بورژوا -
رویزیونیست های مرتجعی چون "تنگ و هو"
بر اساس منطق طبقاتی خود عمل میکنند. دیر سراسر
جهان کمونیستها همواره مورد سرکوب و خشنابنه
بورژوازی و دولت طبقاتی آن قرار داشته اند و
پرواضح است که ضد انقلابیون حاکم چین، بر
اساس ماهیت طبقاتی خود به سرکوب کمونیستها
اقدام مینمایند.

امروز امپریالیستها، بورژوازی جهانی
و همه مرتجعین برای "تنگ سیا شوپیک" بعنوان
نماینده برجسته بورژوازی چین کف میزنند و
هورا میکشند. امروز "پراودا" ارگان امپریالیسم
شوروی از "محاكمه ما شوئیس در چین" ابسراز
شادمانی میکند، امروز رادیوی صدای آمریکا
از محاکمه جنایتکاران زمان انقلاب فرهنگی
صحبت میکند و تلویزیون سی بی اس "امریکسا
حق بحث جریان محاکمات را به مبلغ ۴۰ هزار
دلار از چین خریداری میکند. امروز بورژوازی های
جهان از "سران واقع بین" چین و محاکمه
"چپروهای انقلاب فرهنگی سخن میگویند، آری
امروز دشمنان کمونیسم از محاکمه کمونیستها در
چین قهقهه میزنند، بورژوازی همه کشورهای
جهان در برابر پرولتاریای جهانی منافس
مشترکی دارند، آنان پاسداران نظام فرسوده
و ارتجاعی سرمایه میباشند و همین خاطر سرکوب
کمونیستها، این دشمنان سرمایه داری و امپریا
- لیسم، نمیتوانند موجب خشنودی آنان نگردد.
اما بدانیم که این قهقهه ها، قهقهه سرک
است. بورژوازی و امپریالیسم محکوم به مرگ
میشوند. تاریخ حکم بر آن داده که پیروزی از آن
پرولتاریا و کمونیستهاست. اگر امروز بورژوازی
جهانی، سرکوب کمونیستها در چین را جشن
گرفته است و در سراسر جهان برای فریب توده های
زحمتکش، چنین وانمود میسازد که گویا کمونیسم

هاشمی رفسنجانی و ۲۰۰ میلیون تومان خرید از خارج!

بگشتری ایران

شماره حساب: ۰۶۷۸/۱۳

شماره حساب: ۰۶۷۸/۱۳

شرح	مبلغ	تاریخ
...

کسر پیوسته مبلغ: ۱۰۰۰

مبلغ به حساب: ۱۰۰۰

در حالیکه کرانی سرسام آور کارکران و زحمتکش را کلافه کرده است.

در حالیکه رژیم میگوید حتی مردم فقیر روستاها لقمه نان خالی را از دهان بگیری و به جبهه جنگ ارسال کنند و تلویزیون نشان میدهد که پیرزنی روستائی یک مرغ را که سرمایه اش هست - در دست گرفته و میاورد و چوپانی کوفتندی را،

در حالیکه هزینه برق و سوخت، کرایه خانه و حمل و نقل اضافه میشود.

در حالیکه بسیاری از داروهای ضروری برای بیماران در بازار یافت نمیکردند.

در حالیکه ۲۸ درصد از نیروی کار آذربایجان یعنی حدود ۳ میلیون نفر بیگانه (کپهان ۹/۱۸)

در حالیکه آوارگان این جنگ ارتجاعی که تعدادشان به اعتراف خامنه ای به یک میلیون نفر میرسد حتی از داشتن پتو در این سرمای سیاه زمستان محروم اند و محمد غرضی در مصاحبه تلویزیونی روز سه شنبه ۹۵/۹/۱۸ خود دست بدان آیت الله منتظری میبندد که از مردم بخواد هدیه آوارگان پتو بدهند و تاکید میکند که نه از بازار داخلی و نه خارجی نمیتوان تعداد لازم پتو را تامین نمود!

آری، در چنین حالی طبق این سند اکبر - هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان معادل ۲۷/۵ میلیون دلار در اختیار محسن رفیق دوست که یکی از مسئولین سپاه پاسداران است میگذارد. درستند ذکر نشده که پول به چه منظور داده شده ولی بانوجه به اینکه رفیق دوست مسئول تدارکات سپاه پاسداران است و چند ماه پیش نیز سازمان خرید سلاح از کشورهای اروپای شرقی شد، احتمال دارد که این ۲۰۰ میلیون تومان نیز برای خرید سلاح در اختیار او قرار گرفته است. خرید سلاح برای کشتار بیشتر کارگران و زحمتکش، برای قتل عام روستاهای کردستان مثل قهلاتان،

کافی ما مسید، قارنا، ایندرا قاش، صوفیان و... ضمناً رفیق دوست همان کسی است که در قتل رهبران شهید خلق ترکمن توماج و بارانش مستقیماً دست داشته است.

به سندی توجه کنید و چشمه ای از خیانتهای "مردان جمهوری اسلامی" را ملاحظه نمائید. به یقین موج توفنده انقلاب توده ها این خیانتکاران و همگامه ها شان را از صدر تا ذیل به مجازات خواهد رساند.

در افشای ارتجاع، این دشمنان خلق و همدستان امپریالیسم جهانی لحظه ای درنگ روا نیست.

سازمان پیسکا در راه آزادی طبقه کارگر
۱۳۵۹/۹/۱۹
سری ب - ت. ش. ۱۰

میان کارگران و زحمتکش و با استفاده از شرایطی که در رابطه با افتادن جناحهای حاکم بجان یکدیگر و موضع دفاعی رژیم درقبال فشار جنبش توده ای، بوجود آمده است، بویژه با استفاده حداکثر از کمترین و ناچیزترین امکانات فعالیت علنی و کسترش عرصه فعالیت تبلیغی و ترویجی، نقش خود را در رشد و ارتقاء جنبش توده ای مبنی بر منافع پرولتاریا و زحمتکش به بهترین وجه ایفاء نمائیم. و در یک کلام با تمام نیرو و امکانات خود، به استقبال جنبش اوج گیرنده توده ها بشتابیم!

پرولتاریا و زحمتکش ایفاء کند، اما مگر آلترنا تیو و قطب انقلابی (کمونیستی) در قبسال آلترنا تیوهای حاکم (لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی) و سایر آلترنا تیوهای ارتجاعی (بختیارو...) و جریانات دمکرات نا پیگیر (مجا هدی و...) و تبلیغ و ترویج توده ای بر روی این آلترنا تیو و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق بعنوان راه حل قطع سلطه و نفوذ امپریالیسم، نا بودی ارتجاع و تامین اساسی ترین خواستهای اقتصادی - سیاسی توده ها... میباشد. رفقا! بکشیم با بردن این آلترنا تیو در

بشماره ۲ سرمقاله...
لادان رژیم جمهوری اسلامی نمیباشد، خواهد بود یا نگرش فشا رتوده ای و عقب نشینی رژیم در برابرین فشا روبرحان حاکم برجامه است.
آوارگی بیش از نیم میلیون نفر از ساکنان حمتکش مناطق جنگ زده بی خانمانی و وضع اسبامان و ورقتیارتان در این سرمای زمستان مزمان با فرو ریختن تدریجی توهم توده ها سبت به ماهیت جنگ ایران و عراق و نتایج لاکت با رآن برای زحمتکش، بخصوص در مناطق ننگ زده و متقابلاً برخوردارانت آمیز و سرکوب گران رژیم آوارگان و فدا انقلابی خوانندگنان و ناتوانی اش در تامین نیازهای اولیه آوارگان نظیر مسکن و پوشاک و غذا، ناراضگی بدیدی را در میان آوارگان دامن زده و در هفته های اخیر ما شاهد حرکات اعتراضی آوارگان در نهرهای مختلف و از جمله در اصفهان، شیراز، بندرما شهر، سر بندر، شادگان و... بوده ایم. بدون تردید فلاکت ناشی از جنگ چه در مورد مناطق جنگ زده و آوارگان و چه در مورد سایر مناطق همراه با افزایش بیگاری، رشد سرسام آور تورم و گرانی ما محتاج اولیه، افزایش ساعات کار کارگران و مهمتر از همه کوشش دم توپ شدن زحمتکش در جنگ غیر عادلانه کنونی و سرکوب مبارزات و حرکات اعتراضی آوارگان، موجب تشدید و رشد هر چه بیشتر جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکش، بویژه در مناطق جنگ زده خواهد گردید. بحران اقتصادی - سیاسی حاکم برجامه و رشد روز افزون جنبش توده ای، بحران در قبسال رادامن زده و هم اکنون این بحران بدستمال جنگ ایران و عراق به اوج خود رسیده و جناحهای حاکم را کاملاً در برابر برهم قرار داده است. بطوری که هر یک میبکوشند دیگری را مسئول بحران و خرابی اوضاع قلمداد کنند و از این طریق پایه قدرت و نفوذ خود را در قدرت سیاسی افزایش دهد. درگیری و شکاف در قبلاً میان لیبرالها و حزب جمهوری و افشای هر کدام توسط یکدیگر، بنوبه خود، ظرفیت و شکست هیات حاکمه و سرکوب یکپارچه او را تضعیف ساخته و او را در برابر جنبش توده ای که در صورت رشد و گسترش آن حیات جمهوری اسلامی را به مغایر میافکند، به موضع دفاعی کشانده است.

روشن است که موضع دفاعی هیات حاکمه در برابر فشار رپا شین و جنبش توده ای خود عاملی است در جهت دامن زدن و گسترش جنبش توده ای خواهد بود و هرگاه این واقعیت در کنارتوانی هیات حاکمه در حل بحران کنونی جامعه و عدم پاسخگویی به خواستهای اساسی توده ها مسورد توجه قرار گیرد، چشم انداز پرتووری را نسبت به رشد و اعتلا جنبش و گسترش هر چه بیشتر آن نوید میدهد. آنچه که میتواند نقش اساسی و مهمی در ارتقاء و سمت دهی این جنبش متکی بر منافع

فان، مسکن، آزادی

آب که بالا می‌رود

قورباغه ابو عطا می‌خواند!

خلخالی که یکی از "مردان جمع" صوری اسلامی است و عنوان "میرغضب رژیم" و "جلاد" زینده و میباید، در هفته گذشته با صلاح بسط دفاع از اقدامات خود پیراخت و خیلی "منم" زد می‌جانباید که هر افاضیل زاد این کشور او را پسین برده است! این ادعا آدم را بیاد ضرب - المثل "آب که بالا می‌رود، قورباغه" می‌آید عطا می‌خواند "می‌باید زد".

طوفان انقلاب نوده‌ها پس از دهها سال استشما رورج و شکنجه با اعدام و میا رزه شکستم. تا بذیر، میرفت که سلطه میریا لیسیم و عمال اش منجمله با صلاح "هزار فامیل" را در ایران ریشه کن کند و رژیم می که آقای خلخالی جزئی از آن است مانع از آن شد که انقلاب کارش را به سرانجام برساند. آقای خلخالی چون "ژشکی مست شمشیر بدستش افتاد عده ای از دشمنان خلق و عمال سرسپرده میریا لیسیم را کشت و با این عمل، تفاد طبقه خویش با رژیم و وابسته به میریا لیسیم را برینفع رژیم جدید که ایضا فد خلقی است حل کرد و با استقرا رنسی رژیم جدید شمشیر دودم طبقا تی خود را برای نابودی نیروهای انقلابی بیگیر، برای کمونیستها و خلقهای بیخا سته ایران نیز کرد. در کردستان و سرگمن محرا و خوزستان همیشه شمع اوبرای سرگوب کمونیستها شز بوده است و جد خویشا کد بدست او رجه شده است! از کد سر رسوید سردار ریبا و کرجی بیانی ها بیکرنا بیکار - کران شیدما اعرفی و نیک اندام و دانستبار در خوزستان، طخالی میخواد هد سوده های مسا اعدام عده ای ارجا بیکاران ساواک کد جبره کوچکی از خواستنهان بوده بینند ولی باز - ساری نظام موا بسنه میریا لیسیم، سازش با آمریکا و اعدام مسروهای کمونیستی و انقلابی را نسینند. در صورتیکه کارکنان و زحمتکشان ما در زیرعبای خلخالی حاج ما شاء الله قصاب رئیس کمیته سعارت آمریکا را هم می با بند کسه حالا بعنوان "وردست" خلخالی به ترک تازی در جنوب شهر مشغول است. مردم ما بسیار زهوشبارتر از پیش اند. آقای خلخالی بیخود ابو عطا می‌خواند!

بقیه ارجعه ۴ تبلیغ...

پخش کرد و تعدادا شعراهای تبلیغی برد و دیوار تهر را افزایش داده. مشخصه اخیر تبلیغ بسیار ظا نرا اهمیت است. بخصوص آنکه رعایت آن تنها مثلا به مرکزیت سازمان و نویسندگان مشکلات تبلیغی بر نمی گردد، بلکه وظیفه ای است سنگین بردوش تک اعضاء و همسواداران سازمانهای کمونیستی کد هر چه کسترده تر کردن تبلیغ کوتاه باشد.

ادامه دارد

آسی تا پذیر و شهرا میز (با زور و دعوا) در آوردن است، بر خورد رفیق دانش آموزها دارا کر چه با نداری اش را نسبت به آزمائش نشان میدهد و این بحسن آمیز است، اما بسپوده در کسری را اینجمن حاد میکند. این رفیق می توانست با سمیق بیشتر و با در نظر گرفتن جوانان دهه به سدرج و با حرکت میوزانه، به مبارزه با عفا بد تا درست بدری بر خیزد و آنرا اصلاح کند.

رفیق - ط - ا

این رفیق اشتعا دکرده است کد چراغهای سازمان برد و دیوار کم است و از ما خواسته است کد به رفقا بگوئیم در مورد شعرا نویسی بیشتر کوشش کنند.

بنظر ما انتقاد رفیق وارد است و در این مورد با بدلائل بیشتری نمود. رفقا! در شرایط حاضر که بدلیل خفقان و محدودیت هائی که رژیم برای ما کمونیستها بوجود آورده است، دامنه تبلیغات ما محدود شده و بسیاری از امکانات تبلیغ علنی از بین رفته است. در این شرایط اگر چه کلیه رفقای هوا دار را دیدگوشندنا در تکثیر و پخش نشریات، اعلامیه ها و تراکت های سازمان هر چه بیشتر بکوشند (فی المثل هر نشریه را حداقل به ۵ نفر بدهد که خوانده شود.) و از این طریق تا حدودی کمبودهای موجود را جبران کنند، اما هیچ نوع تبلیغاتی نمیتواند جانشین شعرا نویسی گردد. چه شعرا نویسی (بویژه شعراهای ربر بیکار و مربوط بدحتک) در دسترس و یا بدار بوده و نوده های بسیار وسیعی آسرای خوانند. از نظر صرف اسرزی نیز بسیار اثری کمتری صرف میشود اما بایزده فراوانی دارد. از این رو به کلیه رفقا توصیه میکنیم در امر سعرا نویسی بویژه در این شرایط، کوشش بیشتری نموده و کلیه شعراهای مربوط به فضای لیبرالها حزب جمهوری اسلامی، حتک، آوارگان، کرانسی و... را با خطی درشت برد و دیوار شهرو... بنویسید.

نا عده های زیادی بدستمان رسیده است. پیشنهادات و تذکرات رفقا مورد توجه قرار گرفته و به سوا لات آن در مقالات پیکار رتئوریک پاسخ داده خواهد شد. بدلیل محدودیت صفحه از برخورد با تک تک آنها معذوریم و تنها به ذکر نام نویسنده بسنده میکنیم.

رفقای M - ن، ن از لاهیجان - مسئول سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار، شرق تهران - س، ن از لاهیجان - م، ج - خ، مسعود - س، م، ف، ن از آبادان - الف، ش از آبادان - ک، س از آبادان - پ، م - ر، مادر مبارز، اقدس - ن - م، ش، ل - چ، چ از همدان - دانشجو - بان و دانش آموزان غرب تهران - ه، ط - ن - علی از اصفهان - غ، غ از شیراز - ه، پ - از سرور - ف، ش از تبریز - س، م، ۸۲ - ع، ت - ب - ز -

بعد از صفحه ۲۵ پاسخ به...
زمینی داشته اند و میباید درسی در آنجا دست بند افشاکری میرید و بدرس کد او را و ما را بدسرمی - بیند بدجیت حفظ آبرو خود و را به تهران ببر - میگردا بدو میگویند هر کد ما را دوستانت به اینجا میا بیند تحویل کمیته نان میدهم.

رفقا! این اولین ناری نیست کد کزارشانی از "شکرات سن" میانه بین رفقای جوان هوا دار با خواننده هائی با بدست ما میرسد، این کزارشات مسائل کوتاه کونی را نشان میدهد. یکی بدلیل رعایت نکردن نکات امنیتی و اتیار کردن مدارک سیاسی در خاندان، با خواننده در - گیر میشود، دیگری تنها به مطالعه و قعا لیب سیاسی خویش فکر میکند و در صد کمک به خواننده در جهت رفع نیازهای آنان نیست، و خواننده ها این فرزندان را "سربار" خویش احساس می کنند و عده ای دیگر کار را به در کسری و کنتکاری با خواننده هائی با میکشند خانواده هائی که اکثرا هم زحمتکش هستند...

رفقا! بسیاری از خواننده های زحمتکش شما بدلیل توهمات و بدلیل فرهنگی که ناشی از جامعه سرمایه داری و عقب ماندگی فرهنگی موجود در جامعه است، نمی توانستند براضی افکار، حرکات و رفتارهای شما را درک کنند و پذیرا شوند و طبیعا به مخالفت با آن برس - میخیزند. ما را همل چیست و رفقا چگونه باید با این مسئله برخورد کنند؟

آیا باید تسلیم خواست خواننده خویش بشوند؟ یا باید به در کسری با آنان بپردازند؟ هیچکد مرفقا! نه باید تسلیم خواستهای نادرست نابجای خانواده ندونه آنکه به روحیات فرهنگ و خواستهای آنان بی توجه ماند، رفقا با دیدگوشند ضمن پافشاری بر روی اعتقادشان با رفتاری متین، کمونیستی، با برخوردی صبور - انه و برحم و صلحی کنند عفا بدشان را به خانواده های زحمتکش خود توضیح دهند و دستدرج آنان را نسبت به سازمان و آرمان طبقه کارگر شناسا سازند. چنین برخوردی که از جانب بسیاری از رفقا صورت گرفته نه تنها فعلیت آنرا متوقف نگردد و آنها تسلیم خواستهای نابجا و نادرست خانواده هایشان شده اند، بلکه با برخوردی انقلابی و کمونیستی، نشان داده اند که نمونه یک انسان واقعی هستند و دستدرج بسیاری از افراد خانواده خویش را نسبت به عفا بدشان و سازمان آشنا ساخته اند و توجه آنان را جلب کرده اند. نفوذ نسبتا کسترده ای که سازمان در خانواده های زحمتکشان بویژه مادران بدست آورده است، ناشی از این رفتار انقلابی رفقا است. بیکار گرفتن چنین رفتاری بویژه در خانواده ها و کارگری بسیار مهمتر است.

در رابطه با آنچه گفتیم نگاه می به این نوع برخورد بسیار سالم بد رفیق و عکس العمل وی که بدرد آمدن حساب کرده و گویا در رژیم جمهوری اسلامی زندانی شده، شروع به سرود خوانی و... میکند، تفادهای درون خلقی را بسپوده به صورت

حقایق درون ارتش و ادعاهای رژیم

کارگران، زحمتکشان، هموطنان مبارز!

خبرهای موقش زبربراکه احتیاجی به تفسیر و توضیح ندارد بخوانند آنوقت تصدیق خواهید کرد که تفاق و تبیین این حقایق با ادعاهای رژیم جمهوری اسلامی نسبت به ارتش از زمین تا آسمان است!

خبر اول:

در کمیسیون که در اوایل آذرماه جاری با شرکت تیمسار رفکوری و وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده تصمیماتی گرفته اند و به فرماندهان و سرپرستان فنی کلیه قسمتهای مختلف نیروی هوایی دستور داده شده که هر چه زودتر کمبودها و نواقص دستگاهها و مشکلات آموزشی خود را بررسی و مشخص کنند تا با برقراری روابط با آمریکا جداگتر استفا ده بشود. وزیر دفاع معتقد است که این روابط بزودی "عادی" میشود.

خبر دوم:

اوایل آذرماه جاری ۶ الی ۷ کشتی که محموله آنها قطعات بیدکی و وسایل نظامی آمریکا می بوده مستقیماً از آمریکا رسیده و در بنادر جنوب لنگر انداخته اند. این کشتی ها بدنبال رسیدن یک کشتی حامل تجهیزات نظامی که قبلاً در آبانماه ۵۹ مستقیماً از آمریکا به بندر بوشهر وارد شد، به بنادر جنوب رسیده اند. کشتی قبلی که در آبان به ایران رسید بمنظور تسریع در تخلیه محموله آن، از پایگاههای مختلف نیروی هوایی متخصصین قسمت های مختلف به بوشهر اعزام شدند تا هر یک محموله مربوط به قسمت خود را فوراً تحویل بگیرند.

خبر سوم:

هواپیما های جا مبعوث نظامی نیروی

هواشی که مخصوص محموله های نظامی است را آرم هواپیمای ملی ایران - هما که مخصوص حمل مسافران زده اند و مدتی است این هواپیما های ظاهراً سا فربری از کره جنوبی لوازم و قطعات بیدکی نظامی وارد میکنند. قیمت این محموله های نظامی که بطور غیر مستقیم (از طریق کره جنوبی) از آمریکا خریداری میشود گاه به گاه ۸۰۰ درصد قیمت معمولی میرسد.

البته هواپیما های ملی ایران - هما نیز تعدادی هواپیما جا مبعوث (بوشینگ ۲۴۷) در اختیار رادار دولتی رژیم جمهوری اسلامی بنا سفیر آرم هواپیما های نظامی خود روابط با آمریکا و خرید سلاح از آن را پرده پوشی مینماید. این اخبار موقش گوشه ای از واقعیتات دوران ارتش شما خسته و یک شبه "مسلمان و مکتبی" شده را فاش میسازد و نشان میدهد که ارتش ابزار سرکوب و چماقی است که بوسیله رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی علیه کارگران و زحمتکشان بکار میرود.

وفا داری ارتش به امپریالیسم آمریکا از ذات آن نشأت میگیرد. اینجا است که صحت نظریه نیروهای راستین کمونیستی و انقلابی زمانیکه میگفتند این ارتش آمریکا می باشد منحل شود و بجای آن ارتش خلقی قرار گیرد یکبار دیگر ثابت میشود. اینجا است که صحت نظر کمونیستهای راستین زمانیکه میگویند رژیم ارتجاعی شما تواننده امپریالیست باشد یکبار دیگر اثبات میگردد.

مرگ برا امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی! مرگ بر ارتش آمریکا! برقراری دیموکراسی در جمهوری دیموکراتیک خلق! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۹/۹/۲۲



گسترش دهد و در توارن نیروها نقش تعیین کننده داشته باشد. دکتر سنجابی که قبل از جنگ به تعبیر آیت الله خمینی می بایست "گورش را کم میکرد" (اشاره به سخنان تیرماه آیت الله) اینک با دستور خود آیت الله، به قدرت خواندند و فتوایهای غرب کشور توسعه میدهد و در صدد تشکیل "اتحادیه بر علیه دهقانان و زحمتکشان روستای غرب کشور بر می آید. آیا با زهم بایست تردید داشت که این سرمایه داران، زمین داران و خوانین هستند که از این جنگ ارتجاعی و تحمیلی سود میبرند. نیروهای انقلابی بسا تشکیل این اتحادیه ارتجاعی وظیفه بس سنگین - تری در ارتباط با آکا ه کردن عشا بیرو دهقانان زحمتکش غرب برای مقابله با توطئه های متحدانه خوانین و فتوایهای غرب دارند. وظیفه ای که جنگ کنونی بمراتب سنگینتر کرده است.

"با استفا ده از اعلامیه سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار - کرمانشاه - ۵۹/۹/۷"

ملاحظات کوتاه

کی بود کی بود؟ من نبودم!

"شکند در زندان هست یا نه؟" اینهم بسک، بازی تازه است. به فطرت رژیم جمهوری اسلامی بلکه هیچ رژیم ضد خلقی هر اندازه هم رسوا باشد، "راستا حسینی" نمی آید که بگویند من شکند گرهستم! مگر شاه با آن ناخن کشیدنش و شلاقها و آبولوها و... چنان اعتراضی میکرد؟

از فردای غیام هر عنصر انقلابی کوچک یا بزرگ، دختر یا پسر که گرفته اند و فیمیده اند که سرمایه داری را زیر سوال میبرد و برای ادامه کاری انقلاب دموکراتیک ضد امپریالیستی خلقهای ایران میرزمدان و ارتجاع فاش را قسرار داده اند.

گیرم در جمهوری اسلامی، پاسداران و زندان - سبانیان مکتبی فحش میدهند (آنهم از کیکترین و شرم آورترینش) بعداً ستم را می گذارند - نصیحت و ارشاد! شلاق (همان کابل) میزنند - البته با اجازه کامر شروع و بنا مدشرعی! ماهها زندانی سیاسی انقلابی و کمونیست را در سلول - های انفرادی "شما خسته" میاندازند تا پوست سیاندا زد (نمونه اش رفیق شهبان و بسیاری از کارگران و انقلابیون کرد) بعداً ستم را می - گذارند "تادیب"! با پوتین به چانه یک دختر مجاهد گرفته اند، گاه برای رفتن ماب "جرم" فروش پیکار چندی را محنه اعدا منمائی ترتیب داده اند و نمونه های فراوان که اندکی از بسیار آنرا کمونیستها و نیروهای انقلابی افشا کرده اند.

بنی صدر، این رویا مکار ریورژوا - لیبرال زمانی که شکند زید - بان انقلابی و محاکمه های چند ساعتی و چند دقیقه ای! آنان فجایی نظیر قتل توماچ ها و مسعود صالحی ها و اعدا مکتب - اندامها را بیا دمی و در حرفی نداشت و تا بیدم میگردولی حالا که "میثاق وحدت" با همگام - های حزبی اش در نتیجه مبارزات توده ها شکاف برداشته همان قضیه شکند را بر سر حریف میکوبد و آیت الله خمینی که از اول همانطور که خودش تا کید میکرد از همه زیر و بمها مورا اطلاع داشت، حالا هیات تحقیق (که وابستگی به هیچ گروهی نداشته باشد!) را روانه میکند که بررسی نمایند آیا این تکرار همان قضیه "ما اطلاع نداشتیم" و به "کوچه علی چپ زدن" های در دوره رژیم گذشته نیست؟ آیا این تکرار همان داستان قدیم که "اطرافیان" بدهستند و نمی گذارند کارها سر و صورت بگیرد نیست؟

توده های آکا ها خرابی اوضاع رانه از بداندیشی "اطرافیان" بلکه آزارناشی از ماهت رژیم ورهبری کشور می دانند. توده های خلق ما که تجربه سالها مبارزه را پشت سر دارند

جنگ ولادرت گیری خوانین غرب

بر طبق اخبار رسیده "دکتر سنجابی" که به سفارش بنی صدر از سوی آیت الله خمینی در راه بسیج عشا پیری قرار گرفته بود با مکاناتی که ارتش در تسلیم عشا پیر عرب و سازش با ایمل قلخانی برای خوانین غرب کشور (در اکثر گسترش جنگ ارتجاعی کنونی) بوجود آورده که منجر به تضعیف با ندجلال پولکی (رئیس قبلی سپاه پاسدار - ان کرمانشاه و از سران گروه "شیت") و حزب جمهوری اسلامی و افراد مسلح مادی خلخالسی کشته است. با پشتیبانی ارتش و لیبرالها دامنه فعالیت خود را وسیعتر می نماید. دکتر سنجابی پس از نزدیک کردن خوانین و تشکیل و گسترش "سازم بسیج عشا پیر" اقدام به تشکیل "اتحادیه عشا پیر" و در حقیقت "اتحادیه" خوانین غرب کرده است تا بتواند قدرت خود را در غرب کشور

بقیه از صفحه ۲۸ **جرائم**

آن رویزیونیستهاست. حال این سؤال مطرح میشود که چرا نشریات رویزیونیستها ممنوع الاشار نمی باشد؟ علت اینست که رویزیونیستها شوکر بورژوازی می باشند. رویزیونیستها به طبقه کارگر کاملاً خیانت کرده و مدافع طبقه سرمایه داری - با شدند. جریانات رویزیونیستی ظاهراً مخالف سرمایه داری میباشند، ولی مدافع دولتی میباشند که حافظ و پاسدار رهمین سرمایه داری است. رویزیونیستها برای آنکه شوکری خود را خوب انجام دهند به جنبش توده ها و کمونیستها و انقلابیون می سازند و همه جناحیات رژیم کاملاً توجیه کرده و موجه جلوه میدهند. وقتی حزب توده و حزب رنجبران و چریکهای فدائی (اکثریست) جناحیات ارتش آمریکا طی اسلام آورده رادیکالستان و ترکمن صحرا و... تا شید میکنند، وقتی آنسان برای قتل عام توده های زحمتکش توسط پاسدار و جاش و ارتشی در "ایندر قاش" و "صوفیان" کف میزنند و هورا میکنند، وقتی آنان اعلام کمونیستها توسط جلادان رژیم را مورد تحسین و تائید قرار میدهند، وقتی آنان از هیات حاکمه ارتجاعی حمایت فعال کرده و از سرمایه داری وابسته حاکم دفاع میکنند، آری وقتی رویزیونیستها تمام این خیانتها را به اوج میرسانند چرا و بجهت دلیل بورژوازی حاکم به آنها امتیاز ندهد؟ آیا رژیم نفرت انگیز جمهوری اسلامی مانند هر رژیم ارتجاعی دیگر "حق خوش خدمتی ها و شوکر صفتی های رویزیونیستها را نباید بدیدارد؟ اگر رژیم حاکم به روزنامه "مردم" (حسرتزب توده) و "رنجبر" (حزب رنجبران) اجازه انتشار میدهد دقیقاً در همین رابطه قرار میگیرد. البته "کار" اکثریت اگر چه بعد از دیدار رهبریتی منفور و سران رویزیونیست این سازمان، بطور ضمنی اجازه انتشار پیدا کرد، اما برای اینکه مانع سایر نشریات رویزیونیستی اجازه پخش وسیع یا بدینا به خواست بورژوازی، رویزیونیستهای اکثریتی شوکر صفتی بیشتری با بدبخرج دهند بنا بر این روشن است که دولت سرمایه داران در مقابل شوکری رویزیونیستها به آنان پاسا داش میدهد و نشریات فدا انقلابی آنها را ممنوع - الاشارت نمی سازد. در همین مورد لنین میگوید: "دولت ها گاه ها و گداری پست های وزارت... به پیشوایان سوسیال شوینیست و گاه با دادن انحصار فعالیت علنی و بلا مانع به آنان... آنها را مورد پاداش قرار می دهند" (اپورتونیسیم و ورشکستگی انترن - سیونال دوم)

آری دولت سرمایه داران در همان زمان که ظالمانه ترین سیاستها را در قبال کمونیست های راستین در پیش میگیرد، دوستانه ترین سیاستها را در مورد رویزیونیستها به اجرا در می آورند. و این به خاطر آنست که کمونیستها وفادار به انقلاب و طبقه کارگر هستند. حال آنکه رویزیونیستهای خائن شوکران بیمقدار سرمایه داران و کلیه مرتجعین میباشند.

بقیه از صفحه ۴۰ **اخبار**

روستا نیز از سخنان آنان استقبال نموده و از پیشمرگان خواستند که آنها را ترک نکنند و در میانشان بمانند.
(بمنقل از خبرنا مه ۹۵ کومله)

۳۰ ارتشی و پاسدار توسط پیشمرگان کشته و زخمی شدند

بانه ۵۹/۸/۲۶

سحرگاه این روز ستونی مرکب از یک تانک و چند نفر برزخی، ۷ زیل، یک جیب و یک آمبولانس حامل ارتشی و پاسدار رگه زحمت آتش سلاحهای پادگان و سایر یگانها ای اطراف شهر بر خودار بود، بطرف روستای "بوئین سفلی" براه افتاد. عده ای از افراد نیروهای سرکوبگر که قبلاً وارد آبادی شده بودند، به منازل مسکونی و مغازه های روستا هجوم برده و بنا بر اعلام مردم پراختند، آنها لی آنجا که قبلاً از نقشه پلیس دشمن با خبر شده بودند، روستا را ترک کردند. ستون پس از آن در نزدیکی آبادی به کمپین پیشمرگان کومله، دمکرات و چریکهای فدائی (جانبداران) افتاد و مورد حمله آتش خمپاره انداز و آرمی جی و سلاحهای سبک قرار گرفت. این حمله با فلنگیرانه پیشمرگان دشمن را سرا سیمه کرده بطوری که پس از چند ساعت نیروها ی خود را جمع و بطرف شهر عقب نشینی کرد. پیشمرگان در حالیکه با روحیه عالی ابتکار عملیات را در دست داشتند ستون را تا چهار کیلومتر - متری شهردنبال کرده و مرتب آن را مورد حمله قرار دادند. بطوریکه یک آمبولانس و یک نفری از افتاد، همچنین بر طبق آخرین اخبار رسیده ۳۰ نفر از افراد دشمن کشته و زخمی شدند. در این یورش تنها یکنفر از اهالی روستا زخمی میشود. پیشمرگان بدون هیچگونه تلفاتی به پایگانهای خود مراجعه نموده و مورد استقبال گرم روستائیان قرار گرفتند.

این پنجمین باری است که نیروهای سرکوبگر بطرف روستای "بوئین سفلی" یورش برده و با شکست روبرو میشوند. آنان در دفعات قبیل نیز متحمل تلفات سنگین شده و شکست خورده به شهر بازگشته اند.

بشیتبانی بی دریغ زحمتکشان روستاهای اطراف محل درگیری در رساندن غذا به سنگرهای پیشمرگان قابل توجه بود. این پشتیبانی همواره باعث بالا رفتن روحیه پیشمرگان و اعتلا بخشیدن به جنبش مقاومت خلق گردیده است. پشتیبانی بی دریغ روستائیان از پیشمرگان نشان میدهد که جناحیات رژیم جمهوری اسلامی در "ایندر قاش"، "یوسف کند"، "صوفیان" و "سروکانی" خللی در اراده خلق رزمنده کرد و در ادامه مقاومت عادلانه اش بوجود نمیآورد، بلکه آماده تراز همیشبه مبارزات خود ادامه میدهد.
(بمنقل از خبرنا مه ۹۴ کومله)

ملاحظات کوتاه

از باری "کی بودگی بود؟ من نبودم" که رژیم در زمینه های مختلف منجمله در مسئله شکنجه راه انداخته گول نخواهد خورد. آنها هم جرم را بخوبی می شناسند هم مجرم را که همان کل رژیم یعنی رژیم جمهوری اسلامی می باشد. ★★

**گاو ما شیر نمیده
ما شاله... ش!**

حجت الاسلام فردوسی پور "نما بنده طیس" در مجلس پیشینها داده است که:
"اگر میخواهید جمهوری اسلامی تثبیت شود و شیطان ریشه کن، دولت با بدسازمان تحقیقاتی درسرا سرکشور برقرار کند. بدون یک سازمان تحقیقاتی به جای سازمان امنیت، رژیم جمهوری اسلامی تثبیت نمیشود" این اولین بار نیست که برای تثبیت رژیم جمهوری اسلامی، به پلیس مخفی، سازمانهای امنیتی و جاسوسی متوسل میشوند، بشما رژیم: (۱) بلافاصله بعد از قیام "سا و ما" (سازمان اطلاعات و امنیت ملی ایران) بر راه انداختند و از کارشان سا و اک و شیوه ها و پرونده های آن کمک گرفته شد. (۲) تفتیش عقاید در کارخانه ها، مدارس، ادارات همه جا و همه جا حتی درون مساجد و "حوزه علمیه قم" علیه طلاب جوان و انقلابی براه افتاد (۳) حزب جمهوری اسلامی کمیته مبارزه با سازمانها و احزاب سیاسی تشکیل داد (۴) سپاه پاسداران و کمیته ها در محلات شهرها را علامه دادند که هر خبری از نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها را رید اطلاع دهید. (۵) کمیته های با صلاح پاساکی هم البته از قافله عقب نماندند و کاری کردند که رژیم تویش در مانده و می خواهد بسیاری از اراخا حیا را اگر کمونیست و مجاهد نباشند بکار بگرداند! حالا از تبلیغات و تحریکاتی که در نمازهای جمعه و مجالس روزه خوانی علیه نیروهای انقلابی میشود مردم نا آگاه را به جاسوسی و فعالیت پلیسی و امیدارند فعلاً حرف نمی زنیم.

باری با همه این ها که جزئی از اسرار سرکوب توده ها بدست رژیم بوده است کاری بر - نیامده و اعتلای انقلابی هر روز اوج تازه ای می گیرد. اما طبقات ارتجاعی که از دست مبارزات توده ها کلافه شده اند که چاره ای ندارند با هم با بدبها همان ابزارهای قدیمی یعنی سرکوب و پلیس و فریب متوسل شوند. رژیم جمهوری اسلامی از حل مشکلات مردم عاجز است. ما شاء الله - مشکلی آفریندنهایش!

بقیه از صفحه ۲۸ **شکنجه** ...

و بعنوان مجریان عدالت "خواهان مجازات شکنجه‌گران میشوند" آنها اگر چنین شکنجه‌گرازی با شما معمولاً کم سیونهای تحقیق تنها موارد معدودی ضرب و شتم را که بهیچوجه شکنجه محسوب نمیشود در گزارش میکنند امثال میخواستید؟ خوب میتوان مثال مشخص شکنجه در زمان شاه خائن را آورد. شاه مزدورتا زمانیکه جنبش توده‌ها اوج نگرفته بود، منکرو وجود هرگونه شکنجه‌ای در قتل‌گاه‌های کمیته‌ها و این میشد تا آنهانگام از زور و صلیب سرخ و سازمان عقوبت‌الملل و سازمانهای بین‌المللی مربوط به این مسئله جلوگیری می‌کرد، اما وقتی جنبش توده‌ها اوج گرفت، کمیسیون ویژه ایجاد کرد و به برخی "برخوردهای نادرست" نسبت به زندانیان نیز اعتراف نمود و عروسکهای خیمه‌شب‌بازی در مجلس مسخره شاهنشاهی به استیضاح ساواک مشغول شدند تا رژیم را بی‌بوشا نند، اما لیبرالها چه میکردند؟ آنها تا وقتی جنبش توده‌ای مطرح نبود، خفقان گرفته بودند، اما تا نسیم انقلاب وزید، بی‌کبار به یاد شکنجه‌وزندان ساواک افتادند، نامه پراکنی به علی‌حضرت "در اعتراض به شکنجه شروع شد و بلافاصله کمیسیونهای دفاع از زندانیان سیاسی از سوی لیبرالها تأسیس شد، تا شاید توده‌ها را بفریبند و خود را "آزادخواه و انقلابی" جا بزنند و از بنظر طبق جنبش توده‌ها را فروکش دهند و به نفع و نوازشی برسند. حکایت اکنون نیز با ردیگر تکرار شده است رژیم جمهوری اسلامی به با زسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته و سرکوب انقلاب مشغول است، انقلابیون با امپریالیسم و ارتجاع می‌ستیزند، ارتجاع حاکم انقلابیون را به بند میکشد و وحشیانه‌ترین و قرون وسطایی‌ترین شکنجه‌ها را در مورد آنها بکار میبرد (کم ما در جای دیگر به آن خواهیم پرداخت)، لیبرالهای مرتجع نیز که جنبش توده‌ها را می‌بینند، برای سوار شدن بر جنبش و دست آوردن مواضع قدرت رقیب، از شکنجه سخن میگویند و حزب جمهوری اسلامی و آیت‌الله خمینی که تاکنون در جمهوری عدل اسلامیان "بهشت" ساخته بودند، "و استغفرالله" شکنجه‌وزندان ندا شدند! حال که بیش از پیش رسوا شده‌اند، سخن از کمیسیون ویژه برای تحقیق شکنجه میگویند، اما کاری به این نداریم که نتیجه این کمیسیون تحقیق رژیم رسوا و سنگین جمهوری اسلامی را در خطر قرار ندهد! نخواهد داشت! نتیجه تحقیق از همین حال معلوم است! بهر حال سخنان آیت‌الله خمینی در مورد شکنجه (مطبوعات ۱۹ آذر) حاوی این واقعیات است:

۱ - خفقان و سرکوب‌گرازی انقلاب‌وزندانها و شکنجه را بعنوان عواملی برای بقا جمهوری اسلامی این رژیم سرمایه‌داری حافظ منافع امپریالیسم، حتمی و ضروری ساخته است.

۲ - جنبش توده‌ها، چهره‌گریه رژیم را بیش از پیش به توده‌ها نمایانده و می‌نمایاند.

۳ - لیبرالها در این میان درسی فریب‌توده‌ها و سوار شدن بر جنبش هستند و چنین است که کسانی که خود در کشتار رهبران خلق ترکمن و سر - کوبگران خلق کرد و کشتار کمونیستها (بنی - صدر، با زرگان و...) با رقیبشان همدست بوده - اند، دم از شکنجه مردم توسط جناح رقیب میزنند

۴ - در چنین شرایطی است که حزب جمهوری اسلامی و "حامی" اش، آیت‌الله خمینی محیور به یک عقب‌نشینی میشوند و ناگهان بفرگشتن می‌افتند. صدها لاله زخون شهیدان انقلابی در شکنجه‌گاه‌ها و میدانیهای تیر و کوردستان قهرمان و ترکمن صحرا و... روئیده، تجاوز و کورکردن، شلاق - زدن نقض عضو انواع شکنجه‌های دیگری شدیدترین وجه توسط رژیم انجام گرفته و میگردد اما حالا که رژیم رسوا شده است بفرگشتن افتاده است! اما سخنان آیت‌الله خمینی چه کسی را می - تواند بفریبند، مگر همین آیت‌الله خمینی نبود که گفت در میدانها برای انقلابیون جوبه - های در برپا خواهد داشت (مردا ۵۸۰۰) و مگر همین آیت‌الله خمینی فرمان شدت عمل را با کمونیست - ها و مجاهدین ما در تکرده است؟ حزب جمهوری اسلامی، لیبرالها و آیت‌الله خمینی و هر نیروی دیگری ما ننند آنها برای نجات حکومتی که حافظ منافع سرمایه‌داری و امپریالیسم است، ناچار به شکنجه انقلابیون هستند. منتها اگر شاه بسا شکنجه توانست حکومتش را ادا دهد، این نیز بجا نهند تا نیست

۵ - دستور آیت‌الله خمینی و بدنبال آن نامه ۱۱۵ نماینده حزب جمهوری اسلامی یا متعابیل به حزب در این مورد نشان میدهد که سخنان آیت‌الله نه بخاطر مخالفت ایشان با شکنجه و شکنجه‌گران بلکه برای جلوگیری از رسوا شسی بیشتر در نزد توده‌ها و نیز خلق سلاح جناح رقیب که می‌گوشد، با استفاده از نقاط رسوای جناح حزب رقیب، احکام بخشد میباید. این بخشی از نامه نمایندگان حزبی به آیت‌الله خمینی به اندازه کافی گویاست.

۶ - در صورت ناچیز بودن موارد تخلف ضمن رسیدگی به آنها (منظور شکنجه است) متخلف تشبیه و عنا مرق را که اینگونه ضعف‌ها را در حدی بزرگ مینماید که موجب تضعیف دولت جمهوری اسلامی توپا فراهم می‌آوردند شاسی و بسه ملت مسلمان و انقلابی ایران معرفی نمایند (جمهوری اسلامی ۲۵ آذر)

بدین ترتیب از یکسو نمایندگان حزبی به لاپوشانی قضیه "کی بود کی بود، من نبودم" افتاد، و از سوی دیگر به جناح دیگر یعنی لیبرالها نیز حمله و می‌شوند. ننگتان با دکه شکنجه، انقلابیون و زحمتکشان نیز از سو استفاده در جنگ قدرتتان دور نمی‌ماند! ☆☆☆

بقیه از صفحه ۲۸ **بمناسبت** ...

شاه در اختیار انقلابیون اسیر قرار داشت، اکنون توسط رژیم جمهوری اسلامی از زندانها جمع آوری میشود. انقلابیون و کمونیستهای اسیر در کتا رمزدوران رژیم پهلوی قرار دارند و بدین ترتیب تحت شکنجه روحی قرار میگیرند. به انقلابیون و کمونیستها مدام شلاق زده می - شود و نام این شکنجه قرون وسطایی را رژیم خود و تعدیرات گذاشته است، خلخال، بهشتی و... هم از این حدود اسلامی سخن میگویند و حاکم شرع جلال "ری شهری"، شلاق زدن زندانیان را مطابق دستورا سلام لزومی میداند، او میگوید: "اگر مقصود از شکنجه تنبیه‌ها می‌باشد است که اسلام بعنوان حدود و تعدیرات مطرح میکند، اگر مقصود اینست ما منکر نیستیم زیرا دستورا سلام است." (کیهان - ۱۳ آذر)

آری با ردیگر نعره‌های سرشار از درد اسیران در زندانها بلند شده است. این بار بجای حسین و عضدی و رسولی، ما شاه و قصابها و خلخالها و کجوشیها و دهها لایمپن چاقوکشی فاسدینسام روسای کمیته‌ها و سپاه‌داران قرار دارند. بار دیگر فریادهای پرغرور زندانیان در بند که زیر شکنجه از دادن اسرار زمانی ابا میکنند درس مقاومت و پایداری میدهند و اینک اعتصاب غذای پرغرور زندانیان سیاسی، حکایت از کشیده شدن جبهه‌های دیگر از مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم میدهد. باران در بند، از پشت میله - ها دستانتان را بگرمی میفشاریم، بوزخهای شکنجه‌تان بوسه میزنیم و با شما می‌خوشیم تا خلقمان آزاد گردد.

مسئله جالب در مباحثات هفتگه گذشته زندانیان سیاسی، خبیانت رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) است آنها در زندان رژیم نیز از تکرار جمهوری اسلامی دست برنمی‌دارند، شلاق میخورند، اما برای جلادانشان آرزوی موفقیت میکنند! چنین است، وقتی که رفقای بی‌کار و رگور دیگر نیروهای کمونیست متحدینما دوستان مجاهد دست به اعتصاب غذا می‌زنند، رویزیونیستهای آن را تحریم میکنند، چرا که نمی‌خواهند بسوزوزای ارتجاعی و شکنجه‌گرفته‌تضعیف شود. اما خلق ما علی‌رغم خبیانت رویزیونیستهای حقیر با ردیگر برخواهد خواست و با شعار "زندانی سیاسی انقلابی به همت توده‌ها آزاد می‌گردد" قفسهای تنگ دژ خیانت را در هم خواهد کوبید و فرزندان خلف قهرمانش را آزاد خواهد کرد، تا همچنان بجز آگاهی و انقلاب بکارند.

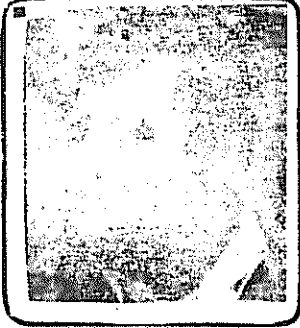
اعتصاب غذای زندانیان سیاسی رژیم شکنجه‌گر و جلاد را رسوا تر میکند - همانطور که در زمان شاه اینچنین شد. شعار زندانیان سیاسی انقلابی بهمت توده‌ها آزاد می‌گردد" را با ردیگر میباید توده‌ها بپریم - همانگونه که در زمان شاه خاشاک بردیم.



ننگ و نفرت بر شکنجه‌گران و زندانبانان رژیم جمهوری اسلامی

رهنمود به هواداران داخل و خارج کشور در مورد مبارزه در جهت آزادی زندانیان سیاسی انقلابی

رفیق حسنعلی شهبازی نفتگر انقلابی آزاد باید گردد!



دلوری که قهرمانانها عصابات شرکت نفت را بر علیه شاه خائن سازماندهی و رهبری میکرد انقلابی ای که فعلا نه در برپائی شوراهای کارگری پس از قیام مبهمن میکوشید، رفیقی که دلورا نه با شاه مزدور، امیریا لیسما و رتجاع نبرد میکرد، اکنون در بند جمهوری اسلامی است. رفیق شهبازی کاندیدای مورد حمایت سازمان در آغا جاری که زحمتکشان آغا جاری همسوار مبارزان را بیاد داشته و خواهد داشت. بنسب اتفاق رفقای شهید منوچهر نیک اندام و محمد اشرفی دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفت. تنهیا جرم این رفیقان عشق به زحمتکشان بود. رفقای قهرمان شهبازی، اشرفی و نیک اندام مدرسی - دادگاههای جمهوری اسلامی دلورا نه از آریاسان دفاع کردند، دورفوق اخیر در پیدا دکاهای سدور وکیل مدافع و فقط در عرض چند دقیقه محاکمه و سپس تیرباران میشوند. دورفوق شهبازی بحاضر معروفیتش در نزد تنوده ها، به ۱۵ سال زندان محکوم گردید. خلقهای قهرمان ما خواهان آزادی این انقلابی و فدا دار به زحمتکشان هسد، نرم اگر جرئت دارد و از آگاهی نوده ها نمی ترسد، دادگاههای علنی برای رفیق شهبازی سرساز دارد تا خلق دریا بد که چه کسی یا کسائی ما بدجا کند شوند و چه کسائی خائن به خلق و باغای حلسد مبارزان خود را برای آزادی همردانان انقلابی دربند، از جمله رفیق شهبازی، تیرباران بخنیم.

رئیسدادان سیاسی و فرهنگی
سازمان آزادی و مبارزه

- ۱ - اگر "کلنجی" دبیر فدریک سازمان است حساب تدریس کند خودش کار رود.
- ۲ - اگر دبیر مذکور را تیرباران کردید، در دادگاهش آموزان دوبراه محسن خواهد کردید.
- ۳ - بنسب ترتیب دادان آموزان انقلابی در زندان و تانایم انقلابی خود را در زندان و تانایم دبیرسان را با حلسد بنسب وادار بر سر

نخابتند
۳ - هم اکنون مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، تبدیل به یکی از شعارهای مبارزاتی ما گشته است. بدین ترتیب تمامی رفقا موظفند به افشای جنایات رژیم در نزد تنوده ها و بخندوس نزدیکان و زحمتکشان بپردازند. نشریات محلی و فابریک، شعارهای روی دیوار و تبلیغات شفاهی در میان زحمتکشان علاوه بر محوردهای اصلی چون افشای جنگ، آوارگان و... بایستی مسئله زندانیان سیاسی را نیز در بر بگیرد.
۴ - کلیه رفقا موظفند، با ارائه نمونه ها و فاکت های مشخص از شکنجه های رژیم جمهوری اسلامی نسبت به زندانیان سیاسی انقلابی و مقایسه آن با شکنجه های رژیم آریامیری، به افشای جنایات رژیم در نزد تنوده ها بپردازند و ما هیت ارتجاعی و ضد خلقی بودن آنرا بر ملا سازند.

زندانی سیاسی انقلابی به همت تنوده ها آزاد باید گردد! ننگ و نفرت بر تنکجه گران و زندانیان رژیم جمهوری اسلامی! درود بر زندانیان انقلابی مبارزی که در شکنجه گاهای رژیم پرچمقا و مست را همچنان برافراشته نگذاشته اند! سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۵۹/۹/۲۵

مطرح خواهند کرد.
دانش آموزان انقلابی در جواب ایمن اظهارات بی شرمانه گفتند: "اگر ریگی در کفشان نیست چرا از اجرای این خواسته های من ترسید و در زمان شاه نیز به ما می گفتند که درس بخوانید شلوغ نکنید و ما را به تعطیل و انحلال ندرتسه تهدید میکردند. بی فرق شما با آنها چیست؟" با این سخنان، "نظامی" نماینده مدیرکل که پیش از پیش مفضح شده بود با ناراحتی محل محسن را ترک کرد. آنکا مسئولین دبیرستان خواستند از طریق والدین دانش آموزان محسن را بنکسند، اما ما با مقاومت و فداکاریهای دانش آموزان انقلابی برای سازمان دبیرستان خواستند دانش آموزان انقلابی شد و توافق نامه ای شرح زیر توسط یکی از والدین به امضای دبیر دبیرستان و دبیر مذکور رسید:

- ۱ - شورای دانش آموزان بعنوان ناظر بر سر مرجع تصمیم گیری در دبیرستان تشکیل شود.
- ۲ - اسبابات تربیت اول بین اردوین دانش آموزان جدا برقرار شود.

رفقا!
همانگونه که اطلاع دارید، رژیم در جهت باز سازی سیستم سرمایه داری وابسته و سرکوب انقلاب، خفقان سرکوب و کشتار را گسترش بیشتری داده است. در این میان آموزش به کمونیستها و دیگر انقلابیون و زندان، شکنجه و تیرباران آنان بیش از پیش افزایش یافته است. در شرایط کنونی چند هزار زندانی سیاسی انقلابی در سباجاهای رژیم در بدترین شرایط و تحت شکنجه جسمی برند، اما همچنان به آرمسان انقلابیسان وفادارند، مبارزه در جهت رها یی این یاران در بند جزء جدایی ناپذیر نبرد برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع داخلی است. به همین منظور:

- ۱ - رفقای دانشجوی خارج از کشور موظفند، دست به تظاهرات، راهپیماییها و اعتصاب غذا بمنظور پشتیبانی از زندانیان سیاسی دربند بزنند.
- ۲ - رفقای دانشجوی خارج از کشور موظفند با تبلیغات گسترده، توجه نیروهای ترقیخواه بین المللی را به آنچه که اکنون در زندانهای رژیم میگذرد جلب کرده تا این نیروها و سازمانها که در زمان شاه خائن نیز در جهت بهبود وضع زندانها و افشای رژیم حرکت نمودند، رژیم جمهوری اسلامی را برای باز دید وضع زندانها تحت فشار بگذارند و هر چه بیشتر رژیم را کمرباروا

بقیه از صفحه ۷ زاهدان...
۴ - ایجا دو تنظیم فعالیتهای فرهنگی و هنری و فوق برنا مه زیر نظر شورای دانش آموزان.

روزیکشنبه ۹/۱۶، "نظامی" نماینده مدیرکل آموزش و پرورش به محل محسن آمده و مثل سایر مهره های رژیم با توسل به چماق "حک با عراق" و اینکه عمل دانش آموزان فدا انقلابی است، دانش آموزان انقلابی را تهدید کرد. اما شکستی داده و او گفتند: "ایجا دشوار در دبیرستان هیچ ربطی بدحت ندارد و تا زه اگر مسئله، انقلاب است، ایجا دشوار و نبود کیفیت در سباجاهای کاسهای بزرگی در راه انقلاب هستند." نماینده مدیرکل که در مقابل پاسخ کوبنده دانش آموزان ترا گرفتند و با بنسب ترتیب میگوید: "تعاون یک برادر بزرگوار شما میخواستیم بر کلاس برود و در این نوعت اگر شما شلوغ بکنید دبیرسانهای دیگر نیز شلوغ میکنند و اگر ما بدخراسته های شما یا سخ منبت بد هم تیردا کلاس ها و دبیرسانهای دیگر همسب خواسته ها را

زندانی سیاسی انقلابی به همت تنوده آزاد باید گردد

شکنجه تست رسوائی
رژیم از پامها افتاده است
چرا آیت الله خمینی کمیسیون
تحقیق تشکیل می دهد؟

باد اشتغالی نییاسی هفتتله

بمناسبت اعتصاب غذای
زندانیان سیاسی در هفته گذشته
یاران انقلابی دربند را بلوردیگر
باید خلقهای ایران آزاد کنند!

بگذارید حکایتی که همه جا و همیشه در کشور -
های تحت سلطه تکرار میشود را برایتان بازگو کنیم
■ - استخما روحشیا نه کارگران و دیگر طبقات و
اقشار غلظی که بسیا رشید ترا ز کشورهای امپریا
- لیمستی انجا م میگیرد ، لزوم سرکوب خشن
زحمتکشان را مطرح میکند ، استخما روسکوب
توده ها آنقدر رشید است که لیبیرا لیم منحصط
بورژوازی نیز از سوی این رژیمها مراعات نمی
- گردد ، مبارزات توده ها شدید ، سرکوب و کشتار
زندان و تیرباران و شکنجه امری طبیعی است .
■ - در زندانها ، انقلابیون بشدت شکنجه میشوند
اما رژیمهای حاکم وجود شکنجه و زندان نیان سیاسی
در کشور خود را تکذیب میکنند ، تا وقتی که جنبش

توده ها اوج میگیرد .
■ - با او جگری جنبش ، لیبیرالها برای فریب
توده ها پا به میسان میگذازند و کمانی که تسلا
کنون با دیگر نیروهای ارتجاعی دما زبوده اند
" انسا ندوست و آزادیخواه " میشوند و به وجود
شکنجه و زندانی سیاسی که دیگر واقعیتش آشکار
و مسلم است اعتراض میکنند تا نا بد خود را بر سر
ا مواج جنبش توده ها سوار کنند .
■ - در این هنگام است که رژیمهای شکنجه گر
ناگهان به این فکرمی افتند که برای فریب
توده ها ، واقعیت رسوائ شکنجه ، زندان و تیر -
باران انقلابیون را به نوعی توجیه کنند ،
کمیسیون های تحقیق ، بازرسی و ویژه ... را
به زندانها میفرستند ، در درد شکنجه سخن میگویند
بقیه در صفحه ۲۶

هفته گذشته صدها تن از زندانیان سیاسی
قهرمان در تهران و شیراز دست به اعتصاب غذا
زدند این اقدام انقلابی اعتراضی است به
جنایات و وحشیگریهای رژیم جمهوری اسلامی
" زندانی سیاسی " چه مبارز انقلابی دارد این
کلام برای خلقها یمان ! این کلام بیری است
برای زحمتکشان آشناست ، دلاورانی که برای
نابودی امپریالیسم و ارتجاع از جان فشان می -
گذرند ، در کارخانه ، مزرعه ، دانشگاه و مدرسه و ...
بذراگانه میکارند ، بجرم پخش اعلامیه ، فروش
نشریه ، بحث آگاهان و افشای دشمنان توده -
ها و بالاتر از همه بخاطر عقایدشان ، که چیزی جز
عقیده برای رهائی توده ها از قید امپریالیسم
نیست ، به شکنجه گاهها برده میشوند و مشت -
مزدورجانی با شلاق بیکرشان را خونین میکنند
چندین جلاد با مشت و لگد به جانشان می افتند به
آنها تاجا وز میکنند ، در سرما و سیاهای محبوس
- شان میسانند ، چرا که رژیم از انقلاب و
انقلابیون وحشت دارد ، تا آنچه که امروز رژیم
جمهوری اسلامی سر سر چند هزار نفر زندانی
سیاسی انقلابی می آورد ، حدیثی تازه نیست .
رژیم شاه نیز چنین میکرد و جمهوری اسلامی
بخوبی نشان داده است که جای پای شاه و شکنجه
- گران معروفش گذاشته است .

سرحدی زاده ، یکی از دوغیمان زندانهای
قرون وسطایی رژیم جمهوری اسلامی میگوید :
" اینکه (وضع زندانها) چیزی نیست ، ما
بهای ، ۶۰۰ زندان ، ۶۰۰ نوع کورستان (برای انقلابیون)
خواهیم ساخت " . دوغیمان جمهوری اسلامی به
آنچه سرحدی زاده گفته است ، تاکنون بخوبی
عمل کرده اند .

در سیاهای مخوف رژیم ، انقلابیون
بسیاری تاکنون سربسته شده اند ، چگونگی
محا کمه رفقای انقلابی شهید نیک اندام و اشرفی
را (در پیکار ۸۵) دیدیم ، رفقا توماج ، واحدی ،
سمودمالی را دو طیب نجم الدینی نیز پس از
دستگیری در همین زندانها بشهادت میرساند و
اجسادشان را به بیابانها می برند ، تاجانیشان
را بیخوشانند آن رفیقانی نیز که تیرباران نشده
- اند ، در بدترین شرایط زندگی قرار دارند .
وضع غذاها فوق العاده بد و مسموم کننده است .
انقلابیون زن شدیداً مضروب و مورد آزار
قرار میگیرند ، را دبوکتا ب که در زمان رژیم
بقیه در صفحه ۲۶

صدویکمین سالگرد تولد استالین رهبر پرولتاریای جهان گرامی باد!



مقاله گرامیداشت رفیق استالین بملت تراکم
مطالب در شماره آینده چاپ خواهد شد



چرا نشریات روئیزیونیستی ممنوع الاتشار نمی باشند؟

تا بد افرادی باشند و از خود بپرسند که
چگونه نشریات کمونیستی مانده "پیکار" ، روزندگان
" انقلاب " ... را زدا نشنا رندا رند ، اما نشریاتی
مانند " مردم " ، " رنجبر " و ... را زده نشنا رندا رند و
بطور علنی و گسترده در سطح روزنامه فروشی ها
به فروش میرسد ؟
حقیقت آنست که نشریات دسته اول متعلق
به کمونیستهاست حال آنکه نشریات دسته دوم از
بقیه در صفحه ۲۴

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست